

احكام سجدهى سهو

ترجمه‌ى: «رسالة في سجود السهو»

نويسنده:

شيخ علامه محمد بن صالح العثيمين رحمته الله

ترجمه:

محمد عبداللطيف

(ويرايش دوم، به همراه اضافات)

این کتاب از سایت کتابخانه‌ی عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.shabnam.cc

www.kalemeh.tv

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.zekr.tv

www.mowahedin.com

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.nourtv.net

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۷
مقدمه‌ی مترجم: خشوع در نماز و راه‌های کسب آن.....	۱۱
معنی خشوع:.....	۱۲
الف) در زبان عرب:.....	۱۲
ب) در اصطلاح شرع:.....	۱۳
خشوع نفاق:.....	۱۵
حکم خشوع در نماز:.....	۱۶
الف) دلایل کسانی که قائل بر وجوب خشوع در نماز هستند:.....	۱۶
ب) دلایل کسانی که می‌گویند خشوع در نماز سنت است:.....	۱۹
حکم نماز بدون خشوع:.....	۲۲
اسباب کسب خشوع:.....	۲۴
اول- آنچه که موجب خشوع و تقویت آن خواهد شد:.....	۲۵
۱- آماده شدن برای نماز.....	۲۵
۲- حضور قلب و انجام نماز با حالت نشاط.....	۲۸
۳- قرار دادن دست راست بر روی دست چپ روی سینه در هنگام قیام نماز.....	۲۸
۴- تدبیر و اندیشه کردن در معانی آیات تلاوت شده و اذکار نماز.....	۲۹
۵- قرائت قرآن بصورت ترتیل، و زیبا تلاوت کردن آن.....	۳۰

- ۶- قرآن را آیه آیه تلاوت کند..... ۳۲
- ۷- کامل کردن رکوع و سجده و سکون و آرامش در آنها..... ۳۲
- ۸- یادآوری مرگ در نماز..... ۳۴
- ۹- بداند که خداوند متعال جواب وی را در نمازش خواهد داد..... ۳۴
- ۱۰- گذاشتن ستره جلوی خود به هنگام نماز..... ۳۵
- ۱۱- نگاه کردن به محل سجده..... ۳۶
- سوال: آیا بستن چشم در وقت نماز برای حصول خشوع جایز است؟..... ۳۷
- دوم: مواردی که مانع از خشوع خواهند شد:..... ۳۸**
- ۱- وجود اشیائی در مکان نماز که نمازگزار را به خود مشغول می‌کند..... ۳۸
- ۲- نمازگزار نباید در لباسی که دارای نقوش رنگارنگ و یا نوشته‌ها و تصاویری که او را از نماز غافل کند، نماز بخواند..... ۳۹
- ۳- وقتی که غذا حاضر است نماز خوانده نشود..... ۴۰
- ۴- در حالتی که ادرار و مدفوع به نمازگزار فشار می‌آورد نماز نخواند..... ۴۰
- ۵- در هنگام غلبه‌ی چرت نماز نخواند..... ۴۱
- ۶- مشغول نشدن به هموار کردن محل سجده و حرکات زیاد در نماز..... ۴۲
- ۷- با قرائتش موجب تشویش دیگران نشود..... ۴۳
- ۸- سعی کند جلوی خمیازه را بگیرد..... ۴۳

احکام سجده‌ی سهو در نماز..... ۴۷

- سجده‌ی سهو:..... ۴۷
- زیاده:..... ۴۷
- سلام دادن قبل از اتمام نماز :..... ۴۸
- نقص:..... ۵۰

۵۰	۱- نقص در ارکان نماز:
۵۱	۲- نقص در واجبات نماز:
۵۳	۳- نقص در سنت‌های نماز:
۵۳	شک:
۵۴	و شک در نماز خارج از دو حالت نیست:
۵۶	و از جمله مثال‌های دیگر شک در نماز:
۵۸	سجده‌ی سهو برای حالت‌های مختلف مأموم:
۶۰	و سجده‌ی سهو قبل از سلام در دو حالت لازم می‌شود:
۶۱	و سجده‌ی سهو بعد از سلام در دو حالت لازم می‌شود:
۶۳	خلاصه‌ی احکام سجده‌ی سهو:
۶۳	نکاتی درباره‌ی سجده‌ی سهو:
۶۶	مختصری از احکام سجده‌ی سهو برای حالت‌های مختلف مأموم:
۶۹	جدول زیر نیز مختصری از احکام سجده‌ی سهو است:
۷۲	فتاوی در مورد سجده‌ی سهو:
۷۲	الف: زیاده در نماز:
۷۲	تعریف سهو و حکمت از مشروعیت سجده‌ی سهو:
۷۳	و اما حکمت از مشروعیت سجده‌ی سهو:
۷۴	حکم سجده‌ی سهو برای کسی که زیادتى در نماز انجام دهد:
۷۴	حکم کسی که در نماز صبح برای رکعت سوم بلند شود:
۷۵	حکم کسی که سهواً رکعتی را به نماز تراویح اضافه می‌کند:
۷۶	حکم رکعت اضافه در نماز شب و وتر:

- حکم نماز مسافری که بعد از رکعت دوم اشتباهاً برای رکعت سوم بلند می‌شود... ۷۷
- حکم پیروی از امام در رکعت اضافی ۷۷
- حکم پیروی از امام در رکعت اضافه‌ای که به قصد جبران انجام می‌دهد ۷۹
- حکم رکعت اضافه‌ی امام برای فرد مسبوق ۸۱
- هرگاه امام به رکعت اضافه رود، و دو نفر وی را آگاه کنند، مأمومین از امام پیروی کنند یا به آن دو نفر اعتماد کنند؟ ۸۱
- حکم ادامه پیروی مسبوق از امامی که قبل از پایان نماز سلام دهد ۸۳
- حکم فرد مسبوقی که فراموش می‌کند با سلام امام بلند شود و مابقی نمازش را بخواند ۸۳
- هرگاه مسبوق اشتباهاً با امام سلام دهد، ولی بعداً بیاد آورد و نمازش را ادامه دهد ۸۵
- حکم کسی که سهواً قبل از اتمام نماز سلام دهد، و غذا بخورد و سپس یادش بیاید ۸۶
- حکم امامی که در نمازهای خفیه، فاتحه را جهری بخواند ۸۷
- ب: نقص در نماز** ۸۸
- حکم ترک عمدی رکن یا واجب یا سنتی در نماز ۸۸
- حکم فراموش کردن تکبیرة الاحرام ۸۹
- حکم کسی که دعای افتتاح را فراموش کند ۸۹
- حکم فراموش کردن قرائت فاتحه در نماز ۹۰
- کسی که در ابتدا خواندن فاتحه را فراموش کند ولی بعداً بیاد آورد و آن را بخواند ۹۱
- حکم کسی که در رکعت اول انجام سجده‌ی دوم را فراموش کند ۹۲
- هرگاه نمازگزار انجام سجده‌ی دوم را فراموش کند و بعد از سلام بیاد آورد ۹۳

- حکم کسی که در رکعت آخر سجده‌ی دوم را فراموش می‌کند و سلام می‌دهد..... ۹۳
- حکم کسی که تشهد اول را فراموش می‌کند و در رکعت سوم بیاد آورد..... ۹۴
- آیا بر کسی که تشهد اول را نخواند ولی بعداً جبران کند، سجده‌ی سهو لازم است؟
..... ۹۵
- حکم پیروی از امامی که خواندن تشهد اول را فراموش کند..... ۹۶
- حکم کسی که ذکر «سبحان ربی العظیم» را در رکوع فراموش کند..... ۹۶
- حکم مأمومی که در نماز جماعت ذکر «سبحان ربی الأعلی» را فراموش کند..... ۹۷
- حکم مسبوقی که در نماز جماعت ذکر «سبحان ربی العظیم» را فراموش کند..... ۹۷
- ج: شک در نماز..... ۹۸**
- کسی که در نمازش شک کند که چند رکعت نماز خوانده..... ۹۸
- اگر کسی در انجام سجده‌ی دوم شک داشته باشد..... ۹۹
- کسی که در ترک یکی از ارکان نماز مانند سجده شک کند..... ۹۹
- کسی که در ترک یکی از ارکان نماز شک کند ولی در نهایت یکی را ترجیح دهد
..... ۱۰۰
- کسی که در ترک عمل واجب در نماز شک کند..... ۱۰۰
- کسی که در ترک عمل واجب در نماز شک کند ولی در نهایت شک را دور کند..... ۱۰۱
- کسی که در خواندن سوره فاتحه شک کند..... ۱۰۱
- اگر کسی در خواندن سوره‌ی بعد از فاتحه شک کند..... ۱۰۲
- سوالات متفرقه:..... ۱۰۳**
- کسی که در تلاوت سوره‌ی بعد از فاتحه دچار اختلال شود..... ۱۰۳
- کسی که در قرائت دچار خطا و اشتباه شود..... ۱۰۴
- کسی که آیه یا ذکر را در غیر محل خود بخواند..... ۱۰۴
- سوال: حکم سجده‌ی سهو چیست؟..... ۱۰۵

- سوال: حکم انجام ندادن سجده‌ی سهو واجب چیست؟ ۱۰۷
- حکم نماز کسی که یکبار سجده‌ی سهو بجای آورد ۱۰۸
- کسی که انجام سجده‌ی سهو را فراموش کند ۱۱۰
- سوال: آیا سجده‌ی سهو در نماز سنت بمانند نماز فرض است؟ ۱۱۰
- کسی که مرتکب چندین سهو شد، چند بار سجده‌ی سهو انجام دهد؟ ۱۱۲
- سوال: محل سجده‌ی سهو کجاست؟ ۱۱۲
- چه وقت سجده‌ی سهو بعد از سلام خواهد بود؟ ۱۱۳
- هرگاه امام بعد از سلام سجده سهو ببرد درحالی‌که محل آن قبل از سلام باشد، مسبوق چه کند؟ ۱۱۳
- سوال: اذکار سجده‌ی سهو و جلوس بین آنها چیست؟ ۱۱۵
- آیا واجب است تا بعد از انجام سجده‌ی سهو دوباره تشهد خواند؟ ۱۱۶
- هرگاه امام به سجده‌ی تلاوت رود ولی مأموم اشتباه‌ها به رکوع برود ۱۱۶
- هرگاه دو نفر با گفتن «سبحان الله» امام را مطلع کنند، ولی در دو منظور متفاوت! ۱۱۷
- آیا هرگاه امام مرتکب اشتباهی شد می‌توان وی را با سخنی آگاه کرد؟ ۱۱۷
- سوال: ارکان و واجبات و سنت‌های نماز کدامند؟ ۱۲۰
- اول: ارکان نماز که چهارده رکن هستند: ۱۲۱
- دوم: واجبات نماز که هشت مورد هستند: ۱۲۲
- سوم: سنت‌های نماز: ۱۲۳
- سخن آخر، ۱۲۶

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

إِن الحمد لله، نحمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا وسيئات أعمالنا من يهده الله فلا مضل له ومن يضلل فلا هادي له وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمداً عبده ورسوله، ﷺ على آله وأصحابه ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين وسلم تسليماً كثيراً، ... اما بعد:

بسیاری از نمازگزاران هستند که هرگاه در نماز خود مرتکب اشتباه یا سهوی شدند، نمی‌دانند که چگونه آن خطای خود را جبران نمایند و بطور شایسته‌ای از چگونگی سجده‌ی سهوی که موجب جبران اشتباه آنهاست آگاهی ندارند، از اینرو در این کتاب سعی شده است تا اولاً راههای به حداقل رسیدن خطا و سهو در نماز بررسی شود و ثانیاً احکام مربوط به سجده‌ی سهو و کیفیت آن مطرح شود.

این کتاب شامل سه قسمت است، قسمت اول که به بررسی موضوع مهم خشوع و اسباب و موانع آن پرداخته است، چرا که خشوع جدای از اینکه موجب ثواب بیشتر است، موجب خواهد شد تا اشتباهات نمازگزار نیز به حداقل برسد. موضوع مربوط به خشوع را در قالب مقدمه‌ی کتاب آورده ایم که توسط مترجم به نگارش درآمده است. قسمت دوم کتاب که همان متن اصلی کتاب نیز می‌باشد، احکام سجده‌ی سهو را بطور مفصل بیان می‌کند که در حقیقت ترجمه‌ی «رسالة في سجود السهو» نوشته‌ی، شیخ علامه محمد بن صالح العثیمین رحمته الله -از فقهای برجسته معاصر- می‌باشد. در قسمت سوم، برای آنکه مطالب مربوط به مسئله‌ی سجده‌ی سهو در نماز را برای خوانندگان گرامی کامل‌تر آورده باشیم، سوال و جواب‌هایی را نیز از کتاب «مجموع فتاوی ابن عثیمین» قسمت سجده‌ی سهو (و چند منبع معتبر دیگر) انتخاب نمودیم و آن را به

ترجمه‌ی رساله‌ی مذکور ملحق نمودیم. همچنین در انتهای رساله‌ی مؤلف، و قبل از پرداختن به سوال و جواب، نکات مهمی از احکام مربوط به سجده‌ی سهو به صورت خلاصه ذکر شده اند تا مطالب کلی کتاب دسته بندی شده و باعث شود ماندگاری مطالب آن در ذهن آسان‌تر گردند. یادآور می‌شویم که تمامی پاورقی‌های این کتاب متعلق به مترجم می‌باشد.

اما از جمله ویژگی‌های مثبت این رساله و کتاب اینست که قصد یاری هیچکدام از مذاهب فقهی را نداشته، بلکه در پی نصرت مدلول کتاب و سنت بر مذهب و تعصب مذهبی است. بعبارتی مطالب این رساله بدون تعصب نسبت به مذهب خاصی از مذاهب رایج، و با استناد به کتاب و سنت صحیح نبوی قصد دارد تا رای صواب را بیابد. والحمدلله.

چرا که بی‌گمان تعصب مذهبی، از بزرگ‌ترین بیماری‌هایی است که پدیدار گشته و همواره فراروی این امت قرار گرفته و بر جنبه‌ها و سطوح مختلف، اثر گذاشته است. ولی روش سلف صالح تأکید بر اصول و ضوابطی از این قبیل بود که: «سخن هر کسی را می‌توان قبول و یا رد کرد، جز سخن خدا و پیامبر ﷺ که باید بی‌چون و چرا پذیرفته شود.

امام ابن ابی العز حنفی رحمته الله شارح کتاب «عقیده طحاوی» رساله‌ای دارد با عنوان «الاتباع»، این کتاب، ردّی است بر رساله‌ای که هم عصرش، اکمل الدین محمد بن محمود بن احمد حنفی متوفای سال ۷۸۶ هجری قمری تألیف نموده که در آن تقلید مذهب ابوحنیفه رحمته الله را ترجیح داده و دیگران را به آن تشویق و ترغیب نموده است. ابن ابی العز مطالب مبهم و مشکلی را در این کتاب دید و دوست داشت از ترس تفرقه مذموم و پیروی از هواهای نفسانی، آنها را گوشزد نماید و در این ردّ، خیلی موفق بود. وی در این ردّ به روش علمی برخورد نموده که از ادب و نزاکت، حجت قوی، آزاداندیشی، سعه صدر، دور از تعصب مذموم، و با رغبتی گیرا و جذاب در به دست

آوردن دل‌ها و از بین بردن موانع خبر می‌دهد.

او در صفحه ۸۸ از این رساله می‌گوید: «بر هر کسی که طالب علم سودمند است، واجب است که کتاب خدا را حفظ نموده و در آن تدبر نماید. همچنین واجب است که هر اندازه برایش میسر باشد از سنت پیامبر ﷺ حفظ نماید و از آن سیراب شود و همراه آن معلوماتی از لغت و نحو که کلامش را اصلاح می‌نماید و برای فهم قرآن و سنت و معانی کلام سلف صالح کمکش می‌کند، یاد بگیرد. سپس به سخنان همه علما: صحابه و علمای بعد از آن هر اندازه برایش میسر باشد بدون آنکه کسی یا کسان خاصی را در نظر داشته باشد، نگاه کنند اگر مسائلی را دید که علما بر آن اتفاق نموده‌اند، از آن تجاوز ننماید و اگر مسائلی را دید که در آن اختلاف نظر داشته‌اند، به ادله‌ی آنان بدون تعصب و تبعیت از هوای نفسانی نگاه کند. سپس بعد از اینها، هر کس را که خداوند هدایتش کند، هدایت یافته و هر کس را که گمراهش کند، دوست و هدایت کننده‌ای برایش نمی‌یابی».

لذا تبعیت از کتاب (قرآن) و سنت (احادیث) باید هدف اساسی برای هر فرد مسلمانی بوده و راهی باشد که از آن مسیر حرکت می‌کند و هر عالم و مفتی و مجتهد مذهبی که برای آرای فقهی خود دلیل محکم تر و صحیح تری داشت، رأی او شایسته‌ی آنست که پذیرفته شود هر چند که بر خلاف مذهب رایج باشد. و این همان خواسته‌ی امامان مذاهب چهارگانه است:

امام ابوحنیفه رحمته الله علیه می‌فرماید:

«هرگاه چیزی گفته باشم که مخالف با کتاب الله و خبر رسول الله ﷺ باشد گفته‌ی من را کنار بگذارید»^۱.

امام شافعی رحمته الله علیه می‌گوید:

«هرگاه صحت حدیثی ثابت شد آن حدیث صحیح مذهب من است»^۲.

۱- صفة الصلاة: ص ۲۷-۲۸.

۲- صفة صلاة النبي: ص ۳۰.

امام احمد رحمته الله می‌فرماید:

«از من و از امام مالک و امام شافعی و امام اوزاعی و ثوری تقلید نکنید و از چیزی پیروی کنید و احکام و دستورات خود را از جایی بگیرید که آنان بدست آورده‌اند»^۱.
تقلید از مذهبی معین، برای علما و مجتهدین جایز نیست. همچنین بر کسانی که طالب علم شرعی هستند، بگونه‌ای که دسترسی به کتب فقها داشته و توانایی مطالعه متون فقهی و شرعی و سبک سنگین کردن اقوال آنها را دارند، جایز نبوده که از کسی تقلید کنند. فقط افرادی که چنین توانایی ندارند و از علم شرعی برخوردار نیستند باید از اهل علم، آن کسانی که ملتزم به کتاب و سنت هستند سوال کنند، زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [النحل: ۴۳].

«پس اگر نمی‌دانید از اهل ذکر سوال کنید».

خدای متعال، همه‌ی ما را از غرض‌ورزی و کینه‌توزی مصون بدارد و بر زبان و قلم ما، سخنانی جاری بفرماید که روشن‌گر راه سعادت باشد و در آخرت، دست‌گیرمان شود، و از الله تعالی خواستاریم که این کتاب را راهنمایی برای طالبان حقیقت قرار فرماید.
وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.

محمد عبداللطیف

یکشنبه ۲۹ اسفند ۱۳۸۹ شمسی

برابر با: ۱۵ ربیع الثانی ۱۴۳۲ قمری

۱- برگرفته از متن کتاب «بدعة التعصب المذهبي وآثارها الخطيرة في جمود الفكر وانحطاط المسلمين» تألیف، شیخ محمد عید بن جاد الله العباسی است.

مقدمه‌ی مترجم:

خشوع در نماز و راه‌های کسب آن

حمد و سپاس خداوند عالمیان، همان خدایی که در کتاب روشنگرش فرمود: ﴿وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ﴾ [البقرة: ۲۳۸]. «و از روی خضوع و اطاعت، برای خدا بپاییزید»، و فرمود: ﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ [البقرة: ۴۵]. «و از صبر و نماز یاری جویند و برآستی که نماز جز برای خاشعان، گران و دشوار است»، و سلام و صلوات بر امام پرهیزکاران و سرور خاشعان محمد رسول الله و بر آل و اصحابش و بر تمامی کسانی که پیرو ایشان هستند. و بعد

برآستی که نماز از بزرگ‌ترین ارکان عملی دین است، و خشوع نیز یکی از اوامر مطلوب شرع در نماز است، و از آنجاییکه دشمن خدا ابلیس ملعون با خود عهد بست تا بنی آدم را در گمراهی و انحراف بیاندازد و گفت: ﴿لَا يَتَّبِعُهُم مِّن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَنِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ﴾ [الأعراف: ۱۷]. «از پیش رو و از پشت سر، و از طرف راست و از طرف چپ آنها، به سراغشان می‌روم»، لذا همواره یکی از بزرگ‌ترین نیرنگ‌های او این بوده تا با انواع و اقسام وسایل و روش‌های گوناگون و وسوسه، انسان را از نمازش منصرف کرده یا به تشویش و اضطراب بیاندازد تا لذت این عبادت بزرگ را از آنها محروم نماید و اجر و ثوابشان را نابود سازد، و می‌بینیم که بسیاری از مردم از قضیه‌ی وسواس و فقدان خشوع در نماز خود شاکی هستند. شیطان در حله‌ی نخست می‌خواهد که عبد نماز نخواند تا وی را از جمله‌ی اصحاب جهنم قرار دهد، ولی هرگاه او اراده‌ی نماز خواندن نمود این بار تلاش می‌کند تا وقت نمازش را به تأخیر بیاندازد، و هرگاه برای اقامه‌ی آن برخاست، بین او و نفسش قرار می‌گیرد و وی را در وسوسه و اضطراب می‌اندازد تا در نمازش به تشویش و غفلت بیافتد تا جاییکه نمازش باطل شود، یا نقصی

در آن وارد گردد و از اجر و ثواب نمازش بکاهد، در حدیث آمده که: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيُصَلِّي الصَّلَاةَ مَا يُكْتَبُ لَهُ مِنْهَا إِلَّا عَشْرُهَا تُسَعُّهَا ثُمْنُهَا سُبْعُهَا سُدُسُهَا خُمُسُهَا رُبْعُهَا ثُلُثُهَا نِصْفُهَا»^۱. «همانا بنده نماز می‌گزارد در حالیکه برایش جز یک دهم یا یک نهم یا یک هشتم یا یک هفتم یا یک ششم و یا یک پنجم یا یک چهارم یا یک سوم و یا نصف اجر و پاداش آن نوشته نمی‌شود». یعنی هر قدر که نمازگزار نمازش را با خشوع و حضور قلب بیشتری بخواند و ارکان و واجبات و مستحبات آنرا خوب انجام دهد، به همان مقدار نیز اجر و ثوابش بیشتر خواهد شد، و علاوه بر این خشوع موجب خواهد شد تا اشتباهات و سهوهای ما در نماز کاهش یابد، و در اینجا است که خشوع اهمیت زیادی در نماز و دیگر عبادات می‌یابد، لذا شایسته است که برای رسیدن به این امر مطلوب تلاش کنیم و تمامی اسباب شرعی را که ما را به نتیجه‌ی مطلوب می‌رساند بکار ببندیم و موانعی که ما را از آن هدف مهم دور می‌سازد، دفع نماییم.

به توفیق باری تعالی مطالبی را در ارتباط با این موضوع بیان خواهیم نمود، اما در ابتدا به تعریف خشوع و نیز به بررسی حکم آن در نماز می‌پردازیم و آنگاه اسبابی را که موجب حصول آن خواهند شد ذکر می‌کنیم.

معنی خشوع:

الف) در زبان عرب:

ابن منظور در «لسان العرب» در مورد خشوع آورده: «خَشَعَ يَخْشَعُ خُشُوعًا وَخَتَشَعَ وَتَخَشَّعَ». یعنی: «چشمش را رو به زمین کرد و آنرا فروداشت و صدایش را پایین آورد». و گفته شده: خشوع نزدیک به خضوع است، با این تفاوت که خضوع در جسم و بدن است و عبارتست از اقرار به ضعف نفس، ولی خشوع هم در بدن و هم در صوت و

۱- روایت ابوداود و نسائی: و علامه البانی در الجامع الصحیح: ۷۶۱، آن را حسن ذکر کرده است.

چشم است، مانند این فرموده‌ی الله تعالی: ﴿خَشَعَةً أَبْصَرُهُمْ﴾ [المعارج: ۴۴، و القلم: ۴۳]. «چشم‌هایشان به زیر افتاده»، ﴿وَحَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ﴾ [طه: ۱۰۸]. «و همه صداها در برابر (عظمت) خداوند رحمان، خاضع می‌شود».^۱

و راغب در مفردات آورده: خشوع یعنی تضرع و زاری، با این تفاوت که بیشترین استعمال خشوع مربوط به حالت‌هایی است که در جوارح ظاهر می‌شود، اما بیشترین استعمال تضرع مربوط به حالت‌هایی است که در قلب بوجود می‌آید، و به همین دلیل روایت شده: «إِذَا صَرَغَ الْقَلْبُ خَشَعَتِ الْجَوَارِحُ»^۲. یعنی: «هرگاه قلب دچار تضرع و فروتنی شد جوارح نیز دچار خشوع خواهند شد».^۳

ب) در اصطلاح شرع:

شیخ الاسلام ابن تیمیه می‌گوید: «خشوع متضمن دو معناست: اول: تواضع و خود را حقیر و کوچک شمردن، دوم: سکون و طمأنینه»^۴. و امام ابن کثیر رحمته الله می‌گوید: «خشوع یعنی آرامش، طمأنینه و وقار و تواضع، و ترس از خدا و توجه به وی»^۵. و امام ابن قیم رحمته الله نیز می‌گوید: «خشوع، یعنی در کمال ذلت و با تواضع تمام در مقابل خداوند

۱- لسان العرب، و نگاه کنید به: «لسان اللسان» ۳۴۰/۱.

۲- حدیث مذکور را ترمذی حکیم در نوادر الأصول: ۳۱۷/۱، از ابوهریره بصورت مرفوع از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که ایشان مردی را دید که در نمازش با ریش خود بازی می‌کرد، و فرمود: «لو خضع قلبه لخشعت جوارحه». اما حافظ عراقی سند آن را ضعیف دانسته است، و معروف آنست که این قول از سخنان سعید ابن مسیب رحمته الله است چنانکه ابن ابی شیبہ در مصنف خود آن را روایت کرده که البته در سند آن نیز مردی است که اسم وی برده نشده است. والله اعلم (نگاه کنید به: تخریج أحادیث الإحياء ۳۳۹/۱).

۳- المفردات فی غریب القرآن: راغب اصفهانی.

۴- مجموع الفتاوی: ج ۷، ص ۲۸.

۵- تفسیر ابن کثیر: ط. دار الشعب: ۴۱۴/۶.

ایستادن»^۱.

خشوع روح نماز و مقصود اصلی آنست، و نماز بدون خشوع بمانند بدن مرده‌ایست که روح آن قبض شده است. محل خشوع در قلب است که ثمره و نتیجه‌ی آن در اعضاء و جوارح نمایان می‌شود، چرا که اعضاء تابع قلب هستند، هرگاه خشوع قلب با غفلت و وسواس زایل شود، عبودیت اعضاء و جوارح نیز از بین می‌رود، پس قلب بمانند فرمانروا و اعضاء بمانند سربازان اویند که از وی امر می‌گیرند، هرگاه فرمانروا با فقدان عبودیت قلب خلع شد، رعیت نیز که همان جوارحند نابود خواهند شد.

خداوند متعال فرمود:

﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ﴿٢﴾﴾ [المؤمنون: ۱-۲]. «به راستی که مؤمنان رستگار شدند کسانی که در نمازشان خاشعند»^۲.

«خداوند متعال با یاد کردن بندگان مؤمن خود و بیان موفقیت و رستگاری آنها، و اینکه چگونه به آن می‌رسند، یاد آنها را گرامی می‌دارد، و آنان را ستایش می‌نماید، و در ضمن مردم را تشویق و تحریک می‌کند تا خود را به صفات‌های آنان متصف کنند، پس بنده باید وضعیت خود و دیگران را با این آیات بسنجد، که از این طریق ضعف و قوت ایمان خود و دیگران را می‌داند.

فرمود: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١﴾﴾ مؤمنان که به خداوند ایمان آورده‌اند و پیامبران را تصدیق نموده‌اند، رستگار و موفق شده و همه‌ی آنچه را که یک انسان سعادت‌مند به دنبال

۱- مدارج السالکین: ۵۲۰/۱.

۲- حاکم از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است: هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نماز می‌خواند نگاه خود را به سوی آسمان بلند می‌کرد، پس آیه: ﴿الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ﴿٢﴾﴾ نازل شد. بعد از آن پیامبر صلی الله علیه و آله همیشه به زمین نگاه می‌کرد.

و سعید بن منصور از ابن سیرین به صورت مرسل روایت کرده است: پیامبر نگاه خود را می‌گرداند، پس این آیه نازل شد. (اسباب نزول آیات قرآن کریم، امام جلال الدین سیوطی، ص ۳۷۳).

آن است، به دست آورده‌اند. یکی از صفتهای کمال آنان این است که ﴿فِي صَلَاتِهِمْ خَلْشِعُونَ﴾ در نمازشان فروتن هستند. خشوع و فروتنی در نماز یعنی حضور قلب در برابر خداوند، و به خاطر آوردن نزدیکی او، که از این طریق قلب مؤمن و نفسش آرام می‌گیرد، و سکونت می‌یابد، و کم‌تر به این سو و آن سو توجه می‌نماید، و مؤدبانه در پیشگاه پروردگارش می‌ایستد، و همه آنچه را که می‌گوید انجام می‌دهد، و به خاطر می‌آورد، و از اول نمازش تا آخر آن بدان توجه دارد، و با این کار وسوسه‌ها و افکار بی‌ارزش را از خود دور می‌گرداند، و این روح نماز است و مقصود و هدف از نماز همین است، و این چیزی است که برای بنده نوشته می‌شود. پس نمازی که خشوع و فروتنی و حضور قلب در آن نباشد چنانچه قابل قبول باشد و صاحبش بر آن پاداش یابد، پاداش آن به اندازه‌ای است که قلب از آن توجه کند و بفهمد^۱.

خشوع نفاق:

همانقدر که نبود خشوع مذموم است، ظاهر کردن خشوع نیز شرعی نیست، یعنی مطلوب مورد نظر شرع، عدم تظاهر به خشوع و وجود اخلاص در عبادت است، و از جمله نشانه‌های اخلاص پنهان کردن خشوع است. امام ابن قیم می‌گوید: «خشوع نفاق (خشوع همراه با ریا) اینست که انسان خشوع را بصورت تصنعی و ظاهری بر جوارح خود بروز می‌دهد اما قلب او خاشع نباشد»^۲.

«یکی از شرایط پذیرفتن عمل صالح این است که از ریا و خودنمایی پاک و طبق سنت باشد، هرکس به منظور خودنمایی عبادت کند، مرتکب شرک اصغر گشته است، و عملش تباه و نابود می‌گردد، مانند کسی که برای این نماز بخواند که مردم او را ببینند، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْمُتَفَقِّينَ يُخَدِّعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَدِيعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى

۱- تفسیر آیات ۲ و ۱ سوره‌ی مؤمنون؛ علامه عبدالرحمن سعدی رحمته‌الله.

۲- کتاب الروح: ص ۳۱۴، ط. دار الفکر- اردن.

الصَّلَاةُ قَامُوا كَسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٤٢﴾ [النساء: ۱۴۲].

«بی‌شک منافقان با خداوند نیرنگ می‌ورزند و او (خداوند هم در پاسخ نیزنگشان) تدبیر می‌کند، و چون به نماز برخیزند، سست (و بی‌حال) به نماز می‌ایستند، و در برابر مردم ریا می‌کنند و خداوند را جز اندکی یاد نمی‌کنند».

اگر کسی از ابتدا عملی را خالصانه برای خداوند شروع نمود، و سپس بر آن ریا و خودنمایی طاری گشت، در این صورت اگر از وجود ریا ناراحت شود و با آن مجاهده کند، و آن را دفع نماید، عملش صحیح و پذیرفته است، و اگر به آن شادمان و راضی گشت، اکثر اهل علم معتقد به بطلان عمل وی هستند^۱.

حکم خشوع در نماز:

آیا خشوع از جمله فرائض نماز است و یا جزو فضائل (مستحبات) و مکمل آن؟
 علمای بزرگوار اسلام در خصوص حکم خشوع در نماز دو رأی مختلف دارند، بعضی از علما همانند امام نووی و حافظ ابن حجر گفته اند که خشوع از جمله‌ی مستحبات و سنت است، و امام غزالی در «احیاء» و دسته‌ای دیگر از علما و نیز ابن حامد از اصحاب امام احمد و امام ابن تیمیه گفته‌اند که واجب است.

الف) دلایل کسانی که قائل بر وجوب خشوع در نماز هستند:

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ﴾ [النساء: ۸۲]. «آیا در آیات قرآن نمی‌اندیشند؟». و مسلماً اندیشیدن و تدبر در قرآن بدون تمرکز بر معنای آن متصور نخواهد بود.

و می‌فرماید: ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾ [طه: ۱۴]. «نماز را برای یاد و ذکر من بپادار». و غفلت و عدم خشوع با ذکر و یاد خدا در تضاد است، و لذا می‌فرماید: ﴿وَلَا تَكُنْ مِّنْ

۱- محرمات، تألیف: محمد صالح المنجد.

الْغَفْلِينَ ﴿[الأعراف: ۲۰۵]. و از جمله‌ی غافلان مباش. یعنی: از غافلان ذکر و یاد خدای ﷻ و از غافلان قرائت در نماز نباش.

از طرفی مقصود اصلی از نماز، تلفظ آیات و اذکار و ادعیه‌ی داخل آن نیست، بلکه مقصود حقیقی، معانی آنها هستند، و اگر نمازگزار معانی الفاظی را که بر زبان می‌آورد درک نکند و در آنها فرو نرود، مقصود اصلی نماز را ترک گفته است.

و از پیامبر ﷺ روایت شده که ایشان فرمودند: «إِنَّ الْعَبْدَ لِيَصِلِيَ الصَّلَاةَ لَا يَكْتَبُ لَهُ سِدْسُهَا وَلَا عَشْرُهَا، وَإِنَّمَا يَكْتَبُ لِلْعَبْدِ مِنْ صَلَاتِهِ مَا عَقَلَ مِنْهَا»^۱.

یعنی: «هرگاه بنده نماز می‌خواند برای او نه یک ششم آن و نه یک دهم آن نوشته نمی‌شود، و بلکه برای بنده آن مقدار از نمازش نوشته می‌شود که به آن توجه کرده است».

و نیز از معاذ ابن جبل رضی الله عنه روایت است که گفت: «مَنْ عَرَفَ مِنْ عَلِيٍّ يَمِينَهُ وَشِمَالَهُ مُتَعَمِّدًا وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ»^۲. «هر کس در نماز از روی عمد بفهمد چه کسی در طرف راست و چپش قرار گرفته نماز او نماز نیست».

و حسن بصری رحمته الله می‌فرماید: «كُلُّ صَلَاةٍ لَا يَحْضُرُ فِيهَا الْقَلْبُ فَهِيَ إِلَى الْعُقُوبَةِ أَسْرَعُ»^۳. «هر نمازی که در آن حضور قلب وجود نداشته باشد، پس بزودی عقوبت خواهد دید».

و عبد الواحد بن زید می‌گوید: «عُلَمَاءُ أَجْمَاعٍ كَرِهُوا أَنْ يَكُنْ فِيهِ شَيْءٌ مِنْ غَيْرِ نَصِيبِ بِنْدَةٍ نَزَلَ فِيهَا»^۴. نمازگزار نخواهد شد بجز آن مقدار که در آن توجه داشته است»^۴.

۱- روایت ابوداود و نسائی و ابن حبان از حدیث عمار بن یاسر.

۲- إحياء علوم الدين: كتاب أسرار الصلاة ومهمات.

۳- مرجع سابق، و در «بداية الهداية».

۴- إحياء علوم الدين: ۱/ ۱۶۱.

همچنین امام ابن قیم نیز چنین اجماعی را ذکر می‌کند، در «بدائع الفوائد، قاعدة جامعة في الابتداء» ۲/ ۴۲۳.

و شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته الله در «مجموع فتاوی» چنین می‌گوید: «خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ [البقرة: ۴۵]. «و از صبر و از نماز یاری جوید و براستی که نماز جز برای خاشعان، گران و دشوار است»، و این فرمودی الله تعالی مقتضای سرزنش غیرخشوع‌کنندگان است، از سویی سرزنش جز به سبب ترک واجب یا انجام عمل حرامی نخواهد بود، پس از آنجاییکه غیر خاشعین مورد سرزنش واقع شده‌اند نتیجتاً این امر دلالت بر وجوب خشوع در عبادت است، و همچنین این فرموده‌ی الله تعالی دلیل بر وجوب خشوع است: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ۱ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ۲﴾ [المؤمنون: ۱-۲]. تا جاییکه می‌فرماید: ﴿أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ۳ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۴﴾ [المؤمنون: ۱۰-۱۱]. «براستی که مؤمنان رستگار شدند کسانی که در نمازشان خاشعند، آنان وارثان هستند، همان کسانی که بهشت را به ارث می‌برند و جاودانه در آن ماندگارند». خداوند متعال خبر داده که آنها (خاشعان) بهشت را به ارث می‌برند و این مقتضای این حقیقت است که غیر آنها فردوس را به ارث نخواهند برد، و این دلالت بر وجوب این خصلت دارد، چرا که اگر مستحب می‌بود می‌بایست فردوس بدون آن به ارث می‌رسید، زیرا بهشت بوسیله‌ی انجام عمل واجبات بدست می‌آید نه مستحبات، و به همین خاطر چیزی در مورد این خصلت ذکر نمی‌شود مگر آنکه واجب باشد.

بنابراین خشوع در نماز واجب است و این متضمن سکون، آرامش و تواضع است، و کسی که در سجده بمانند کلاغ منقار می‌زند^۱ و نیز کسی که هنوز از رکوع بلند نشده به سجده می‌رود خاشع نیست، و در نمازش آرامش و سکون نگرفته، زیرا سکون یعنی طمأنینه و کسی که طمأنینه نداشته باشد سکون و آرامش ندارد و کسی هم که سکون

۱- یعنی کسی که به سجده می‌رود و بدون سکون از آن بر می‌گردد و باز با سرعت به سجده‌ی دوم می‌رود، بدون آنکه آرامش و سکونی در سجده و جلوس بین آنها داشته باشد.

نداشته باشد در رکوع و سجودش خشوع نخواهد داشت و کسی هم که خاشع نباشد گناهکار و عاصی است.. و دلیل (دیگر) بر واجب بودن خشوع در نماز اینست که پیامبر ﷺ کسی را که در نماز رو به آسمان می‌کرد و از خود حرکات اضافی انجام می‌دهد هشدار و سرزنش کرده است، زیرا این اعمال با خشوع در نماز منافات دارند^۱.

ب) دلایل کسانی که می‌گویند خشوع در نماز سنت است:

هر چند که پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيَنْصَرِفُ مِنَ الصَّلَاةِ وَلَمْ يَكْتَبْ لَهُ إِلَّا نِصْفُهَا، ثَلَاثُهَا، رُبْعُهَا، حَتَّى يَبْلُغَ عَشْرَهَا». «همانا بنده از نماز فارغ می‌شود درحالی‌که برایش جز نصف، یا یک سوم، یا یک چهارم و یا تا آنکه به یک دهم برسد، نوشته نمی‌شود»، ولی با این وجود ایشان به کسی که در نمازش دچار سهوی می‌شود امر نموده تا سجده‌ی سهو ببرد ولی وی را به تکرار نماز امر نکرده است.

و نیز از پیامبر ﷺ ثابت شده است که ایشان فرمودند: «إِذَا نُودِيَ بِالصَّلَاةِ أَذْبَرَ الشَّيْطَانُ وَلَهُ ضُرَاطٌ حَتَّى لَا يَسْمَعَ الْأَذَانَ، فَإِذَا قُضِيَ الْأَذَانُ أَقْبَلَ، فَإِذَا تَوَبَّ بِهَا أَذْبَرَ فَإِذَا قُضِيَ التَّوْبَةُ أَقْبَلَ حَتَّى يَخْطُرَ بَيْنَ الْمَرْءِ وَنَفْسِهِ يَقُولُ اذْكُرْ كَذَا وَكَذَا مَا لَمْ يَكُنْ يَذْكُرُ حَتَّى يَظَلَّ الرَّجُلُ إِنْ يَذْرَى كَمْ صَلَّى، فَإِذَا لَمْ يَذْرَأْ أَحَدُكُمْ كَمْ صَلَّى ثَلَاثًا أَوْ أَرْبَعًا فَلْيَسْجُدْ سَجْدَتَيْنِ وَهُوَ جَالِسٌ»^۲.

یعنی: «هرگاه موذن برای نماز اذان می‌گوید، شیطان فرار می‌کند و از عقب خود هوا خارج می‌کند تا صدای اذان را نشنود. و هرگاه اذان تمام شد، برمی‌گردد، و اگر اقامه گفته شد باز فرار می‌کند، و دوباره پس از اتمام آن، برمی‌گردد تا نمازگزاران را دچار وسوسه کند و می‌گوید: فلان مسئله و فلان مسئله و... را به خاطر بیاور، و همه‌ی آنچه را که فراموش کرده است به یادش

۱- مجموع الفتاوی: ۵۵۳/۲۲ - ۵۵۸.

۲- بخاری: ۵۷۳، و مسلم: ۵۸۲، با الفاظ نزدیک به هم.

می‌آورد و او را چنان سرگرم می‌کند که نداند چند رکعت خوانده است، پس هرگاه یکی از شما دچار چنین حالتی شد در آخر دو سجده‌ی سهو ببرد».

می‌بینیم که پیامبر ﷺ در چنین نمازی که شیطان نمازگزار را در آن به غفلت می‌اندازد تا جاییکه نمی‌داند چند رکعت خوانده است، امر می‌کند تا دو سجده‌ی سهو بجای آورد ولی وی را به تکرار نماز امر نمی‌کند، و اگر واقعا -چنانکه شما می‌گویید- نماز به سبب غفلت و عدم خشوع باطل شود، پس می‌بایست پیامبر ﷺ نمازگزار را به تکرار نمازش امر می‌کردند^۱.

همچنین فقها اجماع کرده‌اند که خشوع جزو شروط صحت نماز نیست. و امام نووی رحمه الله نیز اجماع علما را مبنی بر اینکه خشوع واجب نیست نقل کرده است^۲. و لذا نتیجه می‌گیریم که خشوع واجب نیست، بلکه سنت و فضیلت است، چنانکه امام نووی در «المجموع» آورده است: «خشوع و خضوع در نماز و تدبر و توجه در قرائت و اذکار آن و آنچه که متعلق به نماز است و نیز دوری از افکاری که متعلق به آن نیست، (همگی) مستحب هستند، و اگر در چیزی غیر از نماز به تفکر پردازد و این افکار زیاد شوند، نمازش باطل نمی‌شود اما مکروه است، و تفاوتی ندارد که در امورات مباح فکر کند یا حرام مانند نوشیدن شراب و .. (و قولی که می‌گوید: هرگاه تفکر کردن در سخن نفس زیاد شود، نماز باطل خواهد شد، قول مردود و شاذی است، چرا که اجماع نقل شده است که این امر نماز را باطل نمی‌کند، اما بر کراهت آن اتفاق نظر وجود دارد»^۳.

نکته‌ای که لازمست مدنظر داشت اینست که قائلین بر استحباب خشوع در نماز، حکم اجزاء آن را مورد بررسی قرار داده اند نه حکم ثواب و قبول نماز، چنانکه رازی در رد قول آنها می‌گوید: «..حضور (قلب در نماز) نزد ما شرط اجزاء نیست، بلکه شرطی برای

۱- نگاه کنید به: مدارج السالکین: ۱/ ۱۱۲ و ۵۲۸-۵۳۰.

۲- فتح الباری: ج ۲، ص: ۲۲۶.

۳- المجموع ج ۴، ص ۱۱۴.

قبولی (نماز) است، و منظور از اجزاء، یعنی قضای نماز واجب نمی‌شود، ولی منظور از قبولی (نماز)، یعنی حکم ثواب (نماز)، و فقهای (قائل بر استحباب خشوع) حکم اجزاء آن را مورد بررسی قرار داده اند نه حکم ثواب و قبول نماز را، ولی غرض ما در اینجا حکم ثواب نماز است.

سپس آن را با مثالی روشن می‌کند و می‌گوید: و مثال آن در شاهد اینست: کسی که لباسی را از تو به قرض بگیرد سپس آن را بنحو احسن پس بدهد، او از عهد و ذمه بریء شده و مستحق ستایش نیز است، اما کسی که آن را بر وجهی نامناسب و تحقیرآمیز بازگرداند، او بریء ذمه شده اما مستحق سرزنش است. پس همینطور اگر کسی خداوند متعال را در هنگام ادای عبادت بزرگ بدارد، او فرضش را بجای آورد و مستحق ثواب است، ولی کسی که چنین نباشد، او ظاهراً فرض را انجام داده، اما مستحق سرزنش است (نه ثواب).^۱

در مجموع بنظر می‌رسد که رأی آلوسی به صواب نزدیک‌تر باشد، چنانکه می‌گوید: «از نظر ما که جمعی از علما نیز آن را برگزیده‌اند، خشوع شرط صحت نماز است، اما نه در کل آن، بلکه (حداقل) در قسمتی از نماز».^۲

بنابراین حداقل چیزی که در مورد خشوع در نماز می‌توان گفت، اینست که خشوع و حضور قلب در آن واجب است هرچند که در جزئی از نماز باشد، وگرنه (اگر در هیچ قسمتی از نماز خشوعی وجود نداشته باشد) نماز باطل است، و بنظر می‌رسد این رأی صحیح‌تر باشد، چرا که خشوع روح نماز است، و اگر نماز اصلاً خشوع نداشته باشد بمانند مرده‌ای است که روح ندارد، و آن نماز مردود و نمازگزار مستحق سرزنش خواهد شد، و خداوند متعال به آن آگاه‌تر است.^۳

۱- تفسیر رازی: اول سوره‌ی مؤمنون.

۲- نگاه کنید به: «الخشوع فی الصلاة حقیقه واسبابه»، أبو عبد الله الخطیب.

۳- نگاه کنید به: «الخشوع فی الصلاة حقیقه واسبابه»، حکم الخشوع، أبو عبد الله الخطیب.

حکم نماز بدون خشوع:

بر طبق رای کسانی که خشوع و حضور قلب را واجب می‌دانند، نمازی که بدون خشوع باشد باید تکرار شود، چنانکه ابن حامد از علمای حنابله چنین گفته است، ولی جمهور فقها خلاف آن را گفته‌اند.

امام ابن قیم رحمته در «مدارج السالکین» می‌گوید: اگر گفته شود: در مورد نماز بدون خشوع چه می‌گویید، آیا نماز محسوب می‌شود یا خیر؟
جواب: در اجر و ثواب چیزی از نماز (برای نمازگزار) محسوب نمی‌شود، بجز آن مقدار که در آن توجه داشته و برای پروردگارش خاشع بوده است.
ابن عباس گفته: «لیس لك من صلاتك إلا ما عقلت منها» «برای تو چیزی جز به اندازه‌ای که در نمازت توجه داشته‌ای نیست».

و در مسند (امام احمد) بصورت مرفوع آمده: «إن العبد لیصلي الصلاة، ولم یکتب له إلا نصفها، أو ثلثها، أو ربعها حتی بلغ عشرها» «همانا بنده از نماز فارغ می‌شود در حالیکه برایش جز نصف، یا یک سوم، یا یک چهارم و یا تا آنکه به یک دهم برسد، نوشته نمی‌شود».
خداوند متعال رستگاری نمازگزاران را به خشوع در نمازشان مشروط کرده، و این دلالت دارد بر اینکه هرکس خشوع نداشته باشد جزو رستگاران نیست، و اگر اجر و ثوابی برایش باشد او جزو رستگاران است. اما از نظر احکام دنیوی و اینکه تکرار نماز لازمست یا خیر؟ (می‌گوییم) اگر خشوع در نماز بیشتر (از غفلت در آن) باشد و در آن توجه شود، در اینحالت به اجماع علما نماز محسوب می‌شود، و نمازهای سنت و اذکار بعد از آن، نواقص نماز را جبران و کامل می‌کنند. ولی اگر (غفلت) بر خشوع و توجه در نماز غالب گردد، در اینحالت علما در مورد واجب بودن تکرار نماز اختلاف آراء دارند.

سپس ابن قیم عدم تکرار نماز را ترجیح داده و می‌گوید:

اگر شما (که قائل بر تکرار نماز بدون خشوع هستید) تکرار نماز را برای رسیدن به این نتایج و فواید واجب می‌دانید، نمازگزار می‌تواند نمازش را تکرار کند تا آنها را

بدست آورد، و اگر او این فواید و ثمرات را نمی‌خواهد تکرار هم نمی‌خواهد و نمازش درست است، و اگر منظور شما از واجب بودن تکرار نماز اینست که حتماً واجب است وگرنه معاقب خواهد شد و احکام تارک نماز بر وی مترتب می‌شود، باید گفت که این قول صحیح نیست و قول دوم (یعنی عدم وجوب تکرار نماز) راجح است. والله اعلم^۱.

همچنین شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته الله در خصوص این سوال که آیا نماز باید تکرار شود یا خیر، می‌گوید: «..ابن عباس رضی الله عنهما گفته: «لیس لك من صلاتك إلا ما عقلت منها» «برای تو چیزی جز به اندازه‌ای که در نمازت توجه داشته‌ای نیست». اما آیا (غفلت) نماز را باطل می‌کند و موجب تکرار نماز است؟ این امر بستگی دارد: اگر غفلت در نماز کم‌تر از حضور قلب باشد و بلکه حضور قلب غالب باشد، در اینحالت تکرار نماز واجب نیست، هرچند که ثواب آن ناقص خواهد شد، زیرا نصوص شرعی به تواتر رسیده است که سهو در نماز، آن را باطل نمی‌کند و بلکه بوسیله‌ی دو سجده‌ی سهو جبران می‌شود. اما اگر غفلت بر حضور قلب غلبه کند، در اینحالت علما دو قول مختلف دارند:

اول: نماز در باطن صحیح نیست هرچند که در ظاهر صحیح است، زیرا مقصود از نماز حاصل نشده است و شبیه نمازی است که با ریا خوانده شود که نماز ریاکار هم به اتفاق علما در باطن موجب برائت ذمه نیست، و این قول ابو عبدالله ابن حامد (از علمای حنبله) و ابو حامد غزالی (از شافعیه) و غیر آنها نیز است.

(و بر اساس قول) دوم: نمازگزار بریء الذمه می‌شود و تکرار نماز بر او واجب نمی‌شود، هرچند که اجر و ثوابی به او تعلق نمی‌گیرد، و این بمانند روزه‌ی کسی است که از دروغ و اعمال ناشایست پرهیز نمی‌کند بجز گرسنگی و تشنگی کشیدن (که در اینحالت روزه‌ی او باطل نیست ولی خود را از اجر آن بی‌نصیب کرده - مترجم). و این رأی مأثور از امام احمد و دیگر ائمه است و به حدیث ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه و آله که در

۱- نگاه کنید به: مدارج السالکین: ۱/ ۵۲۸-۵۳۰.

صحیحین آمده استدلال کردند که ایشان فرمودند: «إذا أذن المؤذن بالصلاة أدبر الشيطان وله ضراط، حتى لا يسمع التأذين، فإذا قضى التأذين أقبل، فإذا ثوب بالصلاة أدبر، فإذا قضى التثويب أقبل، حتى يخطر بين المرء ونفسه، يقول: أذكر كذا .. أذكر كذا، ما لم يكن يذكر، حتى يظل لا يدري كم صلى، فإذا وجد أحدكم ذلك فليسجد سجدتين»^۱.

یعنی: «هرگاه مؤذن برای نماز اذان می‌دهد، شیطان فرار می‌کند و از عقب خود، هوا خارج می‌کند تا صدای اذان را نشنود. و هرگاه اذان تمام شد، برمی‌گردد، و اگر اقامه گفته شد باز فرار می‌کند، و دوباره پس از اتمام آن، برمی‌گردد تا نمازگزاران را دچار وسوسه کند و می‌گوید: فلان مسئله و فلان مسئله و... را به خاطر بیاور، و همه‌ی آنچه را که فراموش کرده است به یادش می‌آورد و او را چنان سرگرم می‌کند که نداند چند رکعت خوانده است، پس هرگاه یکی از شما دچار چنین حالتی شد، در آخر دو سجده‌ی سهو ببرد».

پیامبر ﷺ در این حدیث خبر داده که شیطان چیزهایی را به یاد نمازگزار می‌آورد بگونه‌ای که نمی‌داند چند رکعت نماز خوانده و او را به انجام دو سجده به جهت سهوی که مرتکب شده امر کرده ولی وی را به تکرار نماز امر نمی‌کند و فرقی بین (غفلت و سهو) کم یا زیاد وجود ندارد. و این رأی میانه‌تر است، زیرا نصوص و آثار شرعی دلالت دارند بر اینکه تنها اجر و ثواب مشروط به حضور قلب هستند و دلالت بر تکرار نماز نمی‌کنند نه در باطن و نه در ظاهر والله اعلم»^۲.

اسباب کسب خشوع:

همانطور که گفته شد، خشوع یکی از اهداف مورد مطلوب در عبادات و از جمله در نماز است، و هر اندازه که خشوع بیشتر باشد، به همان نسبت هم اجر و ثواب نماز بالا

۱- بخاری و مسلم با الفاظ نزدیک به هم.

۲- مجموع فتاوی ابن تیمیه.

خواهد رفت، لذا شایسته است تا تمامی اسباب شرعی را برای حصول این امر مهم بکار بندیم. از طرفی بسیاری از نمازگزاران از نبود خشوع لازم در نماز خود شاکی هستند و دوست دارند تا راه‌های رسیدن به خشوع را بیابند، چرا که خشوع جدا از اینکه موجب ثواب بیشتر خواهد شد، نمازگزار را از اشتباهات و سهوهای زیاد باز می‌دارد و لذا نیازی هم به انجام سجده‌ی سهو و یا احیاناً تکرار نماز نخواهد بود. در اینجا به توفیق الله تعالی اسبابی را که ما را در رسیدن به این هدف مهم یاری می‌رساند ذکر خواهیم کرد.

اول - آنچه که موجب خشوع و تقویت آن خواهد شد:

۱- آماده شدن برای نماز

این امر نیز با پاسخ دادن به اذان مؤذن و دعا و ادعیه‌ی مأثور بعد از آن، و نیز با گرفتن وضویی کامل و رفتن به سوی مسجد با حالت وقار و آرامش، و خواندن نماز تحیه المسجد و انتظار برای اقامه‌ی نماز و مشغول شدن به دعا بین اذان و اقامه و راست کردن صفوف و احساس حضور بین خود و ملک الموک بوجود خواهد آمد.

مستحب است که نمازگزار وضوی کاملی بگیرد و سپس با حالتی وقار بدون آنکه تند و سریع و یا کند رود، به سوی مسجد راه بیافتد. از ابوقتاده رضی الله عنه روایت است که گفت: پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله نماز می‌خواندیم (که او) سر و صدای افرادی را شنید، وقتی نمازش را تمام کرد فرمود: «مَا شَأْنُكُمْ؟ قَالُوا اسْتَعْجَلْنَا إِلَى الصَّلَاةِ. قَالَ: فَلَا تَفْعَلُوا، إِذَا أَتَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَعَلَيْكُمْ بِالسَّكِينَةِ، فَمَا أَدْرَكْتُمْ فَصَلُّوا وَمَا فَاتَكُمْ فَأَتِمُّوا»^۱. «شما را چه شده است؟ گفتند برای رسیدن به نماز عجله کردیم فرمود: این کار را نکنید، هرگاه برای نماز می‌آیید باید به آرامی بیایید، به هر اندازه از نماز رسیدید آنرا بخوانید و هر قدر را که از دست دادید (بعد از سلام دادن امام) کامل کنید».

۱- متفق علیه: بخاری ۶۳۵، مسلم ۶۰۳.

بعد از وضو ذکر و دعا بخواند، به دلیل فرموده پیامبر ﷺ: «مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ يَتَوَضَّأُ فَيَبْلُغُ - أَوْ فَيَسْبُغُ - الْوُضُوءَ ثُمَّ يَقُولُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا فُتِحَتْ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةِ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ»^۱. «اگر هر یک از شما بطور کامل وضو بگیرد سپس بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» - گواهی می‌دهم که بجز الله معبود بر حق نیست، یکتا است و هیچ شریکی ندارد و شهادت می‌دهم که محمد بنده و فرستاده اوست - درهای هشتگانه بهشت به روی او باز می‌شود، از هر کدام که بخواهد وارد می‌شود». ترمذی این را هم اضافه کرده است: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ»^۲. «خداوندا مرا از توبه‌کنندگان و پاکان قرار بده».

و بعد از ورود به مسجد قبل از آنکه بنشینند دو رکعت نماز بخواند. از ابوقتاده روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: «إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمُ الْمَسْجِدَ فَلَا يَجْلِسُ حَتَّى يُصَلِّيَ رَكْعَتَيْنِ»^۳. «هرگاه یکی از شما وارد مسجد شد، تا دو رکعت نماز نخواند، ننشیند».

و هرگاه اذان گفته شده، عبارات مؤذن را تکرار کند، و بعد از اذان و تا رسیدن اقامه دعا کند. از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: «هرگاه یکی از شما با الله أكبر الله أكبر مؤذن بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ» و با «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» مؤذن بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، و با «أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ». مؤذن بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، و با «أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ». مؤذن بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»، و با «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ». مؤذن بگوید: «لا حول ولا قوة إلا بالله»، و با «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ». مؤذن بگوید: «لا حول ولا قوة إلا بالله»، و با «اللَّهُ أَكْبَرُ». مؤذن بگوید: «اللَّهُ

۱- مسلم: ۲۳۴.

۲- ترمذی: ۵۵.

۳- متفق علیه: بخاری: ۱۱۶۳، مسلم: ۷۱۴.

أَكْبَرُ»، و با «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ». او از ته قلب بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ». وارد بهشت می‌شود.^۱

و از عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت است: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: «إِذَا سَمِعْتُمُ الْمُؤَذِّنَ فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ ثُمَّ صَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَاةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرًا ثُمَّ سَلُوا اللَّهَ لِي الْوَسِيلَةَ فَإِنَّهَا مَنْزِلَةٌ فِي الْجَنَّةِ لَا تَنْبَغِي إِلَّا لِعَبْدٍ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ وَأَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَنَا هُوَ فَمَنْ سَأَلَ لِي الْوَسِيلَةَ حَلَّتْ لَهُ الشَّفَاعَةُ» «هرگاه (ندای) مؤذن را شنیدید، آنچه را می‌گوید تکرار کنید سپس بر من صلوات بفرستید چون هر کس بر من یک صلوات بفرستد، خداوند در برابر آن ده صلوات بر او می‌فرستد سپس از خدا برایم طلب وسیله کنید که وسیله مقامی است در بهشت که تنها به یکی از بندگان خدا داده می‌شود و امیدوارم که آن بنده من باشم، پس کسی که از خداوند برای من طلب وسیله کند^۲، شفاعت شامل حالش می‌گردد»^۳.

و از جابر رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ الدَّعَاءَ اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ الثَّامَّةُ وَالصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتُهُ، حَلَّتْ لَهُ شَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ». «هر کس پس از شنیدن اذان بگوید: «اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ الثَّامَّةُ وَالصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتُهُ» یعنی: «خداوند! ای پروردگار این دعوت کامل و نماز برپا شده، وسیله و فضیلت را به محمد عطا فرما و در روز قیامت او را به مقام محمود و ستوده‌ای که به او وعده داده‌ای مبعوث فرما» شفاعت من در روز قیامت شامل حال او می‌گردد»^۴.

از انس رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «الدُّعَاءُ لَا يُرَدُّ بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ». «دعا در بین اذان و اقامه رد نمی‌شود»^۵.

۱- مسلم: ۳۸۵.

۲- منظور مقام محمود می‌باشد که پیامبر صلی الله علیه و آله بوسیله‌ی آن شفاعت می‌کند.

۳- مسلم: ۳۸۴.

۴- بخاری: ۶۱۴.

۵- ترمذی: ۲۱۲.

سعی کند تا به تکبیره الاحرام (آغازین نماز) امام برسد، از انس روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ صَلَّى لِلَّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فِي جَمَاعَةٍ يُدْرِكُ التَّكْبِيرَةَ الْأُولَى، كُتِبَتْ لَهُ بَرَاءَتَانِ: بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ، وَبَرَاءَةٌ مِنَ التَّفَاقِ». «هرکس چهل روز نمازش را در جماعت با تکبیره الاحرام بخواند، برایش دو براءت نوشته می‌شود: براءت (نجات) از آتش جهنم و براءت از نفاق»^۱.

۲- حضور قلب و انجام نماز با حالت نشاط

زیرا خداوند متعال در ذم منافقین می‌فرماید: ﴿وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى﴾ [النساء: ۱۴۲]. «و چون منافقان به‌سوی نماز برخیزند، با کسالت بر می‌خیزند». یعنی درحالی نماز می‌خوانند که کاهل، کسل، دل‌مرده و گرانبارند، نه به ثوابی امیدوارند و نه از عذابی بیمناک، «تنبلی و سستی آنان بدان خاطر است که دلهایشان به نماز علاقه ندارد، و اگر دلهای آنان از علاقه به خدا و آنچه نزد خداست، و از ایمان تهی نبود، تنبلی و سستی به آنان روی نمی‌آورد»^۲.

لذا شایسته است که نمازگزار با حالت نشاط و طراوت در قیام بایستد، و از تنبلی و کسالت پرهیز نماید.

۳- قرار دادن دست راست بر روی دست چپ روی سینه در هنگام قیام نماز

و این حالت نشانگر ادب در هنگام قرار گرفتن در نماز و در حضور خداوند متعال است، و اینکه دست بالای سینه قرار گیرد از سنت نبوی است، چنانکه از وائل بن حجر روایت است که گفت: «صَلَّيْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ: فَوَضَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى عَلَى يَدِهِ الْيُسْرَى عَلَى

۱- ترمذی: ۲۴۱، البته این حدیث بصورت موقوف از انس بن مالک رضی الله عنه روایت شده و برخی گفته‌اند که این حدیث مرفوع است ولی امام ترمذی و دارقطنی گفته‌اند که موقوف بودن حدیث راجح است، و علامه البانی حدیث را حسن و مرفوع دانسته است. به هر حال حتی اگر بگوییم حدیث موقوف است، باز در حکم رفع است. والله اعلم

۲- تفسیر علامه عبدالرحمن سعدی.

صَدْرِهِ^۱. «با پیامبر ﷺ نماز خواندم، (دیدم) دست راستش را بر روی دست چپش، روی سینه‌اش قرار داد».

و امام ابن رجب حنبلی رحمته الله می‌گوید: از امام احمد در خصوص حکمت قرار گرفتن دست راست بر روی دست چپ سوال شد که ایشان گفتند: «این حالت نشانگر ذلت نمازگزار نزد خداوند عزیز و شکست‌ناپذیر است»^۲.

۴- تدبیر و اندیشه کردن در معانی آیات تلاوت شده و اذکار نماز

آیات قرآن برای اندیشه و تدبیر در آنها نازل شده اند، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿كَتَبْنَا أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾ [ص: ۲۹]. «کتابی مبارک است که آنرا بر تو نازل کرده‌ایم، تا در آیاتش بیندیشند و خردمندان از آن پند گیرند.» «یعنی حکمت از فرو فرستادن قرآن این است که مردم در آیه‌های آن بیندیشند و علم و دانش آن را بیرون آورند و در اسرار و حکمت‌های آن تدبیر نمایند، زیرا با تدبیر در آن و تأمل و اندیشیدن در مفاهیم آن می‌توان به برکت و خیر قرآن دست یافت. در اینجا بر تدبیر در قرآن تشویق شده، و اینکه تأمل در قرآن از بهترین اعمال است، و خواندن با تدبیر بهتر از تلاوت سریع و تند است، چرا که هدف تدبیر از آن حاصل نمی‌شود»^۳.

و تدبیر در آیات قرآن جز با دانستن معانی آنها و تفکر در آن معانی حاصل نخواهد شد، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا﴾ [الفرقان: ۷۳]. «و کسانی که چون به آیات پروردگارشان پند داده شوند همسان کران و نابینایان بر آن فرو نمی‌افتند.» «یعنی بندگان خداوند رحمان کسانی هستند که هنگامی آیات پروردگارشان که آنها را به شنیدن و گوش فرا دادن و رهنمود شدن به آن

۱- صحیح: «الإرواء» ش ۳۵۲.

۲- الذل والانكسار للعزیز الجبار: ص ۵۶.

۳- تفسیر سعدی.

فرمان داده‌است، به آنان یادآوری شود در مقابل آن روی گردانی نمی‌کنند و آنرا ناشنیده نمی‌گیرند، و دل‌ها و چشم‌های خود را از آن آیات بر نمی‌گیرند و بر نمی‌گردانند، آنگونه که افراد بی‌ایمان عمل می‌نمایند و آنرا تصدیق نمی‌کنند»^۱.

از اینجاست که اهمیت توجه به تفسیر آیات روشن می‌شود. ابن جریر طبری رحمه الله می‌گوید: «از کسی که قرآن می‌خواند و تفسیر (معنا و مفهوم) آن را نمی‌داند متعجب و شگفت‌زده می‌شوم، چگونه از قرائت آن لذت می‌برد»^۲.

و از جمله مواردی که به تدبیر زیادتر کمک می‌کند تکرار آیات است زیرا تکرار به تفکر بیشتر کمک می‌کند و پیامبر صلی الله علیه و آله این کار را می‌کرد. در روایتی آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله شبی نماز می‌خواند و تا صبح این آیه را تکرار می‌کرد: ﴿إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَإِنْ تَغْفِرَ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [المائدة: ۱۱۸].

«اگر آنها را مجازات کنی، بندگان تواند. (و قادر به فرار از مجازات تو نیستند) و اگر آنان را ببخشی، توانا و حکیمی! (نه کیفر تو نشانه بی‌حکمتی است، و نه بخشش تو نشانه ضعف!)»^۳.
و مورد دیگری که به تدبیر کمک می‌کند حفظ قرآن و اذکار متنوع در ارکان مختلف نماز است تا آنها را بخواند و تفکر کند. بدون شک چنین کاری، یعنی تدبیر، تفکر و تکرار آیات، از بزرگ‌ترین چیزهایی است که بر خشوع می‌افزاید.

۵- قرائت قرآن بصورت ترتیل، و زیبا تلاوت کردن آن

یکی از مواردی که موجب حصول خشوع است، قرائت صحیح و بدور از اشتباه است، که معمولاً با رعایت قواعد ترتیل بدست می‌آید، چنانکه الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾ [المزمل: ۴]. «و قرآن را به ترتیل و شیوایی بخوان» یعنی: آن را با

۱- تفسیر سعدی.

۲- مقدمه‌ی تفسیر طبری از محمود شاکر: ۱۰/۱.

۳- روایت ابن خزیمه: ۲۷۱/۱ و احمد: ۱۴۹/۵ و در «صفة الصلاة» ص: ۱۰۲.

تأنی همراه با تدبیر، شمرده شمرده و حرف به حرف بخوان.

ترتیل آنست که تمام حروف به‌شیوایی بیان شده و حق اشباع به آن داده شود بی‌آنکه در نطق آن تکلف و زحمتی روی دهد. «یعنی نه کُند و نه تند بلکه به صورت متوسط به طوری که هر یک از حروف جداگانه از مخارج مخصوص، ادا شود»^۱.

عائشه رضی الله عنها می‌گوید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله چون سوره‌ای از قرآن را می‌خواندند، آن را چنان به ترتیل و شمرده‌شمرده تلاوت می‌کردند که از آنچه بود هم طولانی‌تر می‌نمود»^۲. و این ترتیل و شمرده خواندن به تدبیر و اندیشه نمودن در آیات قرآن و لذا رسیدن به خشوع کمک خواهد کرد.

همچنین از جمله مواردی که به حصول خشوع کمک می‌کند، زیبا خواندن تلاوت قرآن است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «زَيِّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ فَإِنَّ الصَّوْتَ الْحَسَنَ يَزِيدُ الْقُرْآنَ حُسْنًا»^۳. «قرآن را با صدایتان زینت ببخشید، زیرا صدای خوب بر حسن قرآن می‌افزاید». و منظور از صدای نیکو این نیست که مانند آواز اهل فسق بخواند، بلکه زیبایی صوت به همراه حزن باشد چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «إِنَّ مِنْ أَحْسَنِ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ الَّذِي إِذَا سَمِعْتُمُوهُ يَقْرَأُ حَسِبْتُمُوهُ يَخْشَى اللَّهَ»^۴. «بهترین و خوش صداترین انسان‌ها در قرائت کسی است که چون به قرائتش گوش دهید احساس کنید از خدا می‌ترسد». امام نووی از قاضی عیاض نقل می‌کند که گفت: «أَجْمَعَ الْعُلَمَاءُ عَلَى اسْتِحْبَابِ تَحْسِينِ الصَّوْتِ بِالْقِرَاءَةِ وَتَرْتِيلِهَا». «علما اجماع دارند که تحسین صوت در قرائت و شیوا خواندن آن مستحب

۱- «صفة الصلاة النبوی» علامه البانی.

۲- مسلم: ۷۳۳.

۳- بخاری در تعلیق و أبوداود و دارمی و حاکم و تمام رازی با دو سند صحیح آورده‌اند، و در «صفة الصلاة» البانی.

۴- حدیثی است که ابن مبارک در الزهد: ۱/۱۶۲، از الکواکب: ۵۷۵، آورده است. همچنین دارمی و ابن نصر و طبرانی آن را آورده‌اند و ابونعیم در «أخبار اصبهان» و ضیاء در «المختارة»، و در «صفة الصلاة» البانی.

است»^۱.

۶- قرآن را آیه آیه تلاوت کند

چنین روشی برای فهمیدن و اندیشیدن در آیات بهتر است، و این نوع تلاوت در نماز، جزو سنت پیامبر ﷺ است، چنانکه ام‌سلمه ؓ قرائت ایشان را توصیف می‌کند که: ابتدا ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ می‌گفت، سپس توقف می‌کرد بعد ادامه می‌داد: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾، توقف می‌کرد، ادامه می‌داد: ﴿الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ باز توقف می‌کرد و بعد ﴿مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾، قرائت پیامبر آیه به آیه بود.^۲

اگر ابتدای آیه یا آخر آیه توقف کند بهتر است هر چند که معنی آن آیه با آیه‌ی بعدی مرتبط باشد.

۷- کامل کردن رکوع و سجده و سکون و آرامش در آنها

این امر موجب خشوع در نماز است و اخلال در آن نماز را باطل می‌کند، یعنی اگر کسی در رکوع یا سجده سکون کافی نداشته باشد، و بلافاصله و بدون آرامش کافی در آنها وارد رکن بعدی گردد، نمازش باطل خواهد شد، و برای رعایت این امر لازمست تا مفاصل نمازگزار برای مدتی در رکوع و سجود و قیام از حرکت بیافتند. «علما حداقل مدت آن را، بمدت زمانی که یک بار سبحان الله گفته شود، تخمین زده‌اند. و شایسته است که تسبیحات در سجود از سه بار کمتر نباشد، ترمذی گفته: «عمل اهل علم بر این بوده و مستحب می‌دانند که در رکوع و سجود از سه بار تسبیح کم‌تر نباشد». و جمهور بر آن می‌باشند که کم‌ترین قدری که کفایت کند، اندازه یک بار تسبیح گفتن

۱- شرح نووی بر صحیح مسلم: ج ۱۳۲۲.

۲- ابو داود: ۴۰۰۱، و علامه ألبانی در «الإرواء» آن را صحیح ذکر کرده است.

است»^۱.

پیامبر ﷺ مردی را دید که رکوعش ناقص بود و در انجام دادن سجده نیز عجله می‌کرد، گویی هم چون طیور بر زمین نوک می‌زد، فرمود: «لَوْ مَاتَ عَلَى هَذَا مَاتَ عَلَى غَيْرِ مِلَّةٍ مُحَمَّدٍ، يَنْقُرُ صَلَاتَهُ كَمَا يَنْقُرُ الْغَرَابُ الدَّمَ، إِنَّمَا مِثْلُ الَّذِي يُصَلِّي وَلَا يَرْكَعُ وَيَنْقُرُ فِي سُجُودِهِ كَالْجَائِعِ لَا يَأْكُلُ إِلَّا تَمَرَةً أَوْ تَمْرَتَيْنِ، مَاذَا يُغْنِيَانِ عَنْهُ»^۲. «اگر این مرد هم اکنون بمیرد، او بر ملت غیر امت محمد مرده است، در نمازش گویی کلاغی است که به خون نوک می‌زند، کسی که رکوعش را تمام نکند و در سجودش بماند نوک زدن کلاغ عمل کند، مانند گرسنه‌ای است که یکی دو عدد خرما می‌خورد ولی سیرش نمی‌کند». و می‌فرمود: «أَسْوَأُ النَّاسِ سَرِقَةً الَّذِي يَسْرِقُ صَلَاتَهُ. قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَكَيْفَ يَسْرِقُهَا قَالَ: لَا يُتِمُّ رُكُوعَهَا وَلَا سُجُودَهَا»^۳. «بدترین دزدها کسی است که از نمازش بدزدد. گفتند: یا رسول الله، چگونه از نمازش دزدی می‌کند؟ فرمود: رکوع و سجودش را کامل نمی‌کند». همچنین فرموده است: «لَا تُجْزِي صَلَاةَ الرَّجُلِ حَتَّى يُقِيمَ ظَهْرَهُ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ»^۴. «نماز کسی که در رکوع و سجود، پشتش را راست نکند کامل نیست».

بنابراین یکی از اسباب خشوع، طمأنینه و سکون در تمامی ارکان و واجبات نماز است، و کسی که در نمازش آرامش و طمأنینه‌ی کافی نداشته باشد نخواهد توانست که خشوع داشته باشد، زیرا سرعت انجام اعمال، خشوع را از وی خواهد گرفت.

۱- فقه السنة، سید سابق.

۲- ابویعلی در مسند: ۱/۳۴۹/۳۴۰، بیهقی، طبرانی، و ضیاء در «المنتقى...» و ابن عساکر، و در «صفة الصلاة» البانی.

۳- ابن ابی شیبہ: ۲/۸۹/۱، و طبرانی و حاکم آورده‌اند، در ضمن حاکم صحیحش دانسته و ذهبی با وی موافق است، و در «صفة الصلاة» البانی.

۴- ابوعوانه، ابوداود و سهمی: ۶۱، روایت کرده‌اند. دارقطنی هم صحیحش دانسته است، و در «صفة الصلاة» البانی.

۸- یادآوری مرگ در نماز

از انس رضی الله عنه روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اذکر الموت فی صلاتک، فإن الرجل إذا ذکر الموت فی صلاته لحرق أن یحسن صلاته، وصلّ صلاة رجل لا یظن أنه یصلی غیره»^۱. «در هنگام نماز مرگ را به یادت بیاور، زیرا کسی که در نماز مرگ را به یاد می‌آورد سعی می‌کند تا نمازش را خوب ادا کند، و مثل مردی نماز بگذار که گمان ندارد دیگر نماز بجز آن نماز بخواند».

پس کسی که گمان کند آخرین نمازش را ادا می‌کند، سعی می‌کند آن نماز را با خشوع و حضور قلب بیشتری بخواند و در جلب اجر و ثواب بیشتر برای خود ترغیب خواهد شد.

۹- بداند که خداوند متعال جواب وی را در نمازش خواهد داد

پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیث صحیحی می‌فرماید: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى قَسَمْتُ الصَّلَاةَ بَيْنِي وَبَيْنَ عَبْدِي نِصْفَيْنِ وَلِعَبْدِي مَا سَأَلَ فَإِذَا قَالَ الْعَبْدُ: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^(۱) قَالَ اللَّهُ تَعَالَى حَمْدِي عَبْدِي وَإِذَا قَالَ: ﴿الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾^(۲) قَالَ اللَّهُ تَعَالَى أَثْنَى عَلَيَّ عَبْدِي. وَإِذَا قَالَ: ﴿مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾^(۳) قَالَ حَمْدِي عَبْدِي - وَقَالَ مَرَّةً فَوَضَّ إِلَيَّ عَبْدِي - فَإِذَا قَالَ: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾^(۴) قَالَ هَذَا بَيْنِي وَبَيْنَ عَبْدِي وَلِعَبْدِي مَا سَأَلَ. فَإِذَا قَالَ ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾^(۵) صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ^(۶) قَالَ هَذَا لِعَبْدِي وَلِعَبْدِي مَا سَأَلَ»^۲.

یعنی: «خداوند صلی الله علیه و آله فرمودند: نماز را میان خود و بندهام تقسیم کرده‌ام و آنچه می‌خواهد به او عطا می‌کنم، وقتی که بنده می‌گوید: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^(۱) خداوند می‌گوید: بندهام مرا

۱- «السلسلة الصحيحة» ألبانی: ۱۴۲۱، و از سیوطی نقل کرده که حافظ ابن حجر این حدیث را حسن دانسته است.

۲- صحیح مسلم: کتاب الصلاة، باب وجوب قرائت فاتحه در هر رکعت.

ستایش کرد، و وقتی که می‌گوید: ﴿الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾ خداوند می‌گوید: بنده‌ام مرا تمجید کرد، و وقتی می‌گوید: ﴿مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ می‌گوید: مرا بزرگداشت، و وقتی می‌گوید: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ می‌گوید: این میان من و بنده‌ام است، و آنچه بخواهد به او می‌بخشم، و وقتی بگوید: ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿۷﴾ می‌گوید: این از آن بنده‌ام است، و آنچه خواست به او عطا می‌کنم».

این، حدیث مهم و پرمعنایی است که اگر هر نمازگزاری آنرا مدنظر قرار دهد به خشوع بالغی دست می‌یابد و خواهد یافت که سوره‌ی فاتحه اثر بسیار بزرگی می‌گذارد و او احساس می‌کند که خداوند وی را خطاب قرار داده و سپس خواسته‌هایش را اجابت می‌کند. پس سزاوار است که نمازگزار این مناجات را بزرگ جلوه دهد و آنچنانکه شایسته آنست آن را ارزش نهد.

۱۰- گذاشتن ستره جلوی خود به هنگام نماز

یکی از مواردی که موجب حصول خشوع در نماز است، گذاشتن ستره جلوی سجده گاه نمازگزار و خواندن نماز به سوی آن است تا مانع عبور دیگران از جلو نمازگزار شود و وی را از نگاه کردن به آن سوی ستره برحذر دارد، زیرا این امور موجب تشویش نمازگزار و کاهش اجر و ثواب وی خواهد شد.

از سهل بن ابی حثمه روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: «إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ فَلْيَصِلْ إِلَى سُرَّةٍ فَلْيَدْنُ مِنْهَا مَا لَا يَقْطَعُ الشَّيْطَانُ عَلَيْهِ صَلَاتَهُ»^۱.

«هرگاه یکی از شما خواست نماز بخواند، رو به ستره نماز بخواند و به آن نزدیک شود تا شیطان نمازش را قطع نکند».

ستره، با دیوار یا ستون یا عصایی که در زمین فرو برده شده ایجاد می‌شود و کم‌ترین

۱- مستدرک حاکم: ۲۵۱، و «صحیح الجامع» شماره ۶۵۰.

اندازه ستره شرعی به اندازه پشتی پالان شتر (تقریباً به ارتفاع یک ذراع) است. همچنین فاصله‌ی ستره تا نمازگزار سه ذراع باشد.^۱

امام نووی می‌گوید: «حکمت ستره در این است که چشم نمازگزار را از نگاه کردن به آن سوی ستره حفظ می‌کند و نمی‌گذارد کسی از جلوی او رد شود و شیطان را از تعرض به او برای ابطال نماز باز می‌دارد».^۲

۱۱- نگاه کردن به محل سجده

یکی از موارد مهم دیگر که به حصول خشوع در نماز کمک می‌کند، نگاه نکردن به این سو و آن سو و آسمان است، و بلکه نگاه کردن به محل سجده در وقت قیام است. از عایشه رضی الله عنها روایت است که گفت: «کان رسول الله ﷺ إذا صلی طأطأ رأسه ورمی ببصره نحو الأرض».^۳ «هرگاه رسول خدا ﷺ نماز می‌گزارد، سرش را پایین می‌انداخت و نگاهش را به زمین می‌دوخت».

و در هنگام نشستن برای تشهد، انگشت اشاره رو به قبله باشد و به آن نگاه کرد، چنانکه روایت شده که هرگاه پیامبر ﷺ برای تشهد می‌نشست «یشیر بأصبعه التي تلي الإبهام إلى القبلة ويرمي ببصره إليها». یعنی: «انگشت اشاره‌اش را رو به قبله می‌کرد و به آن می‌نگریست».^۴

بنابراین نگاه کردن به دوروبر و یا آسمان و یا هرجای دیگری غیر از سجده‌گاه، موجب کاهش حضور قلب و خشوع نمازگزار خواهد شد، و لذا پیامبر ﷺ از نگاه کردن

۱- هر ذراع تقریباً نیم متر است.

۲- شرح صحیح مسلم: ۲۱۶/۴.

۳- روایت حاکم و البانی در «صفة الصلاة» ص: ۸۹.

۴- ابن خزیمه: ۳۵۵/۱ شماره ۷۱۹، و گفته اسناد آن صحیح است و نگاه کنید به: «صفة الصلاة» ص: ۱۳۹.

به آسمان در نماز نهی می‌کرد.^۱

و در حدیث دیگری آمده که: «فَإِذَا صَلَّيْتُمْ فَلَا تَلْتَفِتُوا فَإِنَّ اللَّهَ يَنْصِبُ وَجْهَهُ لَوَجْهِ عَبْدِهِ فِي صَلَاتِهِ مَا لَمْ يَلْتَفِتْ»^۲. «هر وقت نماز خواندید به اطراف نگاه نکنید، زیرا به هنگام نماز خداوند رو به بنده‌اش می‌کند تا زمانی که او به اطراف نگاه نکند».

عایشه رضی الله عنها می‌گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره‌ی التفات (زیر چشمی به چپ و راست نگاه کردن) در نماز سؤال کردم؟ فرمود: «هُوَ اخْتِلَاسٌ يَخْتَلِسُهُ الشَّيْطَانُ مِنْ صَلَاةِ الْعَبْدِ»^۳. «نوعی از دزدی است که شیطان از نماز شخص نمازگزار سرقت می‌کند».

سوال: آیا بستن چشم در وقت نماز برای حصول خشوع جایز است؟

جواب: آنچه مسلم است، پیامبر صلی الله علیه و آله در نماز چشمانش را نمی‌بست، بنابراین بستن چشمها در هنگام ادای نماز برخلاف سنت نبوی است و این کار، سنت نگاه به سجده‌گاه و انگشت اشاره را از او می‌گیرد. علامه البانی رحمته الله در «صفة الصلاة» می‌گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله در نماز نگاهش را به سجده‌گاه می‌دوخت اما اینکه بعضی از نمازگزاران در نماز چشمشان را می‌بندند درست نیست و بی‌مورد است، بهترین طریق هدایت، طریق محمد صلی الله علیه و آله است».

و علامه ابن قیم رحمته الله می‌گوید: «چشم بستن در نماز جزو سنت پیامبر صلی الله علیه و آله نیست، و قبلاً ذکر شد که ایشان در تشهد به انگشت سبابه‌اش نگاه می‌کرد و چشمش را از آن برنمی‌داشت.. و بسیاری از روایات و احادیث بر این سنت پیامبر دلالت می‌کنند. اما علما در مورد کراهت آن اختلاف دارند، چنانکه امام احمد و غیر او نیز بستن چشم در نماز را مکروه دانسته و گفته‌اند که این عمل اهل یهود است، ولی بعضی دیگر آنرا مکروه

۱- بخاری و ابوداود.

۲- ترمذی و حاکم آن را روایت نموده و صحیحش دانسته‌اند. صحیح ترغیب: شماره ۳۵۳.

۳- روایت بخاری.

نداسته و بلکه جایز دانسته‌اند و گفته‌اند: گاهی این امر موجب حصول خشوعی خواهد شد که روح نماز و هدف اصلی آنست.

ولی رأی صحیح اینست که گفته شود: اگر چشم باز مانع از خشوع نشود، پس این بهتر است، اما اگر باز کردن چشم‌ها موجب می‌شود که خشوع دست نیافتنی باشد، مثلاً در جلوی چشم نمازگزار تصاویر و یا چیزهای دیگر پرزرق و برق وجود دارد که موجب تشویش قلب او می‌گردند، در اینحالت بطور قطع بستن چشم‌ها مکروه نخواهد بود، و بلکه در این حال استحباب بستن چشم به اصول و مقاصد شریعت نزدیک‌تر است تا مکروه بودن آن، و خدا بدان آگاه‌تر است.^۱

دوم: مواردی که مانع از خشوع خواهند شد:

۱- وجود اشیائی در مکان نماز که نمازگزار را به خود مشغول می‌کند

وجود اشیای رنگارنگ و پرزرق و برق و امثال آنها در مکان نمازگزار موجب خواهد شد که نگاه وی به سوی آنها منحرف شود، برای همین پیامبر ﷺ فرمود: «لَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ فِي الْبَيْتِ شَيْءٌ يَشْغُلُ الْمُصَلِّيَّ»^۲. «نباید در خانه چیزی باشد که نمازگزار را به خود مشغول سازد».

و از انس رضی الله عنه روایت است که عائشه رضی الله عنها پرده‌ای داشت که با آن قسمتی از خانه‌اش را پوشانده بود، پیامبر ﷺ خطاب به او فرمود: «أَمِيطِي عَنَّا قِرَامَكَ هَذَا، فَإِنَّهُ لَا تَزَالُ تَصَاوِيرُهُ تَعْرِضُ فِي صَلَاتِي»^۳. «این پرده‌ات را از جلوی چشم ما دور کن، زیرا تصاویرش مرا در نماز مشغول می‌کند».

۱- زاد المعاد: ج ۱، ص ۲۹۴.

۲- ابوداود و احمد با سند صحیح و در صحیح ابی‌داود: ۱۷۷۱، تخریج شده و مراد از بیت کعبه است به طوری که شأن ورود حدیث دال بر آن است. (البانی در صفة الصلاة).

۳- بخاری: ۳۷۴.

همچنین وقتی که پیامبر ﷺ وارد کعبه شد تا نماز بخواند دو شاخ قوچ در آنجا دید، بعد از فراغت از نماز به عثمان حجبی گفت: «إِنِّي نَسِيتُ أَنْ أَمُرَّكَ أَنْ تُحَمِّرَ الْقَرْنَيْنِ فَإِنَّهُ لَيْسَ يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ فِي الْبَيْتِ شَيْءٌ يَشْغَلُ الْمُصَلِّيَّ»^۱. «فراموش کردم بگویم این دو شاخ را بپوشانید، زیرا درست نیست در خانه چیزی باشد و نمازگزار را به خود مشغول کند».

همچنین نمازگزار باید از اماکنی که در آنجا رفت و آمد هست و جاهای پر سر و صدا، یا کنار کسانی که صحبت می‌کنند، یا مجلسی که بسیار شلوغ است و هر آنچه که انسان را به خود مشغول می‌کند پرهیز کند و در چنین مکانهایی نباید نماز بخواند، همچنین در جاهای بسیار گرم و بسیار سرد از ادای نماز خودداری کند. و اگر برای جماعت نمازگزار ممکن است، بهتر است که در گرمای شدید ظهر نماز نخواند و آنرا به تأخیر بیندازند، چرا که از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: «إِذَا اشْتَدَّ الْحَرُّ فَأَبْرِدُوا بِالصَّلَاةِ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحَرِّ مِنْ فَيْحِ جَهَنَّمَ»^۲. «هنگام شدت گرما، نماز را تا وقت خنک شدن هوا به تأخیر بیندازید، چون شدت گرما از حرارت جهنم است».

۲- نمازگزار نباید در لباسی که دارای نقوش رنگارنگ و یا نوشته‌ها و

تصاویری که او را از نماز غافل کند، نماز بخواند

عایشه رضی الله عنها روایت می‌کند که پیامبر ﷺ در لباسی که دارای نقش و نگار بود، نماز خواند و نظرش به نقش‌های آن افتاد، پس از اتمام نماز، فرمود: «اذْهَبُوا بِحِمِيصَتِي هَذِهِ إِلَى أَبِي جَهْمٍ، وَأُثُونِي بِأُتْبِجَانِيَّةِ أَبِي جَهْمٍ، فَإِنَّهَا أَلْهَتْنِي آفَافًا عَنْ صَلَاتِي»^۳. «این لباس را برای ابی‌جهم ببرید و لباس زبر و بی‌نقش و نگار (انبجانبیه) او را برایم بیاورید، چون لحظه‌ای پیش این نقش و نگارها، توجه مرا از نماز، بسوی خود جلب کرد».

۱- أبو داود: ۲۰۳۰، و در صحیح الجامع: ۲۵۰۴.

۲- متفق علیه، مسلم: ۶۱۵، این لفظ مسلم است، بخاری: ۵۳۳.

۳- بخاری: ۳۷۳.

۳- وقتی که غذا حاضر است نماز خوانده نشود

از عایشه رضی الله عنها روایت است: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: «لَا صَلَاةَ بِمَحْضَرَةِ الطَّعَامِ»^۱. «در حالت حاضر بودن غذا نمازی نیست».

وقتی غذا حاضر شد و جلوی او گذاشتند شروع به خوردن کند چون اگر بلند شود و نماز بخواند در حال نماز به فکر غذا هست، و یا گرسنگی وی را مشغول کرده و نمازش بی‌خشوع خواهد شد پس نباید عجله کند تا آنکه نیازش را برطرف کند، زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِذَا قُرَّبَ الْعِشَاءُ وَحَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَأَبْدُءُوا بِهِ قَبْلَ أَنْ تُصَلُّوا صَلَاةَ الْمَغْرِبِ وَلَا تَعْجَلُوا عَنْ عَشَائِكُمْ»^۲. «وقتی غذا آماده شد و وقتی نماز هم فرا رسید غذا را بخورید قبل از آنکه مغرب را بخوانید و در خوردن غذا هم عجله نکنید». و در روایت دیگری آمده است: «إِذَا وُضِعَ عِشَاءُ أَحَدِكُمْ وَأُقِيمَتِ الصَّلَاةُ فَأَبْدُءُوا بِالْعِشَاءِ وَلَا يَعْجَلَنَّ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْهُ»^۳. «وقتی غذا حاضر شد و وقت نماز هم فرا رسید غذا را بخورید و عجله نکنید تا از خوردن فارغ شوید».

۴- در حالتی که ادرار و مدفوع به نمازگزار فشار می‌آورد نماز نخواند

بدون شک یکی از مواردی که موجب عدم حصول خشوع است، تحت فشار بودن نمازگزار به ادرار و مدفوع است، و لذا پیامبر صلی الله علیه و آله نهی کرده‌اند که شخصی درحالی نماز بخواند که تحت فشار ادرار است^۴.

در چنین حالاتی ضروری است اول قضای حاجت کند گرچه نماز جماعت یا چند رکعت فوت شود، زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَذْهَبَ الْخَلَاءَ وَقَامَتِ

۱- روایت مسلم: ۵۶۰.

۲- روایت مسلم: باب گِزَاهَةِ الصَّلَاةِ بِمَحْضَرَةِ الطَّعَامِ.

۳- متفق علیه، بخاری کتاب الآذِن، باب إِذَا حَضَرَ الطَّعَامُ وَأُقِيمَتِ الصَّلَاةُ، و مسلم: ۵۵۷-۵۵۹.

۴- «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنْ يُصَلِّيَ الرَّجُلُ وَهُوَ حَاقِنٌّ» روایت ابن ماجه: ۶۱۷، و در صحیح الجامع: ۶۸۳۲.

الصَّلَاةُ فَلْيَبْدَأْ بِالْحُلَاءِ»^۱. «اگر کسی قضای حاجت داشت و نماز اقامه شد، اول قضای حاجت کند، بعد نماز بخواند». و اگر در وسط نماز به چنین حالتی دچار شد باید نماز را قطع و قضای حاجت کند و وضو بگیرد و نماز بخواند، زیرا پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «لَا صَلَاةَ بِحَضْرَةِ طَعَامٍ وَلَا هُوَ يُدَافِعُهُ الْأَخْبَانِ»^۲. «در هنگام آماده بودن غذا و تحت فشار ادرار و مدفوع، نمازی (درست) نیست».

چنین حالت‌هایی، خشوع نماز را از بین می‌برد و حبسِ باد شکم نیز همین حکم را دارد.

۵- در هنگام غلبه‌ی چرت نماز نخواند.

انس رضی الله عنه می‌گوید: پیامبر ﷺ فرمود: «إِذَا نَعَسَ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ فَلْيَنْمَ حَتَّى يَعْلَمَ مَا يَقْرَأُ»^۳. «هرگاه، یکی از شما در نماز، چرت زد، (نمازش را قطع کند) و بخوابد (و پس از آن، نماز بخواند) تا بداند که چه می‌خواند».

و از عایشه رضی الله عنها روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: «إِذَا نَعَسَ أَحَدُكُمْ وَهُوَ يُصَلِّي فَلْيَرْقُدْ، حَتَّى يَذْهَبَ عَنْهُ النَّوْمُ، فَإِنْ أَحَدَكُمْ إِذَا صَلَّى وَهُوَ نَاعِسٌ لَا يَدْرِي لَعَلَّهُ يَسْتَغْفِرُ فَيَسُبُّ نَفْسَهُ»^۴.

«هرگاه، کسی از شما در نماز، چرت زد، بخوابد تا خوابش زایل شود، زیرا چه بسا یکی از شما در حالت خواب آلودگی نماز می‌خواند، بدون اینکه بداند، بجای استغفار، خودش را نفرین کند».

و البته این حالت معمولاً در نماز شب رخ می‌دهد و ممکن است او در آن لحظه بدلیل خواب آلودگی نداند و بر خودش دعا کند. علما فرموده‌اند که حکم این حدیث

۱- روایت أبو داود: ۸۸ و در صحیح الجامع: ۲۹۹.

۲- صحیح مسلم: ۵۶۰.

۳- بخاری: ۲۱۳.

۴- بخاری: ۲۱۲.

مشمول نمازهای پنجگانه نیز می‌شود، البته بشرطیکه این اطمینان وجود داشته باشد که نمازگزار وقت نماز را از دست ندهد.^۱

۶- مشغول نشدن به هموار کردن محل سجده و حرکات زیاد در نماز

معقّب علیه السلام می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله درباره‌ی کسی که خاک‌های مکان سجده‌اش را هموار می‌کرد، فرمود: «إِنْ كُنْتَ فَأَعِلاً فَوَاحِدَةً»^۲. «اگر می‌خواهی این کار را انجام دهی، یک بار کافی است».

دلیل این نهی محافظت بر خشوع است تا در نماز حرکات زیاد انجام نشود، و اگر مکان سجده نیاز به صاف کردن داشت بهتر است قبل از نماز این کار را انجام داد. همچنین پاک کردن پیشانی و بینی نیز در هنگام برخاستن از سجده مکروه است، و پیامبر صلی الله علیه و آله گاهی بر روی گل آلود سجده کرد و اثر آن در پیشانی وی باقی می‌ماند و آن را در هر برخاستن از سجده‌ای پاک نمی‌کرد و حتی اثر آن بعد از نماز هم پیدا بوده است، زیرا غرق شدن در نماز و خشوع باعث می‌شود نمازگزار این چیزها را فراموش کند و به آنها مشغول نشود و پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «إِنَّ فِي الصَّلَاةِ شُغْلًا»^۳. «نماز انسان را از چیزهای دیگر دور می‌کند».

همچنین بازی و حرکت زیاد هنگام نماز آفتی است دیگر که تعداد بی‌شماری از نمازگزاران به آن مبتلا هستند. اهل علم گفته‌اند که حرکات زیاد و متوالی بی‌مورد نماز را باطل می‌کند، چه رسد به این که افرادی در نمازی بازی می‌کنند، و با وجود این که به بارگاه خداوند ایستاده‌اند، به ساعت خود نگاه می‌کنند، و یا لباس خود را راست می‌کنند، و یا انگشت در بینی فرو می‌برند و راست و چپ به‌سوی آسمان نگاه می‌کنند.

۱- نگاه کنید به: شرح حدیث در فتح الباری.

۲- بخاری: ۱۲۰۷.

۳- روایت بخاری، فتح الباری: ۷۲/۳.

۷- با قرائتش موجب تشویش دیگران نشود

پیامبر ﷺ فرمودند: «أَلَا إِنَّ كُلَّكُمْ مُنَاجٍ رَبَّهُ فَلَا يُؤْذِينَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَلَا يَرْفَعُ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْقِرَاءَةِ. أَوْ قَالَ: فِي الصَّلَاةِ»^۱. «هان، بدانید که همه‌ی شما در حال مناجات با پروردگارش است، پس همدیگر را نیازارید، و عده‌ای از شما در «قرائت» - یا فرمود در «نماز» صدایش را بر دیگران بلند نکند». و در روایت دیگری آمده: «لا يجهر بعضكم على بعض بالقرآن»^۲. «در هنگام تلاوت قرآن صدای خود را بر دیگران بلند نکنید».

۸- سعی کند جلوی خمیازه را بگیرد

رسول خدا ﷺ فرمودند: «إِذَا تَثَاوَبَ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ فَلْيَكْظُمْ مَا اسْتَطَاعَ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَدْخُلُ»^۳. «هرگاه یکی از شما در نماز خمیازه کشید تا می‌تواند دهانش را ببندد، زیرا شیطان وارد می‌شود».

و هرگاه شیطان داخل شد بهتر می‌تواند برای نمازگزار تشویش ایجاد کند و خشوع نماز را از بین ببرد، علاوه بر این در وقت خمیازه کشیدن به انسان می‌خندد، چنانکه پیامبر ﷺ فرمودند: «التَّثَاوُبُ مِنَ الشَّيْطَانِ، فَإِذَا تَثَاوَبَ أَحَدُكُمْ فَلْيُرْدهُ مَا اسْتَطَاعَ، فَإِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا قَالَ هَا صَحِكَ الشَّيْطَانُ»^۴. «خمیازه کشیدن از شیطان است، پس هرگاه یکی از شما خمیازه کشید، دهانش را ببندد، چون بازکردن دهان از اعمال شیطان است و اگر یکی از شما بگوید: هاه (دهانش را باز بکند) شیطان را خندانیده است».

خمیازه کشیدن غالباً در اثر سنگینی بدن و انباشتن آن (از غذا و نوشیدنی) و سستی و میل به کسالت ایجاد می‌شود، و آنچه که برای رفع خمیازه مشخص شده است، این است

۱- روایت ابو داود: ۸۳/ ۲ و در صحیح الجامع: ۷۵۲.

۲- روایت امام احمد: ۳۶/۲، و در صحیح الجامع: ۱۹۵۱.

۳- روایت مسلم: ۲۲۹۳/۴.

۴- بخاری: ۳۲۸۹.

که غذا و نوشیدن را کمتر کند.

وقتی نتوانست هنگام خمیازه دهانش را ببندد، پس با لباسش یا دستش آن را بپوشاند، چون پیامبر ﷺ فرموده است: «إِذَا تَخَاوَبَ أَحَدُكُمْ فَلْيُمْسِكْ بِيَدِهِ عَلَىٰ فِيهِ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَدْخُلُ»^۱. «وقتی یکی از شما در نماز خمیازه کشید، دستش را روی دهانش قرار بدهد، چون شیطان همراه خمیازه وارد بدن او می‌شود».

اینها مواردی بودند که امید است نمازگزار با مراعات آنها به نتیجه مطلوب که همانا خشوع و حضور قلب بیشتر در هنگام اقامه‌ی نماز است، برسد و اجر و ثواب بیشتری نصیب خود نماید و نمازش موجب کفاره‌ی گناهانش گردد. هر قدر نمازگزار سعی کند که خود را به نتیجه‌ی مطلوب نزدیک گرداند، اجر و ثواب و جایگاهش رفیع‌تر خواهد شد، هر چند نمازگزاران در این امر متفاوت هستند، کسانی هستند که برای نماز خود اهمیت زیادی قائل هستند و آنها نه تنها تکلیف شرعی خود را بنحو پسندیده‌ای انجام می‌دهند بلکه در فکر منافع دنیوی و اخروی عبادت خویش هستند، ولی متأسفانه بعضی از مسلمانان فقط در حد ادای وظیفه، نماز می‌خوانند تا رفع تکلیف کنند و خود را از جمع تارکین نماز خارج نمایند، در حقیقت این افراد به خود جفا می‌کنند.

به هر حال نمازگزاران در یک سطح مشابه نیستند چنانکه امام ابن قیم رحمته الله در کتاب «الوابل الصیب من الکلم الطیب» می‌نویسد:

«مردم در نماز خواندن به پنج گروه تقسیم می‌شوند:

اول: کسی که زیاد بر نفس خود ظلم می‌کند، و آن کسیست که از وضو و وقت نماز و حدود و ارکان آن می‌کاهد.

دوم: کسی که از وقت نماز و حدود و ارکان ظاهری و وضوی آن محافظت می‌کند، ولی وسوسه تلاش‌هایش را تباه می‌کند و انواع افکار و وسوسه به او راه می‌یابد.

سوم: کسی که از حدود و ارکان نماز محافظت می‌کند و در دفع وسوسه و افکار خارجی تلاش می‌کند، و او در مبارزه با دشمنش (شیطان) است تا مبدا از نمازش بدزدد^۱، بنابراین او در نماز و جهاد است.

چهارم: کسی که هرگاه برای ادای نماز درخواست، حقوق و ارکان و حدود آن را بطور کامل بجا می‌آورد و قلبش از مراعات حدود آن لبریز شده، تا مبدا چیزی از نمازش ضایع شود و حتی تمام تلاشش را بکار می‌بندد تا نمازش را آنگونه که شایسته است ادا کند.

پنجم: کسی که هرگاه برای ادای نماز درخواست شرایط (چهارم) را بجا می‌آورد، اما علاوه بر آن، قلبش را در برابر پروردگارش قرار داده و با قلبش به او می‌نگرد و خود را ناظر می‌داند، و قلبش لبریز از محبت و عظمت خداوند است، گویی که او را می‌بیند و مشاهده می‌کند، و براستی بین چنین نمازگزاری با غیر او در نماز، بزرگ‌تر و افضل‌تر است از آنچه که ما بین آسمان و زمین است.

حال از این پنج گروه، گروه اول معاقبه و مجازات خواهد شد، و گروه دوم حساب خواهد کشید، و سوم کفاره‌ی گناهان (صغیره‌اش) می‌شود، و گروه چهارم ثواب خواهد برد، و گروه پنجم مقرب پروردگارش خواهد بود، زیرا نماز وی سبب روشنایی چشمانش بود و با نماز به آرامش رسید، چنانکه پیامبر ﷺ به بلال می‌فرمود: «أَرْحَنَا يَا بِلَالُ بِالصَّلَاةِ»^۲. «ای بلال ما را با نماز آرامش ده». و می‌فرمود: «جُعِلَتْ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ»^۳. «نور چشمان من در نماز است».

و کسی که در دنیا نماز موجب روشنایی دل و چشم وی باشد، در قیامت به سبب نزدیکی به پروردگارش چشمانش روشن می‌شوند، همان‌طور که در دنیا موجب روشنایی

۱- یعنی وی را به وسوسه و افکار خارجی مشغول می‌کند و بدین طریق اجر و ثواب نمازش را کاسته و این نوعی از دزدی نماز است.

۲- صحیح أبو داود: ۴۱۷۲.

۳- مسند احمد: ۱۲۸/۳، و در صحیح الجامع: ۳۱۲۴.

دیدگانش بود، و چشم کسی که به خدا خوشحال، شاد و روشن شود هر دیده‌ای با دیدن او خوشحال شود، و کسی که چشمانش به خدا روشن نشود نفس خود را باید آماده سختیها و حسرات کند»^۱.

البته لازم به ذکر است که انسان هر اندازه خشوع داشته باشد و برای آن تلاش کند، باز ممکن است که گاهی در نمازش مرتکب سهو و خطا گردد، چرا که رسول خدا ﷺ و یارانش نیز گاهی در نماز خود دچار سهو می‌شدند، با وجود اینکه آنها بیشتر از هر کس دیگری در نماز خود خشوع داشتند. در این وضعیت شریعت جامع اسلام احکامی را وضع نموده تا نمازگزار بتواند بوسیله‌ی انجام آن، سهو و خطای خود را جبران کند، و آن، احکام مربوط به سجده‌ی سهو است.

آری، در این وضعیت که نمازگزار بنا به دلیلی مرتکب اشتباهی غیر عمدی در نمازش می‌گردد لازمست تا در انتهای نمازش دو سجده‌ی سهو بجای آورد که گاهی قبل از سلام است و گاهی بعد از سلام، ولی اگر عمدا خطایی را در یکی از ارکان یا واجبات نمازش انجام دهد، نماز وی باطل خواهد شد.

ان شاء الله و به یاری خداوند متعال در متن اصلی کتاب بطور مفصل و کامل به بررسی احکام مربوط به سجده‌ی سهو و حالت‌های مختلف آن پرداخته خواهد شد.
وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.

احکام سجده‌ی سهو در نماز

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على نبينا محمد الذي بلغ البلاغ المبين، وعلى آله وأصحابه والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين.

متأسفانه اکثر مردم نسبت به بسیاری از احکام سجده‌ی سهو در نماز ناآگاه هستند، بعضی از آنها در جایی که می‌بایست سجده‌ی سهو ببرند آنرا انجام نمی‌دهند و بعضی دیگر در جایی که نیاز نیست سجده می‌برند، بعضی سجده‌ی سهو را قبل از سلام انجام می‌دهند در حالیکه محل سجده بعد از سلام بوده و بلعکس، برخی بعد از سلام سجده می‌برند در حالیکه محل آن قبل از سلام است. بنابراین شناخت احکام سجده‌ی سهو بسیار مهم است للخصوص برای امامانی که مردم به آنها اقتدا کرده و در اتباع مشروع در نمازهای خود از آنها تقلید می‌کنند، پس دوست دارم تا برخی از احکام این باب را به برادرانم تقدیم کنم و از الله تعالی خواستارم تا آن را مایه‌ی سودمندی بندگان مؤمن خود قرار دهد. و با استعانت از الله تعالی آغاز می‌کنم و از او توفیق و صواب خواستارم.

سجده‌ی سهو:

عبارتست از دو سجده که نمازگزار جهت جبران خللی که در نمازش وارد شده و بدلیل سهو رخ داده شده در نماز، آنرا بجای می‌آورد. و اسباب آن سه مورد هستند: زیاده، نقص و شک.

زیاده:

هرگاه نمازگزار در نماز خویش رکعت یا رکوع یا سجده‌ای را عمداً اضافه کند، نمازش باطل است. اما اگر عمدی نباشد و بلکه از روی فراموش بود و تا پس از فارغ شدن از آن به انجام عمل اضافی آگاه نشد، در آنصورت کافیهست تا (بعد از سلام) دو

سجده‌ی سهو بجای آورده و نمازش صحیح خواهد بود، اما اگر در اثنای انجام عمل متوجه شد که آن را اضافی انجام می‌دهد بایستی از انجام آن عمل انصراف داده و به آن ادامه ندهد و در پایان نماز (بعد از سلام) دو سجده‌ی سهو ببرد و نمازش صحیح است. مثلاً شخصی را در نظر بگیرید که نماز ظهر را پنج رکعت می‌خواند و او به این رکعت اضافی آگاه نیست تا اینکه در تشهد آخر متوجه می‌شود، در آنصورت باید تشهد خود را کامل گرداند و سلام دهد و سپس دو سجده‌ی سهو بجای آورد و باز سلام دهد، اما اگر تا بعد از سلام دادن و خارج شدن از نماز متوجه رکعت اضافی نشد، باز هم کافیست تا دو سجده سهو برده و بعد سلام دهد. ولی چنانچه در حین انجام رکعت پنجم متوجه این رکعت اضافی شد، باید همان لحظه که بیادش آمد بنشیند و تشهد بخواند و سلام دهد و سپس به دلیل این سهوی که انجام داده دو سجده انجام داده و دوباره سلام دهد.

دلیل آن حدیث عبدالله ابن مسعود رضی الله عنه است که گفت: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ صَلَّى الظُّهْرَ حَمْسًا فَقِيلَ لَهُ أَزِيدَ فِي الصَّلَاةِ فَقَالَ: وَمَا ذَاكَ. قَالَ صَلَّيْتُ حَمْسًا. فَسَجَدَ سَجْدَتَيْنِ بَعْدَ مَا سَلَّمَ».

«پیامبر صلی الله علیه و آله نماز ظهر را پنج رکعت خواند سپس به ایشان گفتند: آیا به نماز اضافه شده؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مگر چه اتفاقی روی داد؟ گفتند: شما پنج رکعت نماز خواندید، پیامبر صلی الله علیه و آله نیز (هنگامی که متوجه سهو در نماز خود گشت با وجود اینکه قبلاً سلام داده بودند) دو سجده بجای آوردند و باز سلام دادند. و در روایتی دیگر آمده که ایشان رو به قبله کردند بعد دو سجده بردند بعد سلام دادند». (جماعت محدثین آن را روایت کرده‌اند).^۱

سلام دادن قبل از اتمام نماز :

سلام دادن قبل از پایان نماز جزو زیاده در نماز می‌باشد^۲، هرگاه نمازگزار قبل از آنکه

۱- متفق علیه، بخاری: ۱۲۲۶، مسلم: ۵۷۲، ابوداود: ۱۰۰۶، ترمذی: ۳۹۰، ابن ماجه: ۱۲۰۵، نسائی: ۱/۳۱.

۲- وجه دلالت آن بر زیاده اینست که نمازگزار سلامی را در اثناء نمازش اضافه نموده است. (مولف)

نمازش بپایان برسد عمداً سلام دهد نماز او باطل می‌شود. و اگر از روی فراموشی بود، چنانچه تا بعد از مدت طولانی بدان آگاه نگشت، باید از نو نمازش را تکرار کند، اما اگر بعد از مدت زمان کمی متوجه اشتباه خویش شد مثلاً دو یا سه دقیقه بعد، باید بازگردد و نمازش را کامل نماید (بقیه نماز خود را بخواند) و سلام دهد بعد دو سجده‌ی سهو ببرد و سلام دهد.

دلیل آن حدیث ابوهریره رضی الله عنه است که گفت:

«أن النبي ﷺ صلى بهم الظهر أو العصر فسلم من ركعتين فخرج السرعان من أبواب المسجد يقولون: قصرت الصلاة، وقام النبي ﷺ إلى خشبة المسجد فاتكأ عليها كأنه غضبان، فقام رجل فقال يا رسول الله: أنسيت أم قصرت الصلاة؟ فقال النبي ﷺ: لم أنس ولم تقصر، فقال رجل: بلى قد نسيت، فقال النبي ﷺ للصحابة: «أحق ما يقول؟» قالوا: نعم، فتقدم النبي ﷺ فصلى ما بقي من صلاته ثم سلم ثم سجد سجدتين ثم سلم». [متفق عليه].

یعنی: «پیامبر ﷺ نماز ظهر یا عصر را با ما خواند سپس بعد از دو رکعت سلام دادند، بعد با سرعت از در مسجد خارج شد، صحابه رضی الله عنهم گفتند: نماز کوتاه شده!؟ پیامبر ﷺ (بیرون از مسجد) به کنده‌ی مسجد تکیه زد گویی که خشمگین است، مردی برخاست و گفت ای رسول خدا! آیا فراموش کردی یا نماز کوتاه شده؟ پیامبر ﷺ فرمودند: نه فراموش کردم و نه نماز کوتاه شده، آن مرد گفت: آری! پس فراموش کرده اید، پیامبر ﷺ به اصحابش فرمود: آیا آنچه که می‌گوید درست است؟ جواب دادند: آری، پیامبر ﷺ نیز بازگشتند و مابقی نمازش را خواند بعد سلام داد سپس دو سجده بردند و بعد سلام دادند»^۱.

و هرگاه امام قبل از پایان نمازش سلام داد، و در همان حال برخی از مأمومین که دیر به جماعت رسیده بودند و قسمتی از نمازشان باقی مانده، (و با سلام امام) بلند می‌شوند تا بقیه نماز خود را بخوانند، بعد که امام متوجه می‌شود مرتکب سهوی در نمازش شده

۱- از این حدیث برمی‌آید که باید بقیه نماز را از همانجا که ترک شده است از سر گرفت، خواه از دو رکعت سلام داده باشد یا از دو رکعت بیشتر و یا کم‌تر. (فقه السنة سید سابق).

لذا بلند می‌شود تا نماز خود را کامل کند^۱، حال آن دسته از مأمومین که دیر به جماعت رسیده بودند و برای ادامه‌ی نماز خود بلند شده بودند، مختار هستند که یا تنهایی نماز باقی مانده‌ی خود را ادامه دهند که البته بایستی بعد از سلام سجده‌ی سهو ببرند، و یا آنکه دوباره به امام اقتدا کنند و با او بقیه نماز خود را ادامه دهند و هرگاه امام سلام داد بلند شوند و مابقی نماز خود را بخوانند و بعد از سلام دادن دو سجده ببرند و سلام دهند که این حالت (یعنی اقتدا به امام) برای آنها بهتر است.

نقص:

۱- نقص در ارکان نماز :

هرگاه نمازگزار رکنی از نمازش را ترک کرد، اگر آن رکن ترک شده تکبیره الاحرام^۲ باشد، نمازش باطل است حال چه از روی عمد باشد یا سهواً روی داده باشد، زیرا نماز وی با ترک تکبیره الاحرام منعقد نمی‌شود.

اما اگر رکن ترک شده غیر از تکبیره الاحرام بود، حال چنانکه ترک آن عمدی بوده باشد نمازش باطل است. اما اگر ترک آن سهوی باشد در اینصورت، اگر این نقص را بیاد نیاورد تا آنکه به مکان همان رکن ترک شده در رکعت بعدی رسید، باید آن رکعتی که رکن در آن ترک شده بود را حساب نکند بلکه رکعت اخیر را بعنوان جایگزین رکعت ناقص محسوب نماید. ولی اگر هنوز به مکان رکن ترک شده در رکعت بعدی نرسیده بود و بیاد آورد که رکنی را ترک کرده، در اینصورت بر او واجب است که (بلافاصله) به مکان رکن ترک شده بازگردد و آن رکن را بجای آورد و بعد (از همانجا) به نماز خود ادامه دهد. و در هر دو حالت فوق باید (واجب است) به سبب سهوی که در نمازش

۱- البته دیگر مأمومین نیز که در ابتدای نماز با امام بودند باید با امام برخیزند و نماز خود را کامل نمایند.

۲- الله اکبر آغازین نماز.

مرتکب شده بعد از سلام نماز سجده‌ی سهو ببرد.

مثلاً فرض کنید شخصی در رکعت اول است و سجده‌ی دوم را فراموش می‌کند، بعد در رکعت دوم هنگامی که در بین دو سجده نشسته بیاد می‌آورد که در رکعت اول یک سجده برده است،^۱ حال او باید رکعت اول خود را حساب نکند بلکه رکعت دوم را بجای آن محسوب نماید، عبارتی رکعت دوم را بعنوان رکعت اول نمازش حساب کند (زیرا رکعت اول به سبب ترک سجده‌ی دوم باطل است) بعد به نماز خود ادامه می‌دهد و سپس سلام داده بعد دو سجده (سهو) می‌برد و باز سلام می‌دهد.

مثالی دیگر: فرض کنید شخصی در رکعت اول، نشستن بین دو سجده و نیز سجده‌ی دوم را فراموش می‌کند (یعنی فقط یک سجده می‌برد و بعد برای رکعت بعدی بلند می‌شود)، سپس در رکعت دوم در هنگام رکوع آنرا بیاد می‌آورد،^۲ در این حالت بایستی به مکان رکن ترک شده بازگردد یعنی بنشیند و یک سجده ببرد^۳ بعد از همانجا به نماز خود ادامه دهد تا اینکه به انتها رسیده و سلام می‌دهد بعد به سبب سهوی که مرتکب شده دو سجده (سهو) می‌برد و باز سلام می‌دهد.

۲- نقص در واجبات نماز :

هرگاه نمازگزار یکی از واجبات نماز را عمداً انجام ندهد نمازش باطل می‌شود.^۴ اما اگر عمدی نبوده بلکه از روی فراموشی بود، و قبل از آنکه محل آن واجب را در

۱- در این حالت به مکان رکن ترک شده (یعنی سجده‌ی دوم) در رکعت بعدی رسیده و بیاد آورده.

۲- در این حالت هنوز به مکان رکن ترک شده (یعنی سجده‌ی دوم) در رکعت بعدی نرسیده بلکه جلوتر و در رکوع بیاد آورده.

۳- برای جبران این نقص، باید ابتدا بنشیند چون در رکعت قبلی جلوس بین دو سجده را ترک گفته بود، و انجام یک سجده هم، برای ترک سجده‌ی دوم رکعت اول است، در ضمن آن مقدار اضافی که در رکعت دوم انجام داده را حساب نمی‌کند، بلکه باید از همانجایی که نقص نماز خود را برطرف نمود بعنوان رکعت حساب نماید.

۴- در انتهای این کتاب در مورد شناخت ارکان و واجبات و سنت‌های نماز توضیح خواهیم کرد.

نمازش ترک کند (بلافاصله) بیاد آورد، باید آن عمل واجب را انجام دهد و در این حالت، دیگر چیزی بر وی نیست و نیازی به انجام سجده‌ی سهو در پایان نمازش ندارد، ولی چنانچه بعد از ترک محل واجب و قبل از رسیدن به رکن مابعد آن بیادش آمد، بایستی بازگردد و واجب را انجام دهد، ولی بعد از آنکه نمازش را کامل کرد و سلام داد باید دو سجده بابت این سهو انجام داده و سلام دهد.^۱

و اگر پس از رسیدن به رکن بعد از آن (عمل واجب) بیادش آمد، دیگر لازم نیست که به محل عمل واجبی که ترک کرده بازگردد، بلکه نمازش را ادامه دهد و در عوض قبل از آنکه سلام دهد دو سجده‌ی دیگر بعنوان سجده‌ی سهو ببرد و بعد سلام دهد.^۲

مثلاً شخصی را در نظر بگیرید که در رکعت دوم است و از سجده‌ی دوم برمی‌خیزد ولی فراموش می‌کند که تشهد بخواند و به رکعت سوم می‌رود، حال در هنگامی که قصد برخاستن داشت (و هنوز بلند نشده) بیاد می‌آورد، در اینصورت او باید زود حالت نشسته به خود بگیرد و تشهد خود را بخواند و بعد به نمازش ادامه دهد، اما لازم نیست که در پایان نمازش سجده‌ی سهو ببرد. اما چنانچه بعد از اینکه (کمی) برخاست ولی هنوز کاملاً کمر خود را راست نکرده بود و به اصطلاح حالت ایستاده‌ی کامل به خود نگرفته بود، باید بازگردد و بنشیند و تشهد خود را بخواند و سپس نمازش را ادامه دهد و بعد از آنکه سلام داد دو سجده دیگر بابت سهوی که مرتکب شده انجام دهد و بعد سلام دهد.

و چنانچه بعد از آنکه برخاست و به حالت ایستاده درآمد، بیادش آمد دیگر لازم نیست بنشیند و تشهد بخواند، بلکه تشهد از او ساقط می‌شود، در عوض قبل از سلام

۱- بعداً در بخش سوم این کتاب اشاره خواهد شد که بعضی از علما انجام سجده‌ی سهو را در این حالت نیز لازم نمی‌دانند.

۲- عبارتی ترک واجبات در نماز اگر سهواً روی دهد، با سجده‌ی سهو که قبل از سلام نماز صورت می‌گیرد جبران می‌شود.

دادن باید دو سجده‌ی سهو برده بعد سلام دهد.

دلیل آن روایتی است که امام بخاری و غیر او نیز از عبد الله بن بحینه رضی الله عنه آورده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله نماز ظهر را با آنها خواند و در دو رکعت اول درخواست بدون اینکه تشهد بخواند، صحابه نیز با وی برخاستند تا اینکه به آخر نماز رسیدند و آنها منتظر شدند تا پیامبر صلی الله علیه و آله سلام دهد، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله الله اکبر گفت و قبل از اینکه سلام دهند دو سجده بردند و بعد سلام دادند.^۱

۳- نقص در سنت‌های نماز:

اگر نمازگزار یکی از سنت‌های قولی یا فعلی نماز را که معمولاً در نماز خویش انجام می‌داد، عمدتاً یا سهواً ترک کرد، نمازش باطل نمی‌شود، ولی علما فرموده‌اند که انجام سجده‌ی سهو بدلیل ترک عمل سنت، مستحب است اما واجب نیست. بنابراین اگر سجده‌ی سهو نیز برده نشود هیچ خللی به نماز وارد نمی‌شود [مترجم].

شک:

شک به معنای تردید بین دو امر است که کدامیک روی داده‌است. در عبادات در سه حالت توجه و اعتنایی به شک نمی‌شود:
اول: چنانچه شک فقط در حد وهم باشد و حقیقت نداشته باشد مانند وسواس.
دوم: هرگاه بیشتر اوقات، شخص در شک بسر می‌برد بگونه‌ای که هیچ عبادتی را انجام نمی‌دهد مگر اینکه در آن شک می‌کند.
سوم: هرگاه شک بعد از فارغ شدن از عبادات حاصل شود که در این حالت به آن اعتنایی نمی‌شود، البته به شرطیکه بر آن شک یقین وجود نداشت، چه که در آنصورت به مقتضای یقین عمل می‌شود.

۱- بخاری: ۱۲۲۴، مسلم: ۵۷۰، نسائی: ۳/۱۹، ابوداود: ۱۰۲۱، ترمذی: ۳۸۹، ابن ماجه: ۱۲۰۶.

۲- مانند بالا بردن دستها هنگام گفتن تکبیرة الاحرام آغازین نماز، یا قرائت سوره‌ی بعد از فاتحه.

مثلاً شخصی نماز ظهر می‌خواند و بعد از آنکه از آن فارغ گشت در شک می‌افتد که آیا سه رکعت خوانده یا چهار رکعت؟!، در این حالت اعتنایی به این شک نمی‌شود مگر اینکه مطمئن باشد که سه رکعت نماز خوانده، در اینصورت چنانچه زمان زیادی از پایان نماز نگذشته بود باید بازگردد و نمازش را کامل گرداند (یک رکعت باقی مانده را بخواند) بعد سلام دهد و سپس به سبب این سهو دو سجده ببرد و بعد سلام دهد، اما چنانچه تا بعد از مدت زمان طولانی بیادش نیامد در این حالت بایستی نمازش را از نو تکرار کند.

اما شک در غیر سه حالت فوق‌الذکر معتبر است.

و شک در نماز خارج از دو حالت نیست:

حالت اول: شخص نمازگزار بین دو امری که در آن دچار تردید شده است یکی را ترجیح می‌دهد، در اینصورت به مقتضای امری که ترجیح داده عمل می‌کند و نمازش را بر اساس آن کامل نموده و سلام می‌دهد، بعد (به سبب این شک) دو سجده می‌برد و سلام می‌دهد.^۱

مثلاً شخصی نماز ظهر می‌خواند و بعد در شک می‌افتد که آیا در رکعت دوم است یا سوم؟ اما راجح نزد وی اینست که در رکعت سوم قرار دارد، بنابراین او آن رکعت را بعنوان رکعت سوم خود در نظر می‌گیرد و بعد از آن رکعت دیگری خوانده و سلام می‌دهد بعد به سبب شکی که بر او وارد شده دو سجده می‌برد و باز سلام می‌دهد.

دلیل آن حدیثی است که در صحیحین و غیر آن دو کتاب از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه ثابت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «إِذَا شَكَّ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاتِهِ فَلْيَتَحَرَّ الَّذِي يَرَى أَنَّهُ الصَّوَابُ فَيُتِمَّهُ ثُمَّ - يَعْنِي - يَسْجُدُ سَجْدَتَيْنِ» لفظ متعلق به بخاری است.

۱- پس اگر نمازگزار توانست یکی از دو امر مورد تردید را ترجیح دهد، باید بعد از سلام دو سجده‌ی سهو بجای آورد.

یعنی: «هرگاه یکی از شما در نماز خویش در شک افتاد (و ندانست چند رکعت خوانده است)، سعی کند که صحیح‌ترین آن را بیاد آورد و نمازش را بر اساس آن کامل کرده، بعد سلام گوید سپس دو سجده‌ی سهو، بجای آورد»^۱.

حالت دوم: نمازگزار نمی‌تواند یکی از دو امر مورد تردید را ترجیح دهد و لذا به یقین عمل می‌کند و یقین در اینجا در نظر گرفتن کم‌ترین است و بر اساس آن نماز خویش را به اتمام می‌رساند و قبل از آنکه سلام دهد دو سجده‌ی سهو بجای آورده و بعد سلام می‌دهد.^۲

مثلاً شخصی نماز عصر می‌خواند و بعد در رکعتی به شک می‌افتد که آیا رکعت دوم است یا سوم؟، و نمی‌تواند یکی را ترجیح دهد! در این حالت او (باید) به یقین عمل کند، یعنی آن رکعت را بعنوان رکعت دوم خود محسوب می‌نماید و لذا تشهد اول را در آن رکعت می‌خواند و بعد از آن، دو رکعت دیگر خوانده و قبل از آنکه سلام دهد به سجده‌ی سهو رفته بعد سلام می‌دهد.

دلیل آن حدیثی است که مسلم از ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «إِذَا شَكَّ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاتِهِ فَلَمْ يَدْرِ كَمْ صَلَّى ثَلَاثًا أَمْ أَرْبَعًا فَلْيُطْرَحِ الشَّكَّ وَلْيَبْنِ عَلَى مَا اسْتَيْقَنَ ثُمَّ يَسْجُدْ سَجْدَتَيْنِ قَبْلَ أَنْ يُسَلَّمَ فَإِنْ كَانَ صَلَّى خَمْسًا شَفَعَنَ لَهُ صَلَاتُهُ وَإِنْ كَانَ صَلَّى إِثْمًا لَا رَيْبَ كَانَتْ تَرْغِيمًا لِلشَّيْطَانِ»^۳.

یعنی: «هرگاه یکی از شما در نمازش دچار شک شد و ندانست چند رکعت خوانده، آیا سه رکعت یا چهار رکعت خوانده است؟ باید شک را از خود دور کند و بنای کار را بر یقین بگذارد، واز آنجا بقیه نمازش را بخواند سپس قبل از آنکه سلام بدهد دو سجده ببرد،

۱- بخاری: ۴۰۱.

۲- پس در حالتی که نمازگزار نتواند یکی از دو امر مورد تردید را ترجیح دهد، باید قبل از سلام سجده‌ی سهو بجای آورد.

۳- مسلم: ۵۷۱، ابوداود: ۱۰۱۱.

۴- نمازگزار در رکعت سوم یقین دارد، اما انجام رکعت چهارم است که مورد شک اقرار گرفته، پس چون

حال اگر پنج رکعت خوانده باشد با انجام این دو سجده نمازش زوج می‌شود و اگر نمازش را چهار رکعت تمام خوانده باشد این دو سجده باعث خواری شیطان است».

و از جمله مثال‌های دیگر شک در نماز:

هرگاه شخص در حالی به جماعت پیوست که امام در رکوع بود، او در حالت ایستاده تکبیره الاحرام گفته سپس به رکوع می‌رود، در این هنگام سه حالت پیش می‌آید:

اول: او یقین پیدا می‌کند که قبل از آنکه امام از رکوع بلند شود به رکوع وی رسیده، پس در این حالت (آن) رکعت برایش محسوب شده و قرائت فاتحه از وی ساقط می‌شود^۱.

دوم: یقین می‌یابد که قبل از آنکه در رکوع به امام برسد وی (یعنی امام) از رکوع بلند شده و موفق نمی‌شود تا در رکوع به امام ملحق شود، در این حالت آن رکعت برای او محسوب نمی‌شود.

سوم: در شک می‌افتد که آیا امام را در رکوع دریافت - تا بعنوان رکعتی حساب شود - یا موفق نشده که او را در رکوع دریابد، حال چنانچه شخص یکی از این دو امر را راجح و صحیح پنداشت در اینصورت به مقتضای آن عمل می‌کند و نمازش را بر اساس آن تمام کرده و بعد از سلام (اگر مسبوق بود) دو سجده‌ی سهو می‌برد و سلام دهد، مگر اینکه مسبوق نبوده - یعنی تمامی رکعات نماز همراه امام بوده - که در آنصورت لازم به

نمی‌تواند مشخص کند که بالاخره رکعت سوم است یا چهارم؟ بنا را بر یقین می‌گذارد؛ یعنی فرض می‌کند که سه رکعت خوانده است و یک رکعت دیگر می‌خواند، بدین ترتیب شک را از خود دور می‌کند.

۱- از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «إِذَا جِئْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ وَنَحْنُ سُجُودٌ فَاسْجُدُوا وَلَا تَعْدُوهَا شَيْئًا وَمَنْ أَدْرَكَ الرُّكْعَةَ فَقَدْ أَدْرَكَ الصَّلَاةَ». یعنی: «هرگاه برای نماز آمدید و ما در حال سجده بودیم شما هم به سجده بروید ولی آن را (رکعتی) به حساب نیاورید، و کسی که رکوع را دریابد، (آن) رکعت را دریافت است و برایش محسوب می‌شود». [صحیح ابن ماجه: ۴۶۸، ابوداود: ۸۷۵].

سجده‌ی سهو نیست.^۱

و اگر نتوانست یکی از آن دو امر مورد تردید را ترجیح دهد، باید به یقین عمل کند (و یقین در اینجا آنست که او رکعت را دریافته و چنین حساب می‌کند که موفق نشده در رکوع به امام برسد) پس نماز خود را بر اساس آن تمام کرده، اما قبل از اینکه سلام دهد باید دو سجده‌ی سهو بجای آورد بعد سلام دهد.^۲

نکته: اگر شخص در نماز خود دچار شک شد در آنصورت طبق آنچه که بیان شد یا به یقین عمل کرده یا به امری که نزد او راجح بوده عمل می‌کند، بعد (قبل از پایان نمازش) بر او مشخص می‌شود که آنچه انجام داده صحیح بوده و زیاده یا نقصی در نمازش رخ نداده، (در اینحالت) بر اساس رأی مشهور مذهب امام احمد سجده‌ی سهو از او ساقط می‌گردد، زیرا سبب سجده‌ی سهو که همان شک است از او برطرف گشته، و البته برخی گفته‌اند که سجده‌ی سهو از او ساقط نمی‌شود تا مایه‌ی خواری شیطان شود، به دلیل این فرموده‌ی پیامبر ﷺ که فرمود: «وَإِنْ كَانَ صَلَّى إِتْمَامًا لِأَرْبَعٍ كَانَتْ تَرْغِيمًا لِلشَّيْطَانِ»^۳. یعنی: «و اگر نمازش را تمام خوانده باشد این دو سجده باعث خواری شیطان است».

و نیز بدلیل اینکه در بخشی از نمازش دچار تردید شده و لذا این رأی راجح است. مثلاً شخصی نماز می‌خواند و سپس در رکعتی به شک می‌افتد که آیا رکعت دوم است یا سوم؟ و نمی‌تواند یکی از این دو امر را ترجیح دهد لذا بنا را بر یقین می‌گذارد و آن رکعت را رکعت دوم در نظر می‌گیرد و نماز خود را بر اساس آن ادامه داده سپس برایش

۱- زیرا امام سهو نماز مأموم را جبران می‌کند، ولی اگر ماموم مسبوق باشد چنین نخواهد بود.

۲- بنابراین متوجه خواهیم شد که؛ اگر نمازگزار یکی از دو امر مورد شک را ترجیح داد، بعد از سلام سجده‌ی سهو می‌برد. ولی اگر نتوانست هیچکدام را ترجیح دهد و بنا را بر یقین گذاشت، باید قبل از سلام سجده‌ی سهو ببرد.

۳- مسلم: ۵۷۱، ابوداود: ۱۰۱۱.

مشخص می‌شود که آن رکعتی که در آن دچار تردید شده بود در حقیقت رکعت دوم بوده حال در این حالت بر طبق مذهب مشهور امام احمد نیازی نیست تا سجده‌ی سهو بجای آورد اما بر اساس قول دوم که ما آنرا راجح می‌دانیم باید قبل از سلام دو سجده‌ی سهو برده و بعد سلام دهد.

سجده‌ی سهو برای حالت‌های مختلف مأموم:

هرگاه امام دچار سهوی در نماز خود شد بر مأموم واجب است که در سجده‌ی سهو از امام پیروی نماید، به دلیل این فرموده‌ی پیامبر ﷺ: «إِنَّمَا جُعِلَ الْإِمَامُ لِيُؤْتَمَّ بِهِ. فَلَا تَخْتَلِفُوا عَلَيْهِ. فَإِذَا كَبَّرَ فَكَبِّرُوا، وَإِذَا رَكَعَ فَارْكَعُوا... إِلَى أَنْ قَالَ: وَإِذَا سَجَدَ فَاسْجُدُوا». یعنی: «همانا امام برای این قرار داده شده، که به او اقتدا شود، پس از وی تخلف نکنید و هرگاه تکبیر گفت، تکبیر بگویید... تا جائیکه فرمود: و هر وقت به سجده رفت شما نیز به سجده بروید». متفق علیه از حدیث ابوهریره رضی الله عنه.

و فرقی نیست که امام قبل از سلام سجده سهو بجای آورد یا بعد از آن، و در هر دو حالت بر مأموم واجب است که از امام پیروی و متابعت کند، مگر اینکه مأموم مسبوق باشد و مسبوق کسیست که دیر به جماعت رسیده و با پایان نماز جماعت، هنوز قسمتی از نمازش باقی می‌ماند، در این حالت او نباید در سجده‌ی سهوی که -بعد از سلام- صورت می‌گیرد از امام متابعت نماید، یعنی شخص مسبوق نمی‌تواند با امام سلام دهد بلکه با سلام امام باید برخیزد و به نماز خویش ادامه دهد، اما بعد از آنکه نمازش را تمام کرد و سلام داد او نیز باید دو سجده‌ی سهو بجای آورد و سلام دهد. بر این اساس مسبوق بلند شده و آن قسمت از نمازش را که نخوانده ادامه می‌دهد بعد سلام داده و سپس دو سجده‌ی سهو می‌برد و باز سلام می‌دهد.

مثلا شخصی هنگامی به جماعت می‌پیوندد که امام در رکعت آخر است، بعد امام در نماز خود مرتکب سهوی می‌شود و بر او واجب می‌شود تا بعد از سلام سجده‌ی سهو

بجای آورد، حال بعد از آنکه امام تشهد خواند و سلام داد مأوموم (که دیر به جماعت رسیده) بایستی بلند شود و نماز خود را ادامه دهد و نباید با امام به سجده‌ی سهو برود، اما هرگاه نماز خود را بپایان رسانید و سلام داد او نیز دو سجده ببرد و سلام دهد. اما اگر مأوموم^۱ خود به تنهایی در نمازش دچار سهوی شد ولی امام نمازش کامل و بدون نقص یا زیاده بود، در این حالت مأوموم لازم نیست (چه قبل از سلام و چه بعد از آن) سجده‌ی سهو ببرد، زیرا سجده‌ی وی در این حالت باعث تخلف او از امام و عدم متابعت از وی خواهد شد، همچنین هنگامی که پیامبر ﷺ در نماز خویش فراموش کرد تا تشهد اول را بخواند، صحابه^۲ نیز تشهد را نخواندند یعنی خود به تنهایی نشستند تا تشهد بخوانند بلکه با ایشان بلند شدند تا مراعات متابعت را کرده باشند و از او تخلف نکرده باشند. اما اگر مأوموم با پایان جماعت هنوز قسمتی از نمازش باقی مانده بود^۳ و او همراه امام یا بعد از اتمام جماعت خود دچار سهوی شد، (در این دو حالت) سجده‌ی سهو از او ساقط نمی‌شود و باید پس از اتمام نماز بنا به نوع سهوی که مرتکب شده قبل یا بعد از سلام سجده‌ی سهو بجای آورد.

مثلاً مأوموم فراموش می‌کند که در رکوع ذکر «سبحان ربی العظیم» را بگوید و با امام نمازش بپایان می‌رسد و به اصطلاح مسبوق نبوده، در این شرایط لازم نیست که سجده‌ی سهو بجای آورد^۴. اما چنانچه با پایان نماز هنوز یک یا دو رکعت برایش باقی مانده (مسبوق) باید پس از اینکه آن رکعت‌ها را خواند قبل از آنکه سلام دهد دو سجده‌ی سهو بجای آورد^۵.

۱- توجه کنید که مسبوق نیست.

۲- یعنی مسبوق باشد.

۳- زیرا همانطور که قبلاً اشاره شد، امام سهو او را متحمل شده و جبران می‌کند.

۴- زیرا گفتن این ذکر جزو واجبات نماز است و قبلاً خواندیم که با ترک یکی از واجبات نماز، نمازگزار باید قبل از سلام سجده‌ی سهو برد. (مگر آنکه در نماز جماعت باشد و از ابتدا همراه امام بوده باشد، که در اینحالت نیازی به انجام سجده‌ی سهو نیست، زیرا امام خطای وی را جبران می‌کند).

مثالی دیگر: فرض کنید که مأوم همراه امام نماز ظهر می‌خواند، هنگامی که امام در رکعت سوم است و می‌خواهد برای رکعت چهارم بلند شود، مأوم برای تشهد می‌نشیند زیرا گمان می‌کند که در رکعت آخر است، اما هنگامی که متوجه می‌شود امام درخواست او نیز بلند می‌شود، حال در چنین وضعیتی مأوم دو حالت متفاوت خواهد داشت: اگر با پایان نماز امام، مأوم هیچ قسمتی از نمازش باقی نمانده بود، بعد از اتمام نماز لازم نیست تا سجده‌ی سهو بجای آورد.

اما چنانچه هنوز قسمتی از نمازش باقی مانده -یک یا چند رکعت- او با سلام امام بلند شده و بقیه نمازش را تمام می‌کند بعد سلام داده و سپس دو سجده‌ی سهو برده و باز سلام می‌دهد. و این سجده بخاطر نشستنی بود که مأوم در هنگام برخاستن امام برای رکعت چهارم به نماز خود اضافه کرده بود.

نکته: بر اساس مطالب گذشته مشخص می‌شود که سجده‌ی سهو گاهی قبل از سلام است و گاهی بعد از سلام،

و سجده‌ی سهو قبل از سلام در دو حالت لازم می‌شود:

اول: هرگاه در نماز نقصی صورت گیرد. بدلیل حدیث عبدالله بن بحینه^(ع) که در آن پیامبر^(ص) هنگامی که تشهد اول را فراموش کرد در پایان نماز و قبل از سلام دو سجده‌ی سهو بردند، که قبلاً لفظ حدیث ذکر شد.

دوم: هرگاه نمازگزار در بین دو امر دچار شک شود و نتواند هیچکدام را ترجیح دهد. بدلیل حدیث ابو سعید خدری^(ع) در مورد کسی که در نمازش دچار شک شد و ندانست چند رکعت -سه یا چهار رکعت- خوانده است، که پیامبر^(ص) امر نمود تا قبل از آنکه سلام دهد دو سجده بجای آورد، که سابقاً لفظ حدیث ذکر شد.

۱ - یعنی مأوم از ابتدای جماعت با امام بوده و با تمام شدن نماز امام، او نیز نمازش تمام می‌شود.

و سجده‌ی سهو بعد از سلام در دو حالت لازم می‌شود:

اول: هرگاه زیادتى در نماز صورت گیرد. بدلیل حدیث عبدالله بن مسعود رضی الله عنه که در آن پیامبر صلی الله علیه و آله نماز ظهر را پنج رکعت خواند و بعد از آنکه بیادش آوردند ایشان بعد از سلام دو سجده‌ی سهو بردند و بعد سلام دادند، و (چون حدیث) بیان نکرده که سجده‌ی سهو ایشان بعد از سلام بدلیل آن بود که تا بعد از پایان نماز به آن زیاده در نماز خود مطلع نشد، بنابراین حدیث بر عموم حکم دلالت می‌کند، یعنی (بر اساس این حدیث) هرگاه زیادتى در نماز صورت گرفت سجده‌ی سهو باید بعد از سلام باشد، حال چه بعد از پایان نماز بیادش آمد و چه در اثناء نماز و قبل از سلام.

و همچنین کسی که از روی فراموشی قبل از پایان نماز سلام داد بعد بیادش آمد و ادامه‌ی نمازش را خواند، چون او سلامی را در اثناء نمازش اضافه کرده پس بعد از سلام دو سجده‌ی سهو می‌برد، بدلیل حدیث ابوهریره رضی الله عنه که در آن پیامبر صلی الله علیه و آله در رکعت دوم نماز ظهر یا عصر سلام دادند بعد بیادش آوردند و ایشان نمازش را ادامه داده و تمام نمودند و بعد از سلام دو سجده‌ی سهو بردند و سلام داد چنانکه سابقاً در لفظ حدیث ذکر شد.

دوم: هرگاه نمازگزار بین دو امر در شک افتاد ولی یکی را ترجیح داد. بدلیل حدیث ابن مسعود رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه و آله در شک افتاد بعد امر صواب را تشخیص داد و نماز خود را بر اساس آن تمام نمود بعد سلام می‌دهد و دو سجده‌ی سهو می‌برند که سابقاً با لفظ حدیث ذکر شد.

و هرگاه نمازگزار در نماز خویش دو بار دچار سهو شد و لازم شود تا برای یکی قبل از سلام و برای دیگری بعد از سلام سجده‌ی سهو برد، در این حالت علما فرموده‌اند که قبل از سلام بر بعد از سلام غلبه می‌کند و لذا بایستی فقط سجده‌ی سهو قبل از سلام را بجای آورد.

مثلاً شخصی نماز ظهر می‌خواند و در رکعت دوم فراموش می‌کند که تشهد بخواند و برای رکعت سوم بلند می‌شود و بعد در رکعت سوم به گمان اینکه در رکعت دوم است

نشسته و تشهد می‌خواند، بعد بیاد می‌آورد که او در رکعت سوم است نه دوم^۱، لذا بلند شده و یک رکعت دیگر خوانده و قبل از سلام دو سجده‌ی سهو می‌برد و سپس سلام می‌دهد.

این شخص تشهد اول را ترک کرد لذا سجده‌ی سهو آن قبل از سلام است و همچنین نشستنی اضافی در رکعت سوم داشته که سجده‌ی سهو آن بعد از سلام است، اما قبل از سلام غالب شد. والله اعلم

از الله تعالی خواستارم تا ما و برادران مسلمانمان را بر فهم کتابش و سنت رسولش ﷺ و عمل به آن دو، در ظاهر و باطن، در عقیده و عبادت و معاملات توفیق فرماید و عاقبت همگی ما را بخیر کند، چرا که براستی او بسیار بخشنده و بخشنده است.

والحمد لله رب العالمین و صلی الله وسلم علی نبینا محمد و علی آله و صحبه أجمعین.

نگارش آن به قلم فقیر الی الله

محمد بن صالح العثیمین در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۴ هـ ق پایان یافت.

۱- حال او دو بار مرتکب سهو شده و لازم شده تا یکبار به سبب فراموش کردن تشهد اول، قبل از سلام سجده‌ی سهو برد، زیرا دچار نقصی در نماز خود شده، و یکبار به سبب نشستن اضافی در رکعت سوم لازم شده تا بعد از سلام سجده‌ی سهو برد، زیرا زیادتیی را در نماز خود انجام داده است.

خلاصه‌ی احکام سجده‌ی سهو:

[در این بخش، احکام سجده‌ی سهو را مختصراً بیان می‌کنیم که این ملخص نیز ترجمه‌ی «رسالة فوائد عن سجود السهو» از کتاب مجموع فتاوی علامه ابن عثیمین است و قسمتی از آن نیز برگرفته از رساله‌ی سابق جناب مؤلف است. مترجم].

نکاتی درباره‌ی سجده‌ی سهو:^۱

۱- هرگاه نمازگزار قبل از اتمام نماز سلام داد، چنانکه تا مدت زمان طولانی بیاد نیاورد (که نمازش را کامل نخوانده) باید از نو نماز بخواند، ولی چنانچه بعد از زمان کوتاهی مثلاً پنج دقیقه بیاد آورد، بازگردد و نمازش را (از جایی که مانده ادامه داده) و کامل کند و سلام دهد، و بعد از سلام به دلیل سهوش دو سجده ببرد (و دوباره) سلام می‌دهد.

۲- هرگاه نمازگزار در نماز خود قیام، یا نشستن، یا رکوع، یا سجده‌ای (را سهوا) اضافه کرد، چنانچه بعد از فارغ شدن از (آن عمل) اضافه بیاد آورد، لازم به چیزی جز دو سجده‌ی سهو (بعد از سلام) نیست، اما اگر در اثنای انجام آن عمل اضافی بیاد آورد (که عملی اضافه انجام می‌دهد) بر او واجب است تا از انجام آن عمل بازگردد، و بعد از سلام (پایانی نماز) دو سجده‌ی سهو برده و دوباره سلام می‌دهد.

۳- اگر رکنی از ارکان نماز -بجز تکبیرة الاحرام- را بدلیل فراموشی انجام نداد و آن را ترک کرد، چنانچه به مکان آن رکن در رکعت بعدی رسید، باید رکعت قبل را که در آن رکن را ترک نموده بود حساب نکند و بلکه رکعت بعد از آن را جایگزین آن نماید.

۱- ترجمه‌ی: «رسالة فوائد عن سجود السهو»، مجموع فتاوی و رسائل علامه محمد بن صالح العثیمین، جلد چهاردهم، باب سجود السهو.

اما اگر هنوز به مکان آن عمل (ترک شده) در رکعت بعدی نرسیده بود، بر او واجب است تا به محل رکن ترک شده بازگردد و آنرا بنحو صحیح انجام دهد و نمازش را از آنجا ادامه دهد، و در هر دو حالت بر او واجب است تا بعد از سلام سجده‌ی سهو ببرد.^۱

۴- هرگاه در تعداد رکعت‌های (انجام داده‌ی خود) شک کرد که مثلاً آیا دو رکعت نماز خوانده یا سه رکعت؟ خارج از دو حالت زیر نیست:

حالت اول: او یکی از دو امر (دو یا سه رکعت) را ترجیح می‌دهد و سپس بر اساس آن نمازش را تمام کرده و سلام می‌دهد.

حالت دوم: نمی‌تواند یکی از دو امر را ترجیح دهد، در این حالت بنا را بر یقین می‌گذارد که یقین (در اینجا یعنی در نظر گرفتن) کم‌ترین (رکعت)، سپس نمازش را بر اساس آن تمام می‌کند.

در حالت اول بعد از سلام سجده‌ی سهو می‌برد (و باز سلام می‌دهد).

در حالت دوم قبل از سلام سجده‌ی سهو می‌برد.

۵- هرگاه از روی فراموشی تشهد اول را ترک نمود - حکم مابقی واجبات نماز بمانند حکم تشهد اول است -:

- اگر تا بعد از بلند شدن کامل (قائم ایستادن) بیاد نیاورد، در این حالت نمازش را ادامه می‌دهد و لازم به بازگشتن برای خواندن تشهد نیست، ولی بعد از اتمام نمازش و قبل از سلام دو سجده‌ی سهو می‌برد.

- اگر بعد از برخاستن و قبل از آنکه بطور کامل قائم بایستد^۲، بیاد آورد، در این حالت بایستی بازگردد و تشهد خود را بخواند و سپس نمازش را ادامه داده و کامل می‌کند و سلام می‌دهد، سپس سجده‌ی سهو می‌برد و باز سلام می‌دهد.

- اگر قبل از آنکه برخیزد و رانش از ساق پایش جدا شود، (بلافاصله) بیاد آورد، در

۱- اگر تکبیرة الاحرام را فراموش کرد، در هر حالتی لازمست تا نمازش را قطع کند و از نو بخواند.

۲- یعنی هنوز کمر وی راست نشده و در حالت خمیده است.

این حالت باید (زود) بنشیند سپس نمازش را ادامه و کامل کند ولی نیازی به سجده‌ی سهو نیست، زیرا او مرتکب اضافه یا نقصی در نمازش نشده است.^۱

۶- اگر نمازگزار قبل از آنکه نمازش را تمام کند، عمداً سلام داد، نمازش باطل است.

۷- هرگاه نمازگزار در نماز خود قیام یا نشستن یا رکوع یا سجده‌ای را عمداً اضافه انجام دهد، نمازش باطل است.

۸- هرگاه رکنی از ارکان نماز را ترک کرد:

اگر (آن رکن ترک شده) تکبیره الاحرام بود، پس نمازی برای او محسوب نمی‌شود، حال چه عمدی بوده باشد و چه سهواً فراموش کرده باشد، زیرا نمازش (با ترک تکبیره الاحرام) منعقد نمی‌شود، و اگر رکن ترک شده غیر از تکبیره الاحرام باشد، چنانچه از روی عمد بوده باشد نمازش باطل است.^۲

۹- هرگاه یکی از واجبات نماز^۳ را عمداً ترک نمود، نمازش باطل است.

۱۰- اگر (مکان) سجده‌ی سهو بعد از سلام پایانی نماز باشد، لازمست تا بعد از انجام

۱- همانطور که مؤلف گرامی اشاره کردند؛ حکم بقیه‌ی واجبات در نماز نیز بدینگونه است، یعنی هرگاه یکی از واجبات نماز را فراموش کرد؛ اگر قبل از آنکه وارد رکن بعد از آن عمل واجب شود، بیاد آورد، بایستی بازگردد و آن عمل واجب را انجام داده و در آخر سر هم بعد از سلام دو سجده‌ی سهو می‌برد، زیرا او در این حالت عملی اضافه در نمازش انجام داده است. ولی اگر وارد رکن بعد از آن عمل واجب شد و بعد بیاد آورد، در اینحالت نیازی به بازگشت به محل عمل واجب نیست، بلکه نمازش را ادامه دهد، ولی در عوض در انتهای نمازش و قبل از آنکه سلام دهد ابتدا دو سجده‌ی سهو می‌برد بعد سلام پایانی نمازش را می‌دهد، زیرا در اینحالت نقصی در نمازش رخ داده است. و اگر بلافاصله بیاد آورد پس در اینحالت آن عمل را در جای خود انجام داده و نیازی هم به سجده‌ی سهو نیست، زیرا مرتکب اضافه یا نقصی در نمازش نشده است.

۲- اگر سهواً باشد، قبلاً در نکته‌ی سوم توضیح داده شد چکار کند.

۳- مانند تشهد اول یا ذکر «سبحان ربی الأعلى» در سجده.

دو سجده‌ی سهو دوباره سلام دهد.^۱

تحریر محمد بن صالح العثیمین در تاریخ: ۱۴۱۰/۶/۱۱ ه.ق.

مختصری از احکام سجده‌ی سهو برای حالت‌های مختلف مأموم:^۲

اگر مأموم از ابتدای نماز با امام بود و در تمامی رکعات نماز جماعت حضور داشت در اینصورت بر او واجب است که در سجده‌ی سهو تابع امام خویش باشد، و دلیل آن عموم فرموده‌ی پیامبر ﷺ است که فرمود: «إِنَّمَا جُعِلَ الْإِمَامُ لِيُؤْتَمَّ بِهِ فَلَا تَخْتَلِفُوا عَلَيْهِ فَإِذَا رَكَعَ فَارْكَعُوا وَإِذَا قَالَ سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ فَقُولُوا رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ وَإِذَا سَجَدَ فَاسْجُدُوا»^۳. یعنی: «همانا امام برای این قرار داده شده است که به او اقتدا شود، پس از وی تخلف نکنید، هرگاه به رکوع رفت به رکوع بروید، و چون گفت: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» شما بگوئید: «رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ» و هر وقت به سجده رفت شما نیز به سجده بروید».

اما چنانچه شخص از ابتدا در جماعت نبود، بلکه بعداً به جماعت ملحق شد (یعنی مسبوق بود)، در اینصورت او فقط باید در سجده‌ی سهو قبل از سلام تابع امام باشد، و نباید در سجده‌ی سهوی که امام بعد از سلام بجای می‌آورد از او پیروی کند، زیرا در این حالت امام ابتدا سلام می‌دهد بعد سجده‌ی سهو می‌برد و لذا برای فرد مسبوق ممکن نیست که با امام سلام دهد و بعد سجده‌ی سهو ببرد، بلکه او با سلام امام باید برخیزد و مابقی نماز خود را تکمیل کند، بعد که نمازش را کامل نمود و سلام داد او نیز باید سجده‌ی سهو ببرد و سلام دهد.

اما اگر بنحواهم بصورت مختصر قضیه را در حالت‌های مختلف مأموم و مسبوق با

۱- بعد از انجام دو سجده‌ی سهو نیازی به خواندن تشهد نیست، بلکه بلافاصله سلام دهد، و اذکار سجده‌ی سهو بمانند اذکار سجده‌ی معمولی داخل نماز است.

۲- برگرفته از «رسالة في أحكام سجود السهو» شیخ ابن عثیمین رحمه الله.

۳- بخاری: ۷۲۲، و مسلم: ۴۱۴.

امام بررسی کنیم خواهیم داشت:

۱- اگر مأموم در تمامی رکعت‌های نماز همراه امام و جماعت بود، و امام مرتکب سهوی شد و برای آن سجده‌ی سهو بُرد، بر مأموم نیز لازم است که با امام به سجده برود حال چه قبل از سلام باشد و چه بعد از سلام.

۲- اگر مأموم از ابتدا همراه امام و جماعت نبود و به اصطلاح مسبوق باشد، حال اگر در آن قسمتی از نماز که امام مرتکب سهو شد همراه او بوده باشد، در اینصورت: اگر امام قبل از سلام سجده‌ی سهو بجای آورد، مسبوق نیز باید همراه او به سجده برود ولی بعد که امام (دو سجده‌ی سهو را انجام داد) و سلام داد، بلند شود و نماز خود را کامل کند، اما قبل از آنکه سلام دهد باید برای بار دوم سجده‌ی سهو بجای آورد، زیرا سجده‌ی سهو اول که همراه امام انجام داد، در غیر مکان اصلی خود بود^۱، چون سجده‌ی سهو در اثنای نماز نیست بلکه در آخر نماز است، و سجده‌ی اول او همراه امام فقط بدلیل متابعت از امام بود و جایگزین سجده‌ی سهو برای مسبوق نخواهد شد.

۳- اگر فرد مسبوق در قسمتی از نماز که امام در آن مرتکب سهو شد همراه وی نبود، مثلاً مأموم در رکعت دوم به جماعت ملحق شده ولی امام در رکعت اول نماز خود دچار سهوی شده باشد، در این حالت:

اگر امام قبل از سلام نماز سجده‌ی سهو برد، مسبوق نیز از وی پیروی کند سپس با سلام امام بلند شود و نماز خود را کامل نماید، اما لازم نیست که در آخر نماز برای بار دوم سجده برد، زیرا او به هنگام سهو امام با وی نبوده است.

و اگر امام بعد از سلام نماز سجده‌ی سهو برد، مسبوق نباید از وی پیروی کند بلکه با سلام امام بلند شود و نماز خود را کامل نماید، همچنین در آخر نماز لازم نیست سجده‌ی سهو بجای آورد، زیرا او در هنگام سهو امام با وی نبوده، و سهو امام هنگامی رخ داد که او هنوز به جماعت ملحق نشده بود.

۱- مکان سجده‌ی سهو در پایان نماز است حال با توجه به نوع سهو یا قبل از سلام است یا بعد از سلام.

تمامی حالت‌های فوق، برای زمانی بود که امام در نماز خویش دچار سهو می‌شود که بر حسب شرایط مختلف، مأموم نیز باید تابع او باشد. اما اگر در جماعت امام دچار سهو نشود بلکه مأموم خود تنهایی مرتکب سهوی شود، در اینصورت:

۴- اگر مأموم از ابتدا با جماعت همراه بود و به اصطلاح مسبوق نباشد و بعد دچار سهوی گشت، چنانچه آن سهو ترک واجبی باشد، مثلاً فراموش کرد که در رکوع ذکر «سبحان ربی العظیم» را بگوید، سجده‌ی سهو بر او لازم نیست، زیرا امام سهو وی را متحمل می‌شود و برایش جبران می‌کند. اما اگر یکی از ارکان نماز را ترک گفت، مثلاً در یکی از رکعت‌ها خواندن فاتحه را فراموش کرد و بعداً در اثناء نماز بیادش آمد، در این وضعیت هنگامی که نماز تمام شد و امام سلام داد او نباید سلام دهد بلکه لازمست بلند شود تا رکعتی را که در آن رکنی را ترک کرده بود از نو بخواند و آنرا جبران نماید بعد تشهد خوانده و سلام دهد و بعد از سلام دو سجده‌ی سهو بجای آورد.

۵- اگر مأموم قسمتی از جماعت را با امام همراه نبوده یعنی به تمامی رکعات نماز جماعت نرسیده بود، و در نماز خویش دچار سهوی گشت -چه در قسمتی که همراه امام است و چه در قسمتی که خود تنهایی بعد از سلام امام بلند می‌شود و مابقی نماز خود را کامل می‌گرداند- بر او لازم است که در آخر نماز با توجه به نوع سهوی که انجام داده قبل یا بعد از سلام نمازش دو سجده‌ی سهو بجای آورد. چند نکته‌ی دیگر:

۶- اگر نمازگزار قبل از اتمام نماز عمداً سلام دهد نمازش باطل می‌شود.
۷- اگر نمازگزار رکنی اضافی مانند رکعت یا رکوع یا سجده یا قیامی را عمداً به نمازش اضافه کرد، نماز او باطل است.

۸- اگر رکنی از نماز را ترک کرد: اگر تکبیره الاحرام باشد در اینصورت نمازش صحیح نیست، حال چه عمدی باشد و چه سهواً فراموش کرده باشد، زیرا نمازش منعقد

نشده و باید از نو نماز بخواند. و اگر رکن ترک شده غیر از تکبیره الاحرام باشد چنانکه عمدی بوده باشد نمازش باطل می‌شود، و اگر سهواً بود باید آن رکن را جبران نماید.

۹- اگر یکی از واجبات نماز را عمداً انجام نداد، نمازش باطل است.

۱۰- اگر سجده‌ی سهو بعد از سلام باشد لازمست پس از انجام سجده‌ی سهو دوباره سلام دهد.

جدول زیر نیز مختصری از احکام سجده‌ی سهو است:

مسأله	حالت های آن	محل سجده
۱	در مورد سلام قبل از اتمام نماز: اگر نمازگزار از روی فراموشی قبل از اتمام نمازش سلام داد.	بعد از سلام دو سجده‌ی سهو برده و دوباره سلام می‌دهد.
۲	در مورد انجام عمل اضافه‌ای در نماز: هرگاه نمازگزار سهواً قیام یا رکوع یا سجده‌ای را به نماز خود اضافه نمود.	بعد از سلام دو سجده‌ی سهو می‌برد و دوباره سلام می‌دهد.

<p>در هر دو حالت لازم است که دو سجده‌ی سهو بعد از سلام بجای آورد.</p>	<p>اگر به مکان انجام همان رکن ترک شده در رکعت بعد از آن رسید و بعد بیادش آمد، در اینصورت رکعت ناقص را ملغی نماید و در عوض، آن رکعت موجود را جایگزین آن کند.</p> <p>و اگر هنوز به مکان رکن ترک شده در رکعت بعد از آن نرسیده و یکدفعه بیاد آورد که رکنی را ترک گفته، در اینصورت باید در هر حالتی که هست انصراف دهد و به مکان رکن ترک شده بازگردد و پس از بجای آوردن آن رکن، از آنجا نماز خود را ادامه دهد.</p>	<p>در مورد ترک یکی از ارکان نماز: اگر یکی از ارکان نماز - غیر از تکبیر۱ الاحرام - را از روی فراموشی ترک گفت.</p>	۳
<p>در حالت اول باید بعد از سلام نماز سجده‌ی سهو بجای آورد. در حالت دوم قبل از سلام نماز سجده‌ی سهو بجای آورد.</p>	<p>حالت اول: یا از روی ظن غالب یکی از دو امر مورد تردید را ترجیح داده و نماز خود را بر اساس آن تمام کرده و سلام می‌دهد.</p>	<p>در مورد شک در نماز: اگر در تعداد رکعات نماز شک کرد که مثلاً آیا دو رکعت خوانده یا سه رکعت، در اینصورت دو حالت بیشتر</p>	۴

	وجود ندارد:	حالت دوم: نمی‌تواند هیچیک را ترجیح دهد، در اینصورت باید بنا را بر یقین قرار دهد، و یقین یعنی کم‌ترین تعداد رکعات را در نظر گرفته و نماز را بر اساس آن تمام کند.
۵	در مورد ترک یکی از واجبات نماز مانند تشهد اول: اگر مثلاً تشهد اول را فراموش کرد. (البته حکم ترک مابقی واجبات نماز نیز بمانند حکم ترک تشهد است)	<p>۱- اگر تا پس از بلند شدن کامل بیادش نیامد، در اینصورت لازم نیست تا به محل تشهد بازگردد بلکه نماز خود را ادامه دهد.</p> <p>۲- اگر بعد از اینکه برخاست ولی هنوز به طور کامل به حالت ایستاده در نیامده باشد، و بیاد آورد، باید زود به محل تشهد بازگشته و تشهد خویش را بخواند و بعد به نماز ادامه دهد.</p> <p>۳- اگر در همان لحظه‌ی برخاستن که دستهایش را از رانها جدا می‌کند بیاد آورد، باید بلافاصله حالت نشسته به خود بگیرد و تشهد خویش را بخواند.</p>
		برای مورد یک لازمست تا قبل از سلام سجده‌ی سهو بجای آورد. برای مورد دو، باید بعد از سلام سجده‌ی سهو ببرد. اما برای مورد سه، لازم نیست سجده‌ی سهو برد، زیرا او مرتکب امر اضافه یا نقصی نشده است.

فتاوی در مورد سجده‌ی سهو

«برگرفته از: مجموع فتاوی علامه ابن عثیمین

جلد چهاردهم، باب سجود السهو»

[در این بخش به کتاب مجموع فتاوی علامه ابن عثیمین رحمته الله رجوع کردیم و تمامی فتاوی بخش سجده‌ی سهو را که مناسب کتاب حاضر بود، آورده‌ایم. یادآور می‌شویم که منبع این فتاوی در جلد چهاردم از کتاب مجموع فتاوی، باب سجده‌ی سهو می‌باشد، و شماره‌ی هر سوال نیز در پاورقی قید شده است. البته در اثنای فتاوی مربوط به مؤلف گرامی، سوالات دیگری را نیز از منابع دیگر ذکر نمودیم تا این بخش کامل‌تر شود. مترجم.]

الف: زیاده در نماز

تعریف سهو و حکمت از مشروعیت سجده‌ی سهو

از جناب شیخ در مورد تعریف سهو سؤال شد، و اینکه فرق بین سهو با نسیان (فراموشی) چیست و حکمت از مشروعیت سجده‌ی سهو چه می‌باشد؟ ایشان جواب دادند: سهو یعنی «غفلت و حواس پرتی».

و فرق بین سهو با فراموشی: فرد فراموشکار هرگاه تذکر داده شود متذکر می‌شود، ولی فرد ساهی اگر تذکر داده شود متذکر نمی‌شود، البته این فرق زمانی برقرار است که سهو، سهو کردن در مورد چیزی باشد، اما سهو در چیزی همان نسیان بوده و به معنی فراموشی است (در این حالت مترادف هستند)، و علما اینگونه فرموده‌اند.

همچنان که علما بین سهو در شیئی و سهو از شیئی تفاوت قائل شده‌اند، سهو در چیزی مذموم نیست به خلاف سهو از چیزی که مذموم است و لذا خداوند عز و جل در ذم

ساهیان از نماز می‌فرماید:

﴿قَوْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ ۖ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾ [الماعون: ۴-۵]. «پس وای بر نمازگزارانی که از نماز خویش غافلند (سهل انگارند)»^۱.

و این (تفاوت در مذموم نبودن یکی و بودن دیگری) بخاطر آنست که سهو در چیزی، به دلیل ترک آن بدون اراده و قصد است، ولی سهو از چیزی ترک آن همراه با قصد و اراده است.

و اما حکمت از مشروعیت سجده‌ی سهو:

براستی که یکی از محاسن شریعت نبوی، مشروعیت سجده‌ی سهو است، از آنجائیکه هر انسانی ممکن نیست که (خود را) از آن نگاهداشته و بدور باشد، و بدون شک در این عبادت بزرگ (یعنی نماز) نیز سهو رخ خواهد داد، و با توجه به اینکه (انجام) این عبادت بر وجه مخصوصی طلب شده است و انسان نیز همواره در معرض اضافه و نقص و شک در آن قرار دارد، به همین دلیل گاهی انسان نماز خود را بر وجه غیر مشروع انجام داده و لذا ثواب آنهم ناقص خواهد شد، بنابراین سجده‌ی سهو تشریع شده تا آن نقص یا بطلان ثواب (نماز) تلافی و جبران شود، و لذا علما بر مشروعیت سجده‌ی سهو اجماع

۱- الله تعالی فرمود: ﴿عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾ «از نماز خویش غافلند» و فرمود: «فِي صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» «در نماز خویش غافلند»، زیرا سهو و غفلت در اثنای نماز، آمرزیده و بخشوده است چرا که این سهو غیر اختیاری می‌باشد. پس عبارت: ﴿عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾ به این معنی است که آنان با به تأخیر انداختن وقت نماز، یا با خواندن آن به بی‌مبالائی، از نماز خویش غافلند. یا مراد بی‌نمازانی هستند که از نماز خویش غافلند. اما چنان که گفتیم، سهو در نماز در تحت تکلیف داخل نمیشود چرا که امری غیر اختیاری است و ثابت شده است که رسول خدا ﷺ خود در نماز سهو نمودند و برای کسی که در نماز سهو می‌کند، سجده سهو را امر کردند، و صحابه نیز در نماز سهو می‌کردند. (انوار القرآن، تفسیر سوره‌ی ماعون).

بنابراین کسی که از (انجام) نمازش غافل باشد سزاوار مذمت و سرزنش است، اما کسی که در (داخل) نمازش دچار سهو و فراموشی شد مورد سرزنش قرار نمی‌گیرد، زیرا پیامبر ﷺ هم در نماز بدان دچار می‌شدند.

کرده‌اند.^۱

حکم سجده‌ی سهو برای کسی که زیادتى در نماز انجام دهد

آیا انجام سجده‌ی سهو برای کسی که زیادتى در نماز وارد کند جایز است؟^۲

سجده‌ی سهو برای کسی که سهواً در نمازش زیادتى وارد کند جایز است و این سجده مشروع است، حال یا واجب است یا مستحب، و در نمازهای نافله و فرض مثل هم هستند، البته بشرطیکه نماز دارای رکوع و سجود باشد یعنی نماز جنازه نباشد، زیرا سجده‌ی سهو در نماز جنازه مشروع و جایز نیست، زیرا نماز جنازه در اصل دارای رکوع و سجود نیست پس چگونه ممکن است با سجده جبران شود، اما هر نمازی که دارای رکوع و سجود باشد، (روی دادن سهوی) در آن بوسیله‌ی سجده‌ی سهو جبران می‌شود چه در نماز نافله و چه فرض.^۳

حکم کسی که در نماز صبح برای رکعت سوم بلند شود

از جناب شیخ سوال شد: درباره‌ی مردی که در نماز صبح برای رکعت سوم بلند شده و سپس در اثنای آن (رکعت اضافه) بیاد می‌آورد، آیا حکم آن بمانند حکم کسی است که تشهد اول را فراموش کرده و بلند شده و قرائت رکعت بعد آن را شروع کرده که بازگشتن به محل تشهد برایش حرام است؟ و آیا سجده‌ی سهو بر او لازمست؟ و آیا قبل از سلام است یا بعد آن؟

جواب دادند: اگر در اثنای رکعت اضافه بیاد آورد در هر حالتی باید فوراً بنشیند، و این صحیح نیست که بسیاری از طلبه‌های علم می‌پندارند که حکم این رکعت اضافه

۱- مجموع فتاوی و رسائل - جلد چهاردهم، باب سجود سهو، شماره سؤال: ۶۴۷.

۲- مجموع فتاوی و رسائل - جلد چهاردهم، باب سجود سهو، شماره سؤال: ۶۶۴.

۳- در ضمن هرگاه نمازگزار زیادتى در نمازش وارد کند، او بایستی بعد از سلام دو سجده‌ی سهو بجای آورد و باز سلام دهد.

همان حکم کسیست که تشهد اول را فراموش کرده و بلند می‌شود که اگر بصورت قائم بایستد نباید بازگردد، بلکه (در حالت رکعت اضافه) بر او واجب است تا هروقت متوجه شد بازگردد و چنانچه به رکعت اضافه ادامه دهد با وجود آنکه به آن عمل اضافه آگاه شود، در این حالت او چیزی را عمداً به نمازش اضافه می‌کند و این امر نماز را باطل می‌کند، و بر او لازمست که اگر بازگشت بعد از سلام دادن سجده‌ی سهو برده (و باز سلام دهد).^۱

حکم کسی که سهواً رکعتی را به نماز تراویح اضافه می‌کند

از جناب شیخ سوال شد: در باره‌ی مردی که نماز تراویح می‌خواند و (سهواً) برای رکعت سوم برمی‌خیزد، بعد بیاد می‌آورد یا تذکر داده می‌شود حال او چکار کند؟
جواب دادند: هرگاه کسی که نماز تراویح می‌خواند برای رکعت سوم بلند شود و سپس بیاد آورد یا یادآوری شود (که رکعتی اضافه می‌خواند) بر او واجب است تا بازگردد و سجده‌ی سهو ببرد و سجده‌ی سهو بعد از سلام باشد، زیرا مرتکب زیادتیی در نماز شده است. اگر بازنگردد در حالیکه به آن رکعت اضافه آگاه است پس نمازش باطل است^۲، زیرا پیامبر ﷺ در مورد نماز شب فرمودند: «صَلَاةُ اللَّيْلِ مَثْنَى مَثْنَى»^۳. یعنی: «نماز شب دو رکعت دو رکعت خوانده می‌شود»^۴.
پس هرگاه نمازگزار رکعتی را بر آن (دو رکعت) اضافه نمود، او عملی انجام داده که

۱- شماره سؤال: ۶۶۹.

۲- اگر به آن رکعت اضافه مطلع نبود، نماز او باطل نیست و چنانکه تا هنگام تشهد، آن رکعت اضافه را بیاد نیاورد، لازمست تا هنگام بیادآوری سلام داده و بعد دو سجده‌ی سهو ببرد و باز سلام دهد.

۳- متفق علیه، بخاری: ۹۹۰، مسلم: ۷۴۹.

۴- نماز تراویح نیز جزو نماز شب در ماه مبارک رمضان محسوب می‌گردد، لذا نماز تراویح نیز بایستی دو رکعت دو رکعت خوانده شود.

امر پیامبر ﷺ بر آن قرار نگرفته است^۱، و امام احمد رحمه الله نیز بر این مطلب تایید کرده‌اند که اگر نمازگزار در نماز شب (پس از خواندن دو رکعت، بدون آنکه سلام دهد) برای رکعت سوم برخیزد، بمانند آنست که در نماز صبح باشد که برای رکعت سوم برخاسته است، یعنی بمانند آنست که کسی نماز صبح می‌خواند و برای رکعت سوم برخیزد، و معلوم است کسی که در نماز صبح برای رکعت سوم برمی‌خیزد بر او واجب است تا بازگردد و گرنه زیادتى بر نماز فرض افزوده است، و علما رحمهم الله این مسئله را در باب نماز تطوع بیان کرده‌اند. کاتبه محمد الصالح العثیمین فی ۱۷/۹/۱۴۰۹ه^۲.

حکم رکعت اضافه در نماز شب و وتر

از جناب شیخ سوال شد: درباره‌ی مردی که نماز شب می‌خواند، و (می‌دانیم که) نماز شب دو رکعت دو رکعت است، ولی او از روی فراموشی برای رکعت سوم بلند می‌شود (بعد متوجه می‌شود) در این حالت چکار کند؟^۳.

جواب دادند: او بایستی بازگردد و اگر بازنگردد نمازش باطل می‌شود، زیرا او زیادتى را عمداً انجام می‌دهد، و برای همین امام احمد تاکید کرده‌اند که اگر نمازگزار در نماز شب برای رکعت سوم برخواست بمانند آنست که در نماز صبح برای رکعت سوم برخواسته باشد، یعنی اگر بازنگردد نمازش باطل است، اما نماز وتر در این حکم استثنا می‌شود، زیرا در نماز وتر جایز است تا انسان بر دو رکعت اضافه کند، پس اگر نماز وتر را سه رکعت بخواند جایز است.

بر این مبنا اگر انسان داخل نماز وتر شد و نیت داشت تا دو رکعت بخواند و سپس سلام دهد و رکعت سوم را جدا بخواند، اما (در انتهای رکعت دوم) فراموش کرد و بدون

۱- در حالیکه پیامبر ﷺ می‌فرمایند: «مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ». [مسلم].

«هرکس عملی انجام دهد که مطابق دستور ما (سنت ما) نباشد، مردود است».

۲- شماره سؤال: ۶۵۴.

۳- شماره سؤال: ۶۷۱.

سلام دادن برای رکعت سوم برخواست، به او می‌گوییم رکعت سوم را کامل بخوان زیرا در نماز وتر جایز است که بر دو رکعت اضافه خواند.^۱

حکم نماز مسافری که بعد از رکعت دوم اشتبهاً برای رکعت سوم بلند می‌شود

مردی مسافر است و نماز خود را قصر می‌خواند اما بعد از آنکه دو رکعت خواند فراموش می‌کند و برای رکعت سوم بلند می‌شود، آیا بر او لازم است که بلافاصله بازگردد و سلام دهد یا آنکه نماز خود را کامل چهار رکعت بخواند؟ و چه چیزی بر او واجب است؟

جواب دادند: در این وضعیت به او می‌گوییم که لازمست تا بازگردد، زیرا او قصد دارد که دو رکعت نماز بخواند، پس باید دو رکعت خوانده و بر آن نیفزاید، و پس از آنکه بازگشت و سلام داد دو سجده‌ی سهو ببرد، اما اگر احیاناً بازنگشت و خواست تا نماز خود را کامل (چهار رکعت) بخواند اشکالی ندارد.^۲

حکم پیروی از امام در رکعت اضافی

از شیخ ابن عثیمین رحمته‌الله سوال می‌شود: اگر امام سهواً پنج رکعت نماز خواند، حکم نماز او و مأموم چیست؟ و آیا آن رکعت اضافی برای مسبوق درنظر گرفته می‌شود؟ ایشان جواب می‌دهند:

۱- کمترین حد نماز وتر یک رکعت است. از ابن عمر رضی‌الله‌عنهما روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «صلاة اللیل مثنی، مثنی، فإذا خشی أحدکم الصبح صلی رکعة واحدة توتر له ما قد صلی» (نماز شب دو رکعت دو رکعت است، پس هر گاه یکی از شما بیم آن را داشت که وقت نماز صبح فرا برسد یک رکعت نماز بخواند و با آن نمازهای قبلی‌اش را وتر کند». بخاری (۹۹۰)، مسلم (۷۴۹). و جایز است که نماز وتر، سه یا پنج یا هفت یا نه رکعت خوانده شود.

۲- شماره سؤال: ۶۷۰.

اگر امام سهواً پنج رکعت بخواند، نمازش صحیح است و همچنین نماز کسی که پشت سر وی نماز می‌خواند، البته بشرطیکه او نیز متوجه آن رکعت اضافی نشود و سهواً با امام برخواست و یا اصلاً به حکم آن جهل داشت، نمازش صحیح است.

اما کسی که به آن رکعت اضافی آگاه بود و امام برای رکعت اضافی برخواست، او باید (با گفتن سبحان الله امام را متوجه اشتباهش کند و اگر متوجه نشد نباید با او بلند شود بلکه) خود بنشیند و تشهد خوانده و سلام دهد، زیرا او در این حالت می‌داند که آن رکعت اضافی باعث ابطال نماز امام می‌شود، مگر آنکه مأموم احساس کند که هدف امام از برخواستن برای رکعت اضافی به سبب وارد شدن خللی در یکی از رکعت‌های نمازش بوده است، مانند ایجاد خللی در قرائت فاتحه، که در این حالت باز نبایستی با امام بلند شود بلکه باید در جای خود نشسته اما منتظر امام بماند و با او سلام دهد.^۱

اما این رکعت اضافی امام، بعنوان رکعتی برای فرد مسبوق، یعنی کسی که از رکعت دوم به بعد به جماعت ملحق گشته، محسوب می‌شود.

مثلاً هرگاه شخصی در رکعت دوم وارد جماعت شد، باید هنگام برخواستن امام در رکعت اضافی با وی بلند شود و بعد با او سلام دهد، و اگر در رکعت سوم به جماعت ملحق شد آن رکعت اضافی امام برای او در نظر گرفته می‌شود و لذا بعد از سلام امام فقط یک رکعت دیگر می‌خواند^۲، زیرا اگر بگوییم آن رکعت اضافی برای مسبوق در نظر

۱- شیخ الاسلام ابن تیمیه در مورد این سوال چنین جواب می‌دهد: «اگر مأومین از روی جهل با امام (در رکعت اضافه) بلند شدند نمازشان باطل نمی‌شود، اما اگر بدان (رکعت اضافه) علم داشتند برای آنها شایسته نیست تا از امام پیروی کنند، بلکه منتظر وی بمانند (تا امام برای تشهد بنشیند) و با آنها سلام دهد، و یا آنکه (مأومین) قبل از امام سلام دهند، ولی انتظار بهتر است». مجموع الفتاوی: ۵۳/۲۳.

و اگر احیاناً مأموم در محل تشهد منتظر امام بماند تا با وی سلام دهد، در آنصورت بر مأموم لازمست تا با امام به سجده‌ی سهو برود، زیرا متابعت از امام لازم است.

۲- البته چون امام در نماز خود زیادتى داشت، و بابت آن سهو لازم می‌شود که بعد از سلام دو سجده‌ی سهو بجای آورد، ولی مسبوق که هنوز یک یا چند رکعت وی باقی مانده نباید با امام سلام دهد و به سجده سهو

گرفته نمی‌شود، بدین معناست که مسبوق عمداً رکعتی را اضافه می‌خواند در حالیکه اگر کسی عمداً یک رکعت اضافه بخواند نمازش باطل است، اما امام معذور است زیرا او عمداً آن رکعت را اضافه نخوانده بلکه از روی فراموشی بوده و لذا نمازش باطل نیست^۱.

حکم پیروی از امام در رکعت اضافه‌ای که به قصد جبران انجام می‌دهد

از جناب شیخ سوال شد: امام در نماز مغرب برای رکعت چهارم بلند شد، و مأمومین نیز چند بار تسبیح گفتند (تا امام متوجه اشتباهش شود) اما امام توجهی نکرد و رکعت چهارم را بطور کامل ادا کرد ولی سجده‌ی سهو بُرد و سلام داد، هنگامی که (بعد از نماز) مأمومین از او پرسیدند به آنها جواب داد که وی (به آن رکعت اضافه آگاه بوده و) می‌دانست که رکعت چهارم را انجام می‌دهد اما در قلب نیت کرده تا آن رکعت را جایگزین رکعت سوم نماید، زیرا در قرائت فاتحه در آن شک داشته است. مأمومین نیز (در برابر این رکعت اضافه‌ی امام عکس العملهای متفاوتی داشتند چنانکه) بعضی از آنها از امام پیروی کردند تا آنکه سلام داد، و بعضی دیگر بعد از درخواستن امام برای رکعت چهارم، از وی جدا شدند (با امام بلند نشدند بلکه سر جای خود ماندند و منتظر شدند تا امام رکعت اضافه را تمام بخواند) و در هنگام سلام امام با وی سلام دادند، و در میان این افراد نیز که از امام جدا شدند، بعضی از آنها با امام سجده‌ی سهو بردند و بعضی دیگر سجده نبردند، سپس یکی از نمازگزاران بقیه‌ی نمازگزاران را ارشاد نمود که هرکس در رکعت چهارم از امام پیروی کرد و می‌دانست که آن رکعت اضافه است پس نمازش باطل است و لازمست نمازش را تکرار کند و لذا آنها نمازشان را تکرار نمودند. حال (در این مسئله) به ما فتوایی دهید، خداوند پاداش خیر به شما عطا فرماید، والسلام علیکم.

برود، بلکه بایستی با سلام امام بلند شود و نماز خود را کامل گرداند و سلام دهد و او نیز دو سجده‌ی سهو برده و دوباره سلام می‌دهد، زیرا فرد مسبوق در سهو امام همراه او بوده است.

ایشان جواب دادند: **وعلیکم السلام ورحمة الله وبرکاته**، در مورد امام (باید گفت) که اگر شک او و هم بوده مانند وسواس، پس لازم نیست تا به این شک توجهی شود، زیرا این وسواس اثری بر وی ندارد بلکه باید نمازش را کامل کند تا این وهم و وسواس دفع شود و از بین رود. و اگر شک او زیاد بوده باز لازم نیست تا به آن توجهی شود، اما چنانچه شک او حقیقت داشته یا یقین داشته که او فاتحه را (در رکعت سوم) نخوانده، پس در این حالت رکعت (سومش) ملغی می‌شود و بجای آن بایستی رکعت دیگری بخواند.

اما به نسبت مأمومین (باید گفت که) در این حالت بر آنها واجب بود تا از امام پیروی کنند، زیرا این رکعتی که امام انجام داد در حق وی اضافه و زائد نیست بلکه آن رکعت موجب تکمیل شدن نمازش است^۱، بر خلاف حالتی که امام رکعتی را از روی نسیان و سهواً اضافه می‌خواند که نبایستی مأمومین از او پیروی کنند، زیرا رکعتی که (امام در این حالت) انجام داده زائد و اضافه است^۲. و اگر ما وجوب متابعت و پیروی از امام را در حالت اول گفتیم، بر مبنای قیاس وجوب پیروی کردن مأمومین از امام در سجده‌ی سهو به سبب ترک یکی از واجبات نماز است، هرچند که آنها (مأمومین) خود آن واجب را ترک نکرده باشند^۳، مثلاً هرگاه امام فراموش کرد که (در رکوع) بگوید «سبحان ربی

۱- زیرا بر طبق گفته‌ی امام، او فاتحه را که یکی از ارکان نماز است را ناقص انجام داده و لازمست تا آن رکعت را جبران نماید.

۲- همانطور که قبلاً در این کتاب اشاره شد؛ در رکعت اضافه نبایستی تابع امام بود.

۳- یعنی هرگاه امام یکی از واجبات نماز را ترک کرد و پس از جبران آن سجده‌ی سهو نیز ببرد، مأمومین نیز بایستی با امام سجده‌ی سهو ببرند هرچند که آنها این عمل واجب را ترک نکرده باشند، زیرا متابعت از امام واجب است، چنانکه پیامبر ﷺ فرمودند: «إِنَّمَا جُعِلَ الْإِمَامُ لِيُؤْتَمَّ بِهِ فَلَا تَخْتَلِفُوا عَلَيْهِ، فَإِذَا كَبَّرَ فَكَبِّرُوا وَإِذَا رَكَعَ فَأَرْكَعُوا... إِلَى أَنْ قَالَ: وَإِذَا سَجَدَ فَاسْجُدُوا». متفق علیه از حدیث ابوهریره رضی الله عنه.

یعنی: «همانا امام برای این قرار داده شده، که به او اقتدا شود، پس از وی تخلف نکنید و هرگاه تکبیر گفت، تکبیر بگویید، و اگر رکوع کرد شما نیز به رکوع بروید... تا جائیکه فرمود: و هر وقت به سجده رفت شما نیز

العظیم» و به سبب آن سجدهی سهو بُرد، مأمومین نیز ملزم هستند تا از امام پیروی کنند (و با وی به سجده روند) هرچند که خودشان گفتن «سبحان ربی العظیم» را فراموش نکرده باشند، هرچند که آن سجده زیادتیی در نمازشان است ولی اگر از امام پیروی نکنند پس نمازشان به سبب آن (عدم پیروی) باطل می‌شود، و خداوند شما را محفوظ فرماید: والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته، کتبه محمد الصالح العثیمین فی ۱۴۰۱/۱۱/۶هـ.^۱

حکم رکعت اضافهی امام برای فرد مسبوق

از جناب شیخ سوال شد: هرگاه امام (سهواً) رکعتی را به نماز خود اضافه کرد و من که مسبوق هستم آن رکعت را برای (نماز) خود محسوب نمایم، آیا نمازم صحیح است؟ اگر (با امام بلند شوم) ولی رکعت اضافهی وی را برای نمازم در نظر نگیرم و بعداً رکعتی دیگر بخوانم چه؟

جواب دادند: قول و رأی صحیح اینست که نماز تو صحیح است، زیرا تو نمازت (را با آن رکعت اضافی امام) کامل کردی، و زیادت امام برای خودش است و او نیز به علت فراموشی در آن معذور است.

اما اگر تو (رکعت اضافی امام را برای نمازت در نظر نگیری) و بلکه بعداً (با سلام امام) بلند شوی و رکعت دیگری (را بجای آن اضافه) بخوانی، تو رکعتی را بدون عذر اضافه خواندی و این امر نماز را باطل می‌کند. حرر فی ۱۴۰۷/۷/۲۵هـ.^۲

هرگاه امام به رکعت اضافه رود، و دو نفر وی را آگاه کنند، مأمومین از

به سجده بروید». (فقط در رکعت اضافه نباید از امام پیروی کرد، مگر آنکه مأمومین بدانند که امام در یکی از رکعات خود رکعتی را ناقص انجام داده یا ترک کرده است، در اینحالت مأمومین باید در جای خود بنشینند و منتظر امام بمانند و با وی سلام دهند).

۱- مجموع فتاوی و رسائل - جلد چهاردهم، باب سجود سهو، شماره سؤال: ۶۴۹.

۲- مجموع فتاوی و رسائل - جلد چهاردهم، باب سجود سهو، شماره سؤال: ۶۵۰.

امام پیروی کنند یا به آن دو نفر اعتماد کنند؟

از جناب شیخ سوال شد: هرگاه با امام نماز خواندم سپس امام برای رکعت پنجم برخاست، و من تاکید داشتم که آن رکعت پنجم است و لذا او را (با گفتن سبحان الله) متوجه کردم ولی او (به انجام آن رکعت اضافه) در نمازش ادامه دهد، آیا از او پیروی کنم یا جدا شوم؟ و اگر دو نفر امام را از اشتباهش آگاه کنند آیا بقیه‌ی مأمومین از امام پیروی کنند یا جدا شوند؟ و حکم نماز امام در مسئله‌ی دوم چیست؟

ایشان جواب دادند: در این سوال دو مسئله وجود دارد:

اول: اگر امام برای رکعت اضافی پنجم در نماز چهار رکعتی بلند شد، و مأموم تاکید داشت که آن رکعت اضافه است و امام را متوجه ساخت ولی او بازنگشت، در این صورت لازم است تا مأمومی که به زیادت امام یقین دارد از او جدا شد و منفرداً (تنهایی) سلام دهد.

و اما مسئله‌ی دوم: و آن اینست که، اگر دو نفر امام را (از اشتباهش) آگاه کردند آیا بقیه‌ی مأمومین از امام پیروی کنند یا آنکه (به آن دو نفر اعتماد کنند) و از امام جدا شوند و تنهایی نماز بخوانند؟ این مسئله (به این امر بستگی دارد که آیا) آن مأمومینی که امام را متوجه نکردند به درستی نماز امام اطمینان دارند یا خیر؟

اگر به درستی نماز امام اعتقاد و اطمینان دارند پس از او پیروی کنند، در غیر اینصورت به چیزی که آن دو نفر گفتند بازگردند و از امام جدا شوند (و خود تنهایی نمازشان را ادامه داده و سلام دهند)، و لازمست ملاحظه شود، دو نفری که امام را آگاه می‌کنند بایستی مورد اعتماد باشند زیرا به گفته‌ی غیر معتمد اعتباری نمی‌شود.

و اما حکم نماز امام که دو نفر (از مأمومین) وی را متوجه (اشتباهش کردند)، چنانکه به درستی نماز خود اطمینان دارد پس نمازش صحیح است، و اگر اطمینان ندارد نمازش باطل است، زیرا بر او واجب بوده تا به گفته‌ی آن دو نفر بازگردد و رکعت اضافه را ترک نماید، مگر آنکه (نسبت به حکم این مسئله) جاهل باشد یا فراموش نماید (که لازم بوده

تا بازگردد) که در این حالت نمازش صحیح است ولی باید سجده‌ی سهو ببرد.^۱

حکم ادامه پیروی مسبوق از امامی که قبل از پایان نماز سلام دهد

از جناب شیخ سوال شد: هرگاه امام (قبل از آنکه نماز خود را کامل کند) سلام دهد و سپس فردی که مسبوق است (با سلام امام) بلند شود تا ادامه‌ی نمازش را بخواند، بعد امام متوجه نقص نماز خود می‌شود و بلند می‌شود تا رکعت باقی مانده‌اش را بخواند، آیا مسبوق با امام همراه شود یا خیر؟

ایشان جواب دادند: آری، (مسبوق) باز گردد و با امام همراه شود هرچند که بلند شده باشد، سپس بعد از سلام امام برخواسته و باقی نمازش را بخواند، و اگر ما می‌گوییم که او بازگردد برای آنست که او برایش معلوم می‌شود که امام هنوز از نمازش فارغ نشده است.^۲

حکم فرد مسبوقی که فراموش می‌کند با سلام امام بلند شود و مابقی نمازش را بخواند

مسبوق فراموش می‌کند که با سلام امام بلند شود و مابقی نمازش را بخواند بلکه با او سلام می‌دهد، آیا بعد از آنکه بیاد آورد و نمازش را کامل نمود لازم است سجده‌ی سهو ببرد؟^۳

جواب: آری، لازم است که پس از اتمام نمازش سجده‌ی سهو بجای آورد، البته مأوم اگر از ابتدای جماعت همراه امام بود و احیاناً دچار سهوی شد لازم نیست سجده‌ی سهو ببرد ولی چنانچه مسبوق بود اگر سهوی مرتکب شد باید در انتهای نمازش سجده‌ی سهو

۱- شماره سؤال: ۶۵۸.

۲- شماره سؤال: ۶۶۰.

۳- توجه: این سوال از کتاب مجموع فتاوی ابن عثیمین نیست، و از منبع دیگری است. (در کل هر سوالی که شماره‌ی آن در پاورقی قید نشده بود، آن سوال خارج از مجموع فتاوی شیخ هستند).

ببرد.

امام نووی رحمته می‌گوید: «اگر مأموم پشت سر امام دچار سهو گشت، امام سهو او را متحمل می‌شود، و لازم نیست هیچکدام از مأموم‌ها سجده‌ی سهو ببرند و در این خلافتی بین علما نیست، شیخ ابو حامد گوید: و این رأی جمیع علما بجز مکحول است، چرا که او می‌گوید مأموم به خاطر سهو خود (جدای از امام) سجده می‌برد»^۱.

و دلیل آن نیز این فرموده‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله است: «إِنَّمَا جُعِلَ الْإِمَامُ لِيُؤْتَمَّ بِهِ فَلَا تَخْتَلِفُوا عَلَيْهِ»^۲. یعنی: «امام برای این قرار داده شده است تا از وی پیروی شود، پس از او تخلف نکنید».

درحالی‌که اگر مأموم خود سجده‌ی سهو ببرد در حقیقت از امام تخلف ورزیده است. اما اگر مسبوق باشد، باید در پایان نماز خود سجده‌ی سهو بجای آورد، زیرا او بقیه‌ی نماز خود را بصورت منفرد خوانده و لذا اگر در انتها سجده‌ی سهو ببرد با امام مخالفت نکرده است.

امام نووی رحمته می‌گوید: «و اگر فرد مسبوق باشد و بعد از سلام امام دچار سهوی شد، در آنصورت امام سهو او را متحمل نمی‌شود زیرا اقتدای مأموم به امام قطع شده است»^۳. و شیخ ابن عثیمین رحمته می‌گوید: «اگر مأموم در نماز خود دچار سهو شد و او مسبوق بود، در آنصورت اگر سهو او باعث واجب شدن سجده‌ی سهو باشد بایستی در پایان نماز سجده‌ی سهو ببرد»^۴.

بنابراین اگر شخص مسبوق با سلام امام سهوا سلام داد، بر او واجب است ابتدا بلند شده و نماز خویش را کامل کند و بعد از اینکه سلام داد دو سجده‌ی سهو ببرد و باز

۱- المجموع: ۶۳/۴.

۲- روایت بخاری: ۷۲۲، و مسلم: ۴۱۴.

۳- المجموع: ۶۴/۴.

۴- مجموع الفتاوی: ۱۴/شماره ۶۹۸.

سلام دهد.

والله أعلم.

هرگاه مسبوق اشتباهاً با امام سلام دهد، ولی بعداً بیاد آورد و نمازش را

ادامه دهد

سوال: شخصی در رکعت دوم نماز عصر به امام ملحق می‌شود، و هنگامی که امام نماز خود را به انتها رساند و سلام داد او (مسبوق) نیز به اشتباه با امام سلام می‌دهد، آیا بعد از آنکه متوجه خطای خود گشت و نمازش را ادامه داد بر او لازم است تا سجدهی سهو ببرد؟

جواب: آری، بر مسبوق لازم است تا بعد از آنکه نمازش را کامل کرد به سجدهی سهو برود، و محل سجدهی سهو در این حالت بعد از سلام خواهد بود. اما قابل ذکر است که اگر مأموم در نماز خود مرتکب سهوی شود، او نیازی نیست سجدهی سهو انجام دهد، زیرا امام سهو وی را متحمل می‌شود.^۱

امام نووی رحمته در «المجموع» می‌گوید: «هرگاه (مأموم) پشت سر امام مرتکب سهو شد، امام سهو وی را تحمل خواهد کرد، و هیچیک از آن دو (امام و مأموم) سجدهی سهو نمی‌برند و در این خلافتی بین اهل علم نیست. شیخ ابو حامد^۲ می‌گوید: و این رأی تمامی علما بجز مکحول است، چرا که او می‌گوید: مأموم خود باید سجدهی سهو بجای آورد»^۳. و دلیل آن نیز این فرموده‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله است: «إِنَّمَا جُعِلَ الْإِمَامُ لِيُؤْتَمَّ بِهِ فَلَا تَخْتَلِفُوا

۱- البته بجز آنکه مأموم رکنی از نمازش را انجام نداده باشد، زیرا در این حالت بعد از سلام امام بایستی آن رکن را انجام دهد و بعد نمازش را ادامه دهد تا به پایان می‌رسد.

۲- مراد، امام محمد غزالی رحمته است.

۳- المجموع: ۶۳/۴.

عَلَيْهِ». یعنی: «همانا امام برای این قرار داده شده، تا به او اقتدا شود، پس از وی تخلف نکنید». و سجده‌ی سهو مأوموم، تخلف از امام خواهد بود، پس جایز نیست. اما اگر نمازگزار مسبوق باشد و بعد از سلام امام مرتکب سهوی در نمازش شود، در این حالت بر او لازم است تا در پایان نمازش سجده‌ی سهو بجای آورد. امام نووی رحمته می‌گوید: «و اگر (نمازگزار) مسبوق باشد و بعد از سلام امام سهوی انجام داد، (در این حالت) امام سهو وی را متحمل نخواهد کرد، زیرا پیروی و اقتدا (ی مسبوق از امام) قطع شده است»^۲.

و در کتاب دائرة المعارف فقهی آمده: «هرگاه مسبوق بعد از سلام امام سهواً سلام داد، او نمازش را ادامه دهد و (در انتها) سجده‌ی سهو انجام دهد»^۳.

حکم کسی که سهواً قبل از اتمام نماز سلام دهد، و غذا بخورد و سپس یادش بیاید

از جناب شیخ سوال شد: درباره‌ی نمازگزاری که (قبل از آنکه نمازش را کامل کند) به گمان آنکه نمازش تمام شده (زودتر) سلام دهد، و بعد از آن افعالی را انجام می‌دهد که منافی (یا باطل کننده‌ی) نماز هستند، مثلاً آب یا غذا می‌خورد، سپس بیاد می‌آورد که قسمتی از نمازش باقی مانده است حکم چیست؟

۱- بخاری: ۷۲۲، و مسلم: ۴۱۴.

۲- المجموع: ۶۴/۴.

۳- الموسوعة الفقهية: ۲۰۶/۸.

۴- خوردن و نوشیدن در اثنای نماز موجب باطل شدن نماز می‌گردد. امام ابن منذر می‌گوید: «علماء اجماع کرده‌اند بر اینکه اگر کسی در نماز فرض، عمداً بخورد یا بیاشامد لازم است نمازش را اعاده کند». الإجماع: ۴۰.

و نزد جمهور علماء، نماز سنت نیز همینطور است، چون چیزی که فرض را باطل کند، سنت را نیز باطل می‌کند. (مختصر فقه، دکتر عبدالعظیم بن بدوی).

جواب دادند: بنا را بر سابق قرار دهد (و بازگشته نمازش را از جایی که مانده ادامه بدهد)، زیرا فعل او (خوردن یا نوشیدن) که منافی نماز است بر این مبنا انجام داده که (به گمانش) نمازش تمام شده است، پس این فعل به دلیل فراموشی از وی صادر گشته و یا آنکه به حقیقت حال جاهل بوده، و فراموشی و جهل دو عذری هستند که (حکم) فعل نهی شده (در نماز را) که در اینجا خوردن یا نوشیدن است ساقط می‌کند، و پیامبر ﷺ و اصحابش در نماز خود همینگونه (عمل می‌کردند) با وجود آنکه مرتکب افعالی منافی نماز مانند سخن گفتن می‌شدند. اما اگر فعل منافی نماز (عملی باشد که موجب) نقض وضو باشد، پس بنا را بر سابق قرار ندهد (و نمازش را از نو بخواند)، زیرا اگر وضویش باطل شود بدلیل بی‌وضوئی بین نماز انقطاع ایجاد می‌شود و لذا پیگیری ادامه نماز غیرممکن خواهد شد. و خلاصه‌ی جواب سوال کننده: با توجه به اینکه خوردن و نوشیدن جدا کننده‌ی بین نمازش بوده، پس او بنا را بر سابق قرار دهد و نمازش را (از جائیکه باقی مانده) ادامه دهد و در انتها بعد از سلام سجده‌ی سهو ببرد (و باز سلام دهد).^۱

حکم امامی که در نمازهای خفیه، فاتحه را جهری بخواند

اگر امام در نماز سریه^۲ مثل عصر یا ظهر، فاتحه را بصورت جهری بخواند و بعضی از نمازگزاران وی را متوجه (اشتباهش) نمایند.. آیا در این حال او سجده‌ی سهو ببرد؟ و آیا این عمل نقص یا زیادتی در نماز است؟

سجده‌ی سهو در این حالت واجب نیست، زیرا نهایت آن اینست که او به سستی (در نماز خود) خلل وارد کرده و آن (ترک) سنت اسرار در نماز سریه است، و بر اوست (که

۱- شماره سؤال: ۶۷۵.

۲- نمازهای سریه یا خفیه نمازهایی هستند که در آنها امام سوره‌ی فاتحه و سوره‌ی بعد از آنرا بصورت خفی و سری می‌خواند، که عبارتند از نماز: ظهر و عصر، و نمازهای صبح و مغرب و عشاء را جهریه می‌نامند، زیرا امام در رکعت اول و دوم آنها سوره‌ی فاتحه را با صدای بلند می‌خواند.

بداند) گاهی سنت اینست که امام (طوری قرائت کند) تا دیگران بشنوند، این امر در حدیث ابی قتاده رضی الله عنه تصریح شده و (حدیث) در صحیحین ثابت است که پیامبر صلی الله علیه و آله گاهی آیات را در قرائت (نماز) سریه بگونه‌ای (بلند) می‌خواند و به گوش دیگران می‌رساند.^۱ و سجده‌ی سهو در این حالت بر او واجب نیست، اما اگر سجده بُرد ایرادی ندارد. و محل سجده در این حالت بعد از سلام است، زیرا جهر جزو زیادت (در نماز سریه) محسوب می‌شود، و اگر قبل از سلام نیز سجده ببرد باز ایرادی ندارد.^۲

ب: نقص در نماز

حکم ترک عمدی رکن یا واجب یا سنتی در نماز

آیا اگر انسان عمداً رکن یا واجب یا سنتی را در نماز نافله یا فرض ترک کند، انجام سجده‌ی سهو مشروع است؟

در حالت عمدی (سجده‌ی سهو) مشروع نیست، زیرا اگر ترک رکن یا واجبی از نماز عمدی باشد، نماز باطل خواهد شد و سجده‌ی سهو نفعی در آن ندارد (آن را جبران نمی‌کند)، و اگر سنتی از نماز را عمداً ترک کند نمازش صحیح است و در اینجا ضرورتی برای جبران آن بوسیله‌ی سجده‌ی سهو نیست.^۳

۱- حدیث روایت شده از قتاده رضی الله عنه در صحیحین چنین است: «عن أبي قتادة رضی الله عنه قال: كان رسول الله صلی الله علیه و آله يُصلي بنا فيقرأ في الظهر والعصر في الركعتين الأولىين بفاتحة الكتاب وسورتين ويسمعنا الآية أحياناً ويُطوّل الركعة الأولى ويقرأ في الأخرين بفاتحة الكتاب». متفقٌ عليه: بخاری ۷۷۶.

«ابو قتاده رضی الله عنه گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای ما نماز (جماعت) می‌خواند و در دو رکعت اول نماز ظهر و عصر سوره‌ی فاتحه و سوره‌ی دیگر قرائت می‌کرد و گاهی بعضی از آیات را به گونه‌ای می‌خواند که ما می‌شنیدیم (ما را می‌شنوید) و رکعت اول را طولانی می‌کرد و در دو رکعت آخر (فقط) سوره‌ی فاتحه را می‌خواند».

۲- شماره سؤال: ۶۶۷.

۳- شماره سؤال: ۶۶۳.

حکم فراموش کردن تکبیره الاحرام

اگر کسی گفتن تکبیره الاحرام را سهواً ترک کند حکم آن چیست؟^۱

اگر نمازگزار عمداً یا سهواً گفتن تکبیره الاحرام را ترک کند، نماز وی منعقد نشده است، زیرا نماز جز با خواندن تکبیره الاحرام (آغازین نماز) منعقد نخواهد شد، پس اگر فرض کنیم شخصی در صف نماز قرار بگیرد و با دعای افتتاح شروع کند و بعد فاتحه را بخواند و ادامه دهد، ما می‌گوییم که نمازش اصلاً منعقد نشده هرچند که تمام رکعات آنرا بخواند.^۲

حکم کسی که دعای افتتاح را فراموش کند

از جناب شیخ سوال شد: اگر نمازگزار دعای افتتاح را ترک گفت، آیا سجده‌ی سهو بر او واجب می‌شود؟^۳

جواب دادند: سجده‌ی سهو بر او واجب نیست، زیرا او عمداً آنرا ترک کرده و نمازش را باطل نمی‌کند، زیرا (دعای افتتاح) سنت است (نه رکن یا واجب)، اما اگر او معمولاً عادت داشته که غالباً در نمازش آن دعا را می‌خوانده و این بار او سهواً فراموش کرده آن را بخواند، در اینحالت برایش سنت است تا سجده‌ی سهو ببرد، زیرا دعای افتتاح قول مشروعی (در نماز) است و او فراموش کرده آنرا بخواند، پس با سجده‌ی سهو آن را

۱- شماره سؤال: ۶۷۷.

۲- پس بایستی از نو نمازش را بخواند، زیرا بدون تکبیره الاحرام نمازی نیست. از علی بن ابی طالب روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: «مِفْتَاحُ الصَّلَاةِ الظُّهُورُ وَتَحْرِيمُهَا التَّكْبِيرُ وَتَحْلِيلُهَا التَّسْلِيمُ» «کلید نماز، وضو، تحریم آن، تکبیره الاحرام، و پایان آن سلام است». [صحیح ابن ماجه: ۲۲۲].

و از ابوهریره ؓ روایت است که پیامبر ﷺ به کسی که نمازش را بد خوانده بود فرمود: «إِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ فَكَبِّرْ» «هرگاه خواستی نماز بخوانی، الله اکبر بگو». [متفق علیه، بخاری: ۲۷۷، مسلم: ۳۹۷].

۳- شماره سؤال: ۷۰۲.

جبران می‌کند.^۱

حکم فراموش کردن قرائت فاتحه در نماز

از جناب شیخ سوال شد: اگر قرائت فاتحه رکنی از ارکان نماز است که نماز بدون خواندن آن صحیح نیست، پس حکم امام یا مأمومی که خواندن فاتحه را (در یکی از رکعت‌های نماز) فراموش می‌کند چیست؟^۲

جواب دادند: این سوال دو وجه دارد، فاتحه رکن است و نماز بدون خواندن فاتحه در تمام رکعات آن صحیح نیست، پس اگر امام (مثلاً در نماز سریه) در رکعت اول خواندن فاتحه را فراموش کرد، و تا آغاز رکعت دوم متوجه نشد، آن رکعت دوم بعنوان رکعت اول او محسوب می‌شود، و بر این مبنا لازمست تا (در آخر نماز)، رکعت دیگری را نیز بجای رکعت ناقص که در آن فاتحه را ترک کرده بود بخواند. و مأموم در این حالت نباید (در رکعتی که امام در انتهای نماز بعنوان جایگزین رکعت ناقص می‌خواند) از او پیروی کند (و با او برخیزد)^۳ بلکه در همان حالت تشهد بنشیند ولی منتظر امام بماند و با او سلام دهد.

اما به نسبت مأموم، هرگاه (خواندن فاتحه) را در رکعتی ترک کرد، چنانکه معتقد است که قرائت فاتحه بر مأموم واجب نیست، پس امر واضح است و چیزی بر او نیست. اما

۱- در کل قاعده چنین است: اگر کسی یکی از سنت‌های نماز را سهواً فراموش کرد، از دو حالت زیر خارج نیست:

اول: نمازگزار عادت داشته که معمولاً آن عمل را در نماز خود انجام می‌داده است، در اینحالت انجام سجده‌ی سهو برای او مستحب است، و محل آن قبل از سلام است، زیرا سهو در نقص بوده است.
دوم: اگر نمازگزار عادت نداشته که آن عمل را انجام دهد، و بلکه فقط برخی اوقات آن را انجام می‌داده، در اینحالت انجام سجده‌ی سهو برایش مستحب نیست.

۲- شماره سؤال: ۶۷۶.

۳- زیرا همانطور که سابقاً گفته شد؛ پیروی از امام در رکعت اضافه جایز نیست.

اگر معتقد باشد که قرائت فاتحه رکنی در حق اوست^۱، پس او بمانند امام هرگاه خواندن فاتحه را ترک کرد بعد از سلام امامش بلند شود و رکعتی بخواند، مگر آنکه او زمانی به جماعت ملحق شود که امام در حالت رکوع باشد و یا آنکه امام (هنوز به رکوع نرفته) و در قیام است ولی قبل از آنکه (مأموم) فاتحه را تمام کند امام به رکوع برود، در این حالت (خواندن فاتحه یا ادامه‌ی فاتحه) در رکعت اول از او ساقط می‌شود.^۲

کسی که در ابتدا خواندن فاتحه را فراموش کند ولی بعداً بیاد آورد و آن را بخواند

از جناب شیخ سوال شد: هرگاه نمازگزار فراموش کند فاتحه را بخواند و بلافاصله

۱- فقها در مورد وجوب قرائت فاتحه برای مأموم در نماز جماعت سه رأی متفاوت دارند: عده‌ای از فقها مانند شافعیه گفته‌اند که خواندن فاتحه برای مأموم در تمام رکعت‌های نمازهای سریه و جهریه واجب است، و عده‌ای دیگر مانند حنفیه گفته‌اند که خواندن فاتحه برای مأموم در هیچیک از رکعت‌های نمازهای سریه و جهریه واجب نیست، و بعضی دیگر مانند امام احمد رحمه‌الله گفته‌اند که خواندن فاتحه برای مأموم فقط در دو رکعت اول نمازهای جهریه واجب نیست و بلکه بایستی به قرائت امام گوش دهد. والله اعلم

۲- هرگاه امام در رکوع بود و شخصی در این هنگام به جماعت ملحق شد، بشرطیکه موفق شود که در رکوع به امام برسد، پس آن رکعت برای او بعنوان یک رکعت در نظر گرفته می‌شود هرچند که او فاتحه و سوره را همراه امام نبوده است، زیرا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «إِذَا جِئْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ وَنَحْنُ سُجُودٌ فَاسْجُدُوا وَلَا تَعْدُوهَا شَيْئًا وَمَنْ أَدْرَكَ الرُّكْعَةَ فَقَدْ أَدْرَكَ الصَّلَاةَ» «هرگاه برای نماز آمدید و ما در حال سجده بودیم شما هم به سجده بروید و آنرا (رکعتی) به حساب نیاورید و کسی که رکوع را دریابد، رکعت را دریافته است». [ابوداود: ۸۷۵].

همچنین اگر مأموم دیر به رکعت اول رسید و او قبل از آنکه قرائت فاتحه را تمام کند، امام به رکوع رفت، مأموم لازم نیست تا فاتحه را کامل بخواند و بلکه با امام به رکوع برود، زیرا پیروی از امام واجب است و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: «إِنَّمَا جُعِلَ الْإِمَامُ لِيُؤْتَمَّ بِهِ فَلَا تَخْتَلِفُوا عَلَيْهِ، فَإِذَا رَكَعَ فَارْكَعُوا... إِلَى أَنْ قَالَ: وَإِذَا سَجَدَ فَاسْجُدُوا». [متفق علیه از حدیث ابوهریره رضی‌الله‌عنه].

یعنی: «همانا امام برای این قرار داده شده، که به او اقتدا شود، پس از وی تخلف نکنید و هرگاه تکبیر گفت، تکبیر بگویید، و اگر رکوع کرد شما نیز به رکوع بروید... تا جائیکه فرمود: و هر وقت به سجده رفت شما نیز به سجده بروید».

بعد از دعای افتتاح شروع به خواندن سوره نماید، سپس در خلال خواندن آن بیاد آورد و بازگشت و فاتحه را خواند و بعد از آن سوره‌ای را که قبلاً می‌خواند، بخواند، و او در نفس خود چنین احساس کند که مرتکب سهوی شده است، آیا سجده‌ی سهو انجام دهد؟

جواب دادند: سجده‌ی سهو بر او واجب نیست، زیرا او چیزی را در نماز تغییر نداده است، بجز اینکه ذکر مشروعی (خواندن سوره) را در غیر موضع خود خوانده است و آن خواندن سوره قبل از قرائت فاتحه بوده است، و اهل علم سجده‌ی سهو را برای او مستحب دانسته‌اند ولی بر او واجب نیست.^۱

حکم کسی که در رکعت اول انجام سجده‌ی دوم را فراموش کند

از جناب شیخ سوال شد: درباره‌ی مردی که نماز می‌خواند و در رکعت اول بعد از آنکه سجده‌ی اول را انجام داد برای رکعت دوم بلند می‌شود، هنگامی که قرائت فاتحه را (در رکعت جدید) شروع می‌کند بیاد می‌آورد که او فقط یک سجده انجام داده، حکم چیست؟^۲

جواب دادند: اگر نمازگزار قبل از آنکه به محل سجده در رکعت دوم برسد، و بیاد آورد، واجب است تا (به محل سجده) بازگردد و بین دو سجده بنشیند و بعد سجده (فراموش شده) را انجام دهد، بعد نمازش را ادامه و پایان ببرد و بعد از سلام سجده‌ی سهو ببرد (و باز سلام دهد).

اما اگر تا رسیدن به محل سجده در رکعت بعدی، بیاد نیاورد، در این حالت رکعت اول را (که در آن فقط یک سجده انجام داده بود) ملغی کند و آن رکعت (دوم) را

۱- شماره سؤال: ۷۲۲.

۲- شماره سؤال: ۶۷۸.

جایگزین آن نماید.^۱

هرگاه نمازگزار انجام سجدهی دوم را فراموش کند و بعد از سلام بیاد آورد

از جناب شیخ سوال شد: هرگاه نمازگزار انجام سجدهی دوم را فراموش کرد و بعد از سلام دادن بیاد آورد چکار کند؟

جواب دادند: اگر سجدهی دوم رکعت آخر بود، او بایستی (بازگردد) و سجده را انجام دهد و تشهد آخر را (دوباره بخواند) و سلام دهد و سپس دو سجدهی سهو بجای آورد و سلام دهد.

اما اگر سجدهی دوم متعلق به رکعت ماقبل رکعت آخر بود، پس آن رکعتی را که در آن سجده را فراموش کرده ملغی کند و رکعت بعد از آن (یعنی رکعت آخر) را جایگزین آن نماید، و (لذا در اینحالت) او نیاز دارد تا (باز گردد و) رکعتی دیگر بخواند و سپس سلام دهد و سجدهی سهو بجای آورد و سلام دهد.^۲

حکم کسی که در رکعت آخر سجدهی دوم را فراموش می کند و سلام می دهد

از جناب شیخ سوال شد: دربارهی مردی که نماز می خواند و هنگامی که از آن فارغ گشت بیاد می آورد که در رکعت آخر فقط یک سجده انجام داده، آیا (باید) بازگردد و رکعت (آخر) را تکرار کند، چه کاری انجام دهد؟

جواب دادند: بر اساس قول صحیح، او لازم نیست تا (بازگردد و) یک رکعت کامل بخواند، و بلکه فقط عملی را که ترک کرده و ما بعد آن را انجام دهد، زیرا ماقبل عمل

۱- و نمازش را ادامه داده و بپایان برساند و بعد از سلام دو سجدهی سهو ببرد و باز سلام دهد.

۲- شماره سؤال: ۷۱۱.

ترک شده در محل خود بنحو صحیح انجام شده است پس نیازی نیست تا بار دیگر آن را (یعنی ماقبل عمل متروک را) انجام دهد. اما (در مورد) مابعد عمل ترک شده می‌گوییم: به دلیل رعایت ترتیب، واجب است انجام شود.

و بر این اساس در این حالت می‌گوییم: بازگرد و بین دو سجده بنشین و سجده‌ی دوم (را که فراموش کرده بودی) بخوان، سپس تشهد را بخوان و سپس سلام بده، و بعد سجده‌ی سهو ببر و سلام بده.^۱

حکم کسی که تشهد اول را فراموش می‌کند و در رکعت سوم بیاد آورد

از جناب شیخ سوال شد: درباره‌ی نمازگزاری که تشهد اول (را فراموش می‌کند) و بلند می‌شود، ولی قبل از آنکه شروع به خواندن فاتحه (رکعت بعدی) نماید بیاد می‌آورد، آیا او در این حالت باید بازگردد؟ و چه وقت سجده‌ی سهو ببرد، قبل از سلام یا بعد از آن؟

جواب دادند: در این حالت بازنگردد، زیرا او بطور کامل از تشهد جدا گشته و به رکن بعد از آن رسیده است^۲، پس بازگشت برای او مکروه است، و البته اگر بازگردد نمازش باطل نمی‌شود، زیرا عمل حرامی انجام نداده، ولی بر او واجب است تا (در انتهای نمازش) سجده‌ی سهو ببرد که محل آن قبل از سلام است.

و بعضی از علما فرموده اند که بر او واجب است تا از آن (تشهد) بگذرد و بازنگردد و (بجای آن) سجده‌ی سهو بجای آورد تا نقص (وارد در نمازش) جبران شود، و محل سجده باید قبل از سلام باشد^۳.

۱- شماره سؤال: ۶۸۰.

۲- هرگاه نمازگزار عمل واجبی را سهواً ترک نمود؛ چنانچه به رکن بعد از آن عمل واجب رسید، دیگر نباید بازگردد. ولی اگر هنوز به رکن بعدی نرسیده است، او بایستی باز گردد.

۳- شماره سؤال: ۶۸۳.

آیا بر کسی که تشهد اول را نخواند ولی بعداً جبران کند، سجدهی سهو لازم است؟

از جناب شیخ سوال شد: اگر نمازگزار تشهد اول را ترک کند و بلند شود اما قبل از آنکه بطور کامل قیام کند بازگردد، آیا سجدهی سهو برای وی مشروع شده است؟^۱
جواب دادند: اگر تشهد اول را فراموش کرد و (برای رکعت بعد) برخاست اما کاملاً قائم نایستاده بود، بر او واجب است تا اگر بیاد آورد بازگردد، زیرا او هنوز به رکن بعد آن نرسیده است.^۲

اما آیا سجدهی سهو بر او واجب می‌شود یا خیر؟

جواب: بعضی از علما گفته اند: سجدهی سهو بر او واجب نمی‌شود، زیرا هنوز به رکن بعدی نرسیده است، و نیز برای آنکه حدیثی (از پیامبر ﷺ) در این مورد وارد شده است، که البته این حدیث خالی از ضعف نیست.^۳

۱- شماره سؤال: ۷۳۲.

۲- اگر بطور کامل قائم بایستد نباید بازگردد زیرا او بطور کامل وارد رکن بعد از تشهد که همان قیام رکعت سوم است شده است، در اینحالت کافیت نمازش را ادامه دهد و در پایان قبل از سلام دو سجدهی سهو بجای آورد و بعد سلام دهد.

۳- حدیث مورد اشاره، روایتی است که امام ابوداود در سنن خود از طریق مغیره بن شعبه رضی الله عنه آورده است که او گفت: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا قَامَ الْإِمَامُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ فَإِنْ ذَكَرَ قَبْلَ أَنْ يَسْتَوِيَ قَائِمًا فَلْيَجْلِسْ فَإِنْ اسْتَوِيَ قَائِمًا فَلَا يَجْلِسْ وَكَسَجُدْ سَجْدَتَيِ السَّهْوِ». [أبو داود: ۱۰۳۶، و ترمذی: ۳۶۴ و ۳۶۵].

یعنی: «رسول خدا ﷺ فرمود: هرگاه امام در رکعت دوم (بدون خواندن تشهد اول) برخاست، چنانچه قبل از آنکه کاملاً راست بایستد بیاد آورد، پس بنشیند (و تشهدش را بخواند)، و اگر تماماً راست ایستاد و در قیام قرار گرفت، نیازی نیست بنشیند بلکه دو سجدهی سهو بجای آورد».

در سند این روایت فردی بنام «جابر الجعفی» وجود دارد که امام ابوداود در مورد وی گفته: «در کتاب من روایتی جز این حدیث از جابر جعفی وجود ندارد». و امام ابن عبدالبر در «التمهید» و ذهبی در «المهذب» این حدیث را به دلیل وجود این شخص، معتبر نمی‌دانند، و حافظ ابن حجر حدیث را در «تخریج مشكاة»

و بعضی دیگر از آنها گفته‌اند: نگاه کند، اگر به قیام نزدیک‌تر بود پس سجده‌ی سهو بر وی واجب است، و اگر به نشستن تشهد نزدیک‌تر باشد سجده‌ی سهو بر وی واجب نمی‌شود، پس اگر (در هر حال) چنانچه سجده‌ی سهو انجام داد ما آنرا بر او انکار نمی‌کنیم و اگر سجده نبرد ما وی را برای آن امر نمی‌کنیم.

حکم پیروی از امامی که خواندن تشهد اول را فراموش کند

از جناب شیخ سوال شد: اگر امام فراموش کند و تشهد اول را نخواند و بلند شد، آیا مأموم در این حالت از امام پیروی کند در حالیکه می‌داند که او تشهد اول را نخوانده؟^۱ جواب دادند: آری، بر مأموم لازمست هرگاه امام تشهد اول را سهواً ترک کرد و بلند شد، از او پیروی کند، هرچند که مأموم متوجه آن سهو باشد.^۲

حکم کسی که ذکر «سبحان ربی العظیم» را در رکوع فراموش کند

از جناب شیخ سوال شد: درباره‌ی مردی که فراموش می‌کند در رکوع بگوید «سبحان ربی العظیم» حکم چیست؟ و چه وقت باید سجده‌ی سهو ببرد؟ قبل از سلام یا بعد از آن؟ جواب دادند: هرگاه نمازگزار از رکوع برخاست و ذکر «سبحان ربی العظیم» را نخواند، چنانکه قبل از آنکه (کاملاً) قائم بایستد، بیاد آورد^۳، بر او لازمست تا بازگردد (و ذکر را بخواند)، ولی اگر (بطور کامل کمرش) راست شد، بازگشت بر او حرام است، و بلکه بایستی سجده‌ی سهو بجای آورد، زیرا واجبی را در نماز ترک کرده، و بایستی قبل

المصباح (۴۵۳/۱) حسن می‌داند، و شیخ البانی در «السلسلة الصحيحة» (۵۸۶/۵) گفته: حدیث به مجموع طرق آن، صحیح است.

۱- شماره سؤال: ۶۹۶.

۲- و این برخلاف حالتی است که امام از تشهد آخر بلند می‌شود.

۳- در این حالت نماز گزار هنوز وارد رکن بعد از عمل واجب (سبحان ربی العظیم) نشده است، پس بایستی بازگردد.

از سلام باشد زیرا آن سجده به دلیل نقص (در نماز) است.^۱

حکم مأمومی که در نماز جماعت ذکر «سبحان ربی الأعلی» را فراموش کند

از جناب شیخ سوال شد: درباره‌ی مردی که همراه امام خود نماز عصر را بطور کامل از اول آن می‌خواند، اما در یکی از سجده‌های نماز ذکر «سبحان ربی الأعلی» را سهواً نمی‌خواند، آیا او باید سجده‌ی سهو ببرد یا خیر؟

جواب دادند: به این مرد می‌گوییم سجده‌ی سهو بر تو لازم نیست، زیرا در این حالتی که ذکر شد (قاعدتا) سجده‌ی سهو می‌بایست قبل از سلام باشد، و واضح است که اگر (مأموم) قبل از سلام سجده‌ی سهو ببرد با امام مخالفت کرده (و از متابعت او خارج می‌شود)، درحالی‌که قاعده چنین است که عمل واجب با پیروی کردن مأموم از امام، از وی (مأموم) ساقط می‌شود، و سجده‌ی سهو (نیز در این حالت) واجب است، پس (این عمل واجب) به دلیل متابعت مأموم از امام ساقط می‌شود (نیازی به سجده‌ی سهو نیست).^۲

حکم مسبوقی که در نماز جماعت ذکر «سبحان ربی العظیم» را فراموش کند

از جناب شیخ سوال شد: درباره‌ی شخص مسبوقی که فراموش می‌کند تا در رکوع «سبحان ربی العظیم» بگوید، و او در رکعت دوم به امام ملحق شده، آیا سجده‌ی سهو بر او واجب است یا خیر؟^۳

جواب دادند: آری، سجده‌ی سهو بر او واجب است، زیرا او واجبی را ترک کرده، پس

۱- شماره سؤال: ۶۸۵.

۲- شماره سؤال: ۶۹۷.

۳- شماره سؤال: ۶۹۸.

هرگاه رکعت باقی مانده اش را (پس از سلام امام) خواند بر او واجب است تا به دلیل ترک واجب، سجده‌ی سهو بجای آورد، زیرا او در این حالت با انجام سجده‌ی سهو با امام مخالفت نمی‌کند^۱، زیرا او در جبران رکعت باقی مانده‌اش از نماز منفرد شده است (و به تنهایی نمازش را ادامه می‌دهد).

پس به وی می‌گوییم: هرگاه مأموم در نمازش سهوی مرتکب شد و او مسبوق بود، بر او واجب است تا سجده‌ی سهو انجام دهد البته اگر سهوی که مرتکب شده موجب وجوب سجده باشد^۲.

ج: شک در نماز

کسی که در نمازش شک کند که چند رکعت نماز خوانده

مردی نماز (عصر) را خواند و شک کرد که آیا سه رکعت خوانده یا چهار رکعت؟ و او نزد خود چنین ترجیح داد که چهار رکعت خوانده، حال چکار کند؟ و چه وقت سجده‌ی سهو بجای آورد، قبل از سلام یا بعد از آن؟

به او می‌گوییم چهار رکعت را در نظر بگیر، زیرا خودت نیز آنرا ترجیح دادی، و یا اگر ترجیح داد که سه رکعت خوانده پس سه رکعت را در نظر بگیرد و ادامه‌ی نمازش را بخواند، و در هر دو حالت بعد از سلام سجده‌ی سهو بجای آورد^۳، و دلیل آن حدیث ابن مسعود رضی الله عنه است که در آن پیامبر صلی الله علیه و آله به کسی که شک کرده بود که آیا سه رکعت خوانده یا

۱- چون بعد از سلام امام، او بلند شده و بطور انفرادی نمازش را ادامه می‌دهد.

۲- باید توجه نمود که این حکم برای شخص مسبوق است نه مأموم، زیرا مأموم با سلام امام نمازش تمام می‌شود، ولی فرد مسبوق با سلام امام هنوز قسمتی از نمازش باقی مانده و او بایستی بلند شود و تنهایی مابقی نمازش را بخواند.

۳- چون در هر دو حالت (هم چهار رکعت و هم سه رکعت) نمازگزار توانسته آنرا ترجیح دهد، و بر طبق قاعده هرگاه نمازگزار در مسئله‌ای در شک افتاد ولی یکی از دو امر را ترجیح داد لازمست تا بعد از سلام سجده‌ی سهو ببرد.

چهار رکعت؟ فرمود: «فَلْيَتَحَرَّ الصَّوَابَ ثُمَّ لِيُتِمَّ عَلَيْهِ - يَبْنِي عَلَى التَّحْرِی - ثُمَّ لِيَسْجُدْ سَجْدَتَيْنِ بَعْدَ أَنْ يَسْلَمَ»^۱. یعنی: «هرگاه یکی از شما در نماز خویش در شک افتاد (و ندانست چند رکعت خوانده است)، سعی کند که صحیح‌ترین آن را بیاد آورد و نمازش را بر اساس آن کامل کرده، بعد سلام گوید سپس دو سجدهی سهو، بجای آورد»^۲.

اگر کسی در انجام سجدهی دوم شک داشته باشد

از جناب شیخ سوال شد: اگر نمازگزار شک کند که آیا سجدهی دوم را انجام داده یا خیر چکار کند؟^۳

جواب دادند: اگر شک کند که آیا سجدهی دوم را انجام داده (یا خیر) بایستی بازگردد و آن را انجام دهد و (در انتها) سجدهی سهو بجای آورد.^۴

کسی که در ترک یکی از ارکان نماز مانند سجده شک کند

از جناب شیخ سوال شد: درباره‌ی نمازگزاری که هرگاه در ترک رکنی شک کند، مثلاً برای رکعت دوم بلند شده و شک کند که آیا در رکعت اول دو سجده انجام داده یا یک سجده؟ و او هیچکدام (از آن دو امر) را نمی‌تواند ترجیح دهد؟

جواب دادند: هرگاه کسی در ترک رکنی شک نمود و نتوانست چیزی را ترجیح دهد، پس اصل بر عدم انجام (کامل) فعل است، و لذا به سوال کننده می‌گوییم: بازگرد و بین دو سجده بنشین، سپس سجده (دوم) را انجام بده و بعد نمازت را ادامه و تمام کن، و در آخر بعد از سلام، دو سجدهی سهو ببر.^۵

۱ - بخاری: ۴۰۱.

۲ - شماره سؤال: ۶۸۶.

۳ - شماره سؤال: ۷۴۰.

۴ - سجدهی سهو باید قبل از سلام نماز باشد.

۵ - شماره سؤال: ۶۸۹.

کسی که در ترک یکی از ارکان نماز شک کند ولی در نهایت یکی را

ترجیح دهد

از جناب شیخ سوال شد: درباره‌ی نمازگزاری هرگاه در انجام رکنی شک کند، مثلاً برای رکعت دوم بلند شده و شک کند که آیا (در رکعت اول) دو بار سجده برده یا یکبار؟ ولی در نهایت ترجیح می‌دهد که دو سجده انجام داده است، حکم چیست؟^۱

جواب دادند: حکم در این مسئله چنین است: با توجه به اینکه او ترجیح داده که دو بار سجده انجام داده است، پس او فاعل آن دو سجده محسوب می‌شود و نباید بازگردد، اما (در آخر) بعد از سلام نماز دو سجده‌ی سهو انجام دهد.^۲

کسی که در ترک عمل واجبی در نماز شک کند

از جناب شیخ سوال شد: درباره‌ی نمازگزاری هرگاه در ترک عمل واجبی شک کند، مثلاً شک کند که آیا تشهد اول را خوانده یا خیر؟ و هیچیک از آن دو امر را ترجیح ندهد؟^۳

جواب دادند: هرگاه نمازگزار در ترک عمل واجبی شک کرد، بمانند آنست که (واقعاً) آن را ترک کرده و انجام نداده باشد و لذا سجده‌ی سهو بر او واجب است، زیرا او در این حالت در انجام یا عدم آن شک کرده، و اصل، عدم انجام فعل است بنابراین سجده‌ی

۱- شماره سؤال: ۶۹۰.

۲- هرچند که او در نهایت شک را از خود دور کرده و ترجیح داده که دو سجده انجام داده، ولی چون در قسمتی از نماز خود متردد بوده است، لذا انجام سجده‌ی سهو در این حالت مایه‌ی خواری شیطان خواهد شد، چنانکه پیامبر ﷺ فرمودند: «وَإِنْ كَانَ صَلَّى إِتْمَامًا لِأَرْبَعٍ كَانَتْ تَرْغِيمًا لِلشَّيْطَانِ». یعنی: «و اگر نمازش را تمام خوانده باشد این دو سجده باعث خواری شیطان است». [مسلم: ۵۷۱، ابوداود: ۱۰۱۱].

البته بعضی از علما گفته اند که اگر در نهایت نمازگزار یکی از دو امر را ترجیح داد دیگر نیازی به سجده‌ی سهو نیست.

۳- شماره سؤال: ۶۹۱.

سهو بر او واجب می‌شود، که بایستی قبل از سلام باشد زیرا بدلیل نقص (ترک واجب) در نماز است.^۱

کسی که در ترک عمل واجبی در نماز شک کند ولی در نهایت شک را دور کند

از جناب شیخ سوال شد: درباره‌ی نمازگزاری که شک کند آیا ذکر «سبحان ربی العظیم» را در رکوع گفته یا خیر؟ ولی در نهایت ترجیح می‌دهد که آن را گفته، حکم چیست؟^۲

جواب دادند: هرگاه نمازگزار در ترک عمل واجبی شک کرد و در نهایت انجام آن را ترجیح داد، پس سجده‌ی سهو بر او لازم نیست. و بر این اساس به این نمازگزار می‌گوییم: چون انجام فعل واجب را ترجیح دادی که همان ذکر «سبحان ربی العظیم» در رکوع است، پس بر تو سجده‌ی سهو لازم نیست.^۳

کسی که در خواندن سوره فاتحه شک کند

از جناب شیخ سوال شد: اگر نمازگزار در حین خواندن سوره شک کند که فاتحه را قرائت نکرده، و نتواند ترجیح دهد که بالاخره خوانده است یا خیر، آیا لازمست تا جهت

۱- سابقا گفته شد که اگر نمازگزار در ترک رکن (نه عمل واجب) در نماز شک کرد، لازمست تا بازگردد و آن رکن ترک شده را انجام داده و علاوه بر آن سجده‌ی سهو نیز بجای آورد، ولی در ترک عمل واجب (مانند تشهد و یا اذکار رکوع و سجود) چنانکه وارد رکن دیگری شده باشد لازم نیست بازگردد و بلکه سجده‌ی سهو کافیهست، اما اگر هنوز وارد رکن بعد از عمل واجب نشده بایستی بازگردد و آن عمل ترک شده را انجام دهد و در آخر نماز سجده‌ی سهو نیز بجای آورد.

۲- شماره سؤال: ۶۹۲.

۳- قبلا اشاره شد که هرگاه نمازگزار در ترک رکن شک کرد ولی در نهایت، انجام آن را ترجیح داد، برای خواری شیطان سجده‌ی سهو ببرد.

دفع این شک فاتحه را بخواند، و یا آنکه نمازش را ادامه دهد و در عوض برای زدودن آن شک سجده‌ی سهو ببرد؟

جواب دادند: مادامیکه او شک دارد (و نتواند ترجیح دهد که فاتحه را خوانده یا خیر) بر او واجب است تا فاتحه را بخواند، اما به شرطی:

بشرطیکه انسان شکاک (و وسواسی) نباشد، زیرا اگر زیاد شکاک بود و یا شک او فقط وهمی بیش نبود، در اینحالت به این شک توجهی نمی‌شود و اعتباری ندارد، زیرا بعضی از مردم هر وقت نماز می‌خوانند در زیادت یا نقصی (در نماز) و یا در نیت و یا در تکبیر و همانند آنها شک می‌کنند، پس چنانکه شخص چنین حالتی را در تمامی نمازهایش داشت او نایستی به این شک توجهی کند، زیرا این شک از وسواس است، و چه بسا گاهی وسواس اگر مداوم همراه انسان باشد موجب فاسد شدن عبادتش می‌شود^۱.

اگر کسی در خواندن سوره‌ی بعد از فاتحه شک کند

هرگاه نمازگزار شک کند -و او انسانی شکاک است- که سوره (بعد از فاتحه) را نخوانده آیا بار دیگر آن را (سوره) بخواند؟ همچنین شک می‌کند که آیا تحیات را خوانده، حکم چیست؟

جواب می‌دهند: ابدأ آنرا نخواند، اگر یکبار خوانده پس کافیهست، اگر در قرائت شک کرد از این (شک) بپرهیزد و آنرا رها نماید، زیرا این از وسواس است، و اگر باب وسواس را بر نفس خود باز کند خسته می‌شود و شیطان نزد او می‌آید و وی را در نمازش به شک می‌اندازد، حتی وی را در (ذات پاک) خداوند عز و جل نیز به شک می‌اندازد، گاهی وی را بوسیله‌ی وسواس، به شک در خدا می‌رساند و گاهی وی را در مورد همسرش به شک می‌اندازد که آیا وی را طلاق داده یا نداده، یا شبیه این موارد، انسان بایستی این (شک و وسواس) را رها کند و این امر بر او واجب است، پس بر او واجب

است تا از آن دوری کند - یعنی هرگاه شک نمود به این شک توجهی نکند -^۱

سوالات متفرقه:

کسی که در تلاوت سوره‌ی بعد از فاتحه دچار اختلال شود

از جناب شیخ سوال شد: درباره‌ی کسی که در نماز (در هنگام خواندن سوره‌ی بعد از فاتحه) سهواً از سوره‌ای به سوره‌ی دیگری که قبل از آنست منتقل می‌شود. آیا سجده‌ی سهو بر او واجب می‌شود؟^۲

جواب دادند: سجده‌ی سهو بر او واجب نمی‌شود، هرگاه عکس ترتیب قرآن (تلاوت کند)، یعنی مثلاً سوره‌ای را از آخر قرآن بخواند و سپس به (سوره‌ی دیگری در) ماقبل آن بازگردد، اما افضل آنست که به ترتیب قرآن پیش رود همانطور که صحابه رضی الله عنهم قرآن را بر وجه معروفی که در مصحف است ترتیب بندی کرده‌اند.

و بدان که ترتیب آیات قرآن امری توقیفی است، به این معنا که آن ترتیب از رسول خدا صلی الله علیه و آله اخذ شده است و جایز نیست که عکس آن ترتیب (تلاوت کرد)^۳. اما در مورد ترتیب سوره بندی قرآن، علما درباره‌ی آن دو قول مختلف دارند و قول صحیح آنست که بعضی از آن سوره‌ها توقیفی هستند مانند ترتیب سوره‌های سبج (اعلی) و غاشیه، و بعضی دیگر از آنها با اجتهاد صحابه رضی الله عنهم بوده است.^۴

۱- شماره سؤال: ۶۶۱.

۲- شماره سؤال: ۷۱۹.

۳- مثلاً کسی بعد از فاتحه ابتدا آیه الكرسي را می‌خواند و بعد از آن به ابتدای سوره بقره بازگشته و از آنجا ادامه می‌دهد. این عمل وی یعنی عکس خواندن آیات قرآن مخالف با ترتیب بندی آیات قرآن است، و مخالفت با آن ترتیب جایز نیست.

۴- در مورد معکوس خواندن سوره‌های قرآن چه در نماز و چه غیر آن، مانند خواندن سوره فلق در رکعت اول و سپس سوره اخلاص در رکعت دوم؛ بعضی از علماء آنرا مکروه می‌دانند، و بعضی دیگر آنرا حرام می‌دانند، زیرا نظرشان بر اینست که ترتیب سوره‌های قرآن توقیفی هست، یعنی از طرف خداوند متعال سوره‌های قرآن

کسی که در قرائت دچار خطا و اشتباه شود

از جناب شیخ سوال شد: آیا کسی که در قرائت خطا و اشتباه کند سجده‌ی سهو انجام دهد؟

جواب دادند: اگر کسی در قرائت خطا کرد سجده‌ی سهو انجام ندهد، زیرا این خطا هیئت و ترتیب نماز را تغییر نمی‌دهد، اما اگر نمازگزار در (قرائتش) خطایی کرد، بر کسی که آن را می‌شنود لازمست تا وی را آگاه کند.^۱

کسی که آیه یا ذکر را در غیر محل خود بخواند

هرگاه نمازگزار (در نماز) سخنی مشروع را سهواً در غیر محل خود بگوید، مثلاً (آیه‌ای از) قرآن را در سجده بخواند، آیا سجده‌ی سهو بر او واجب می‌شود؟ و آیا این سجده قبل از سلام است یا بعد از آن؟

جواب دادند: اولاً قرائت قرآن در سجده نامشروع است، و بلکه از آن نهی شده است، و همینطور در رکوع، به دلیل این فرموده‌ی پیامبر ﷺ: «أَلَا وَإِنَّ نَهْيْتُ أَنْ أَقْرَأَ الْقُرْآنَ رَاكِعًا أَوْ سَاجِدًا فَأَمَّا الرُّكُوعُ فَعَظُمُوا فِيهِ الرَّبُّ عَزَّ وَجَلَّ وَأَمَّا السُّجُودُ فَاَجْتَهِدُوا فِي الدُّعَاءِ فَقَمِنْ أَنْ

ترتیب داده شده‌اند، پس جائز نیست که آنرا پس و پیش خواند. ولی بیشتر علماء از قبیل امام مالک، امام احمد بن حنبل، قاضی عیاض، نووی، ابن تیمیّه، ابن باقلانی، و غیره آنرا مباح میدانند، زیرا می‌گویند ترتیب سوره‌های قرآن توقیفی نیست بلکه از اجتهاد صحابه می‌باشد و برای ترتیب سوره‌های قرآن بین صحابه اجماع واقع نشده، و دلیلشان اینست که در صحیح مسلم آمده است که پیامبر ﷺ در یکی از نمازهایش سوره نساء را قبل از سوره ال عمران خوانده است (مراجعه شود به حدیث شماره ۷۷۲ از صحیح مسلم)، و همچنین اصحاب پیامبر ﷺ نیز سوره‌های قرآن را در نماز گاه گاهی پس و پیش می‌خوانده‌اند، همانطور که امام بخاری ذکر کرده است که «أُحْنَفُ» هنگام نماز صبح امام بود و در رکعت اول سوره کهف را خواند و در رکعت دوم سوره یوسف (که در ترتیب مصحف قبل از سوره کهف می‌باشد) را تلاوت نمود، و عمر بن خطاب که پشت سرش نماز می‌خواند ایرادی نگرفت.

يُسْتَجَابَ لَكُمْ^۱. یعنی: «هان بدانید! که من از قرائت قرآن در حالت رکوع و سجود نهی شده‌ام، پس در رکوع عظمت خداوند را بگوئید، و در سجود بسیار دعا کنید، چرا که امید است برای شما اجابت شود». هرچند بر اساس قول راجح نماز او صحیح است.

دوماً: اگر کسی (در نماز) سخن مشروعی را در غیر محل خود بگوید ولی همراه آن، ذکر مشروعی را که می‌بایست در آنجا خوانده شود، بخواند، مثلاً در محل سجده (آیه‌ای از قرآن) قرائت کند و علاوه بر آن، ذکر «سبحان ربی الأعلی» را نیز بخواند، در این حالت سجدهی سهو بر او واجب نیست ولی برایش جایز است، اما اگر سخن مشروعی را در غیر محل خود بگوید ولی ذکر مشروعی را که معمولاً در آن محل خوانده می‌شود، نخواند، مثلاً در محل سجده قرائت کند ولی ذکر «سبحان ربی الأعلی» را در آن نخواند، در این حالت سجدهی سهو بر او واجب می‌شود، زیرا ترک واجبی (از واجبات نماز) کرده است و محل سجدهی سهو نیز قبل از سلام (پایانی) نماز است.^۲

سوال: حکم سجدهی سهو چیست؟^۳

جواب: اهل علم در مورد حکم سجدهی سهو دو قول دارند:

اول: سجدهی سهو واجب است، و این مذهب حنفیه و برخی از مالکیه و حنابلّه و ظاهریه و قول مختار شیخ الاسلام است.
دلیل آنها:

۱- پیامبر ﷺ در احادیث مختلف بدان امر کرده است.

۲- مداومت پیامبر ﷺ بر سجدهی سهو و عدم ترک آن دو سجده.

دوم: سجدهی سهو مستحب است، و این مذهب مشهور نزد مالکیه و شافعیه و روایتی

۱- روایت مسلم در کتاب الصلاة باب «النهی عن قراءة القرآن في الركوع والسجود» ح ۲۰۷ (۴۷۹).

۲- شماره سؤال: ۶۷۲.

۳- «صحیح فقه السنة» ابو مالک انس بن السید سالم.

از حنابله است.

دلیل آنها:

حدیث ابوسعید خدری رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: «إِذَا شَكَّ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاتِهِ فَلْيُلْقِ الشَّكَّ وَلْيَبْنِ عَلَى الْيَقِينِ فَإِذَا اسْتَيْقَنَ التَّمَامَ سَجَدَ سَجْدَتَيْنِ فَإِنْ كَانَتْ صَلَاتُهُ تَامَةً كَانَتْ الرَّكْعَةُ نَافِلَةً وَالسَّجْدَتَانِ وَإِنْ كَانَتْ نَاقِصَةً كَانَتْ الرَّكْعَةُ تَمَامًا لِصَلَاتِهِ وَكَانَتِ السَّجْدَتَانِ مُرْغَمَتَي الشَّيْطَانِ»^۱.

یعنی: «هرگاه یکی از شما در نمازش دچار شک شد، شک را از خود دور کند و بر یقین بنا کند، و از آنجا بقیه نمازش را بخواند سپس دو سجده ببرد، اگر نمازش را کامل خوانده باشد آن رکعت و دو سجده برایش نافله خواهد بود، و اگر نمازش ناقص بوده آن رکعت نمازش را کامل می‌کند و آن دو سجده باعث خواری شیطان می‌شود».

بعد گفته اند این حدیث بر این دلالت دارد که سجده‌ی سهو سنت است نه واجب.

ولی شیخ الاسلام چنین جواب می‌دهد: «(اولاً) لفظ «كانت الركعة والسجدة نافلة» در حدیث مذکور در صحیح وارد نشده است بلکه لفظ صحیح اینگونه است: «فَلْيُطْرَحِ الشَّكُّ وَلْيَبْنِ عَلَى مَا اسْتَيْقَنَ ثُمَّ يَسْجُدُ سَجْدَتَيْنِ قَبْلَ أَنْ يُسَلَّمَ فَإِنْ كَانَ صَلَّى خَمْسًا شَفَعْنَ لَهُ صَلَاتَهُ وَإِنْ كَانَ صَلَّى إِتْمَامًا لِأَرْبَعٍ كَانَتَا تَرْغِيمًا لِلشَّيْطَانِ»^۲. یعنی: «(هرگاه یکی از شما در نمازش دچار شک شد و ندانست چند رکعت -سه یا چهار رکعت- خوانده است) باید شک را از خود دور کند و بر یقین بنا کند، و از آنجا بقیه نمازش را بخواند سپس قبل از آنکه سلام بدهد دو سجده ببرد، پس اگر پنج رکعت خوانده باشد با انجام این دو سجده نمازش زوج می‌شود و اگر نمازش را چهار رکعت تمام خوانده باشد این دو سجده سبب خواری و زبونی شیطان است».

و در ادامه می‌گوید به فرض که پیامبر صلی الله علیه و آله چنین فرموده باشد، معنی آن این است که

۱- ابوداود: ۱۰۲۴.

۲- مسلم: ۵۷۱.

نمازگزار در هنگام شک مأمور به انجام سجدهی سهو است، و اگر فرض کنیم نمازش کامل بوده باشد چیزی را از دست نداده و اگر زیادتى انجام داده باشد آن عمل اضافی مانند نماز نافله برای او اجر و صواب دارد».

بر این اساس می‌توان گفت که سجدهی سهو واجب است.

اما اگر سهو رخ داده شده در نماز مربوط به یکی از اقوال یا افعال مستحب و سنت باشد، در آن صورت سجدهی سهو نیز مستحب خواهد بود.

شیخ ابن عثیمین رحمته الله می‌گوید: «اگر نمازگزار در رکعت اول فاتحه را قرائت نمود ولی فراموش کرد که بعد از فاتحه سوره‌ای دیگر بخواند و به رکوع رفت، لازم نیست بازگردد و سوره را بخواند و سجدهی سهو نیز بر او واجب نیست، ولی در این حالت سجدهی سهو بر او مستحب خواهد بود، زیرا سجدهی سهو برای واجبات نماز واجب است و برای سنت‌های آن مستحب است». (هم در نماز فرض هم در نماز سنت)^۱.

سوال: حکم انجام ندادن سجدهی سهو واجب چیست؟

جواب: اگر نمازگزار سجدهی سهوی که بر او واجب شده باشد عمداً ترک کند، نمازش باطل می‌شود، همانطور که ترک عمدی یکی از واجبات نماز باعث ابطال آن است.

اما اگر فراموش کرد سجدهی سهو ببرد، چنانچه اندک زمانی بعد از سلام بیاد آورد باید آن را بجای آورد، و اگر احیاناً مدت زمانی طولانی‌تر بیاد آورد یا اصلاً از مسجد خارج گشت، چیزی بر وی نیست و نمازش صحیح است.

از شیخ محمد بن صالح العثیمین رحمته الله سوال می‌شود: در باره‌ی مردی که فراموش می‌کند تشهد اول را در نماز خویش بخواند و او می‌داند که لازم است تا قبل از سلام سجدهی سهو بجای آورد، اما فراموش می‌کند و سلام می‌دهد حکم او چیست؟

۱- فقه السنة للنساء: ص ۲۰۱.

ایشان جواب می‌دهند: «اگر بعد از زمان نزدیکی بیاد آورد پس سجده‌ی سهو خود را بجای آورد، اما اگر زمان طولانی گشت از وی ساقط می‌گردد، مثلاً اگر تا مدت زمانی طویل بیادش نیامد، اگر او از مسجد خارج گشته بود دیگر لازم نیست بازگردد و سجده‌ی سهو از وی ساقط می‌شود»^۱.

و اگر امام سجده‌ی سهو خویش را فراموش کرد، در آنصورت مأموم نبایستی خود تنهایی به سجده‌ی سهو برود، بلکه با سلام امام او نیز سلام می‌دهد و سپس به امام تذکر می‌دهد و امام به سجده‌ی سهو رفته و او نیز همراه وی سجده می‌برد. والله أعلم

حکم نماز کسی که یکبار سجده‌ی سهو بجای آورد

سوال: نماز مغرب را می‌خواندیم که امام در تشهد اول دچار سهو گشت (فراموش کرد تشهد را بخواند و بلند شد اما قبل از آنکه راست بایستد و وارد قیام شود بیاد آورد و زود نشست و تشهد خواند) ولی امام در انتهای نماز فقط یک سجده‌ی سهو انجام داد! حال چه چیزی بر ما لازم است؟

جواب:

اولاً: بر امام واجب بود تا دو سجده‌ی سهو بجای آورد نه یک سجده، زیرا پیامبر ﷺ می‌فرمایند: «إِذَا شَكَّ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاتِهِ فَلْيَتَحَرَّ الصَّوَابَ فَلْيُتِمَّ عَلَيْهِ ثُمَّ لِيُسَلِّمْ ثُمَّ لِيَسْجُدْ سَجْدَتَيْنِ»^۲. یعنی: «هرگاه یکی از شما در نماز خویش در شک افتاد، سعی کند که صحیح‌ترین آن را بیاد آورد و نمازش را بر اساس آن کامل کرده، بعد سلام گوید سپس دو سجده‌ی سهو بجای آورد».

بر طبق این فرموده درمی‌یابیم که سجده‌ی سهو دو سجده است نه یک سجده. دوماً: اگر نمازگزار یا امام از روی جهل و ناآگاهی یک سجده‌ی سهو ببرد چیزی بر

۱- فتاوی ابن عثمین: ۵۰/۱۴.

۲- بخاری: ۴۰۱، و مسلم: ۵۷۲.

وی نیست، و نماز او و نماز کسانی که به وی اقتدا کرده اند صحیح است، و حکم او بمانند حکم آنکسی است که اصلاً انجام سجدهی سهو را فراموش می‌کند (که موجب باطل شدن نماز نیست). چنانکه علمای هیئت دائمی افتاء می‌گویند: «اگر ترک سجدهی سهو عمدی باشد نمازش باطل است و باید نمازش را تکرار کند، و اگر ترک آن به سبب فراموشی یا عدم آگاهی و جهل باشد، پس نمازش صحیح است و لازم نیست تا نمازش را تکرار کند»^۱.

پس لازمست تا در این مواقع بعد از نماز، امام را متوجه خطایش کرد تا بار دیگر آن خطا را انجام ندهد.

سوماً: در این مواقع بر مأمومین لازم است تا سجدهی سهو دوم را خود انجام دهند، هر چند که امام آنها سجدهی دوم را انجام نداده، زیرا به دلیل سهو در تشهد اول نقصی بر نمازشان وارد شده است. امام نووی رحمته در «المجموع» می‌گوید: «و اگر امام جز یکبار سجدهی سهو انجام نداد، مأموم (خود) سجدهی دوم را انجام دهد و آن (یعنی ترک سجدهی دوم توسط امام) را حمل بر این بگذارد که وی آنرا فراموش کرده است، و اگر امام عمداً یا سهواً سجدهی سهو را ترک کرد و انجام نداد پس مأموم خود سجدهی سهو را انجام دهد و این همان قول صحیح منصوص است، زیرا هنگامی که امام سهوی مرتکب شود بر نماز مأموم نیز بدلیل آن سهو نقص وارد می‌شود، و اگر امام (سهو) نمازش را جبران نکرد مأموم (خود) نمازش را جبران نماید»^۲.

و باز می‌گوید: «اگر امام سهوی انجام داد ولی سجدهی سهو نبرد، پس همانطور که ذکر کردیم رأی صحیح در مذهب ما اینست که مأموم خود سجده می‌کند، و این رأی امام مالک و اوزاعی و لیث و ابو ثور، و روایتی از امام احمد نیز است و ابن منذر نیز آنرا از

۱- اللجنة الدائمة للإفتاء: ۱۰/۶.

۲- المجموع: ۶۵/۴، باختصار و تصریف اندک.

ابن سیرین نقل کرده، و عطاء و حسن (بصری) و نخعی و قاسم و حماد بن ابی سلیمان و ثوری و ابوحنیفه و مزنی و روایت دیگری از امام احمد گفته اند که: سجده نبرد^۱. والله أعلم

کسی که انجام سجده‌ی سهو را فراموش کند

از جناب شیخ سوال شد: درباره‌ی مردی که خواندن تشهد اول را فراموش کند و او بداند که سجده‌ی سهو قبل از سلام بر وی واجب می‌شود ولی فراموش می‌کند (که سجده‌ی سهو ببرد) و سلام دهد، حکم چیست؟^۲

جواب دادند: اگر در مدت زمان نزدیکی (بعد از سلام) بیاد آورد، بازگردد و سجده کند (و سلام دهد)، و اگر فاصله طولانی شد سجده بر وی ساقط می‌شود، مثلاً تا مدت زمان طولانی بیاد نمی‌آورد، اگر از مسجد خارج گشت لازم نیست به مسجد بازگردد و سجده از او ساقط می‌شود.^۳

سوال: آیا سجده‌ی سهو در نماز سنت بمانند نماز فرض است؟

۱- المجموع: ۶۶/۴.

البته باید توجه کرد که این امر (سجده بردن توسط مأوم) برای زمانی است که امام مرتکب سهوی شود و او یعنی امام سجده‌ی سهو را بجای نیاورد و یا بصورت ناقص انجام دهد، اما اگر امام سهوی انجام نداد و بلکه خود مأوم دچار سهو شد، نیازی نیست تا در انتها سجده‌ی سهو بجای آورد، زیرا امام سهو وی را متحمل شده و برایش جبران می‌کند. مگر آنکه سهوی که مأوم انجام داده؛ ترک رکنی در نماز باشد که در اینحالت باید بعد از سلام امام بلند شده و آن رکن را جبران کند و بعد از سلام دو سجده‌ی سهو بجای آورد.

۲- شماره سؤال: ۶۹۹.

۳- اگر نمازگزار عمداً سجده‌ی سهو را ترک کند نمازش باطل می‌شود، زیرا سجده‌ی سهو در اینحالت بر وی اجب شده است و هر کس عمداً یکی از اعمال واجب نماز را ترک نماید نمازش باطل خواهد شد، ولی اگر فراموش کرد که سجده‌ی سهو بجای آورد؛ چنانچه وقت زیادی نگذشته بود بایستی بازگردد و سجده‌ی سهو ببرد و سلام دهد ولی اگر مدت زمان طولانی سپری شود چیزی بر وی نیست و نمازش صحیح است.

جواب: الحمد لله

سجدهی سهو در نوافل همانند نمازهای فرض مشروع است و عین هم هستند. و جمهور علمای قدیم و جدید بر آن هستند، و دلیل آن عمومیت فرموده‌ی پیامبر ﷺ است که فرمود: «إِذَا نَسِيَ أَحَدُكُمْ فَلْيَسْجُدْ سَجْدَتَيْنِ»^۱. «هرگاه یکی از شما فراموش کرد پس دو سجدهی سهو ببرد». و همچنین برای آنکه نماز جبران شود و شیطان خوار گردد بدان نیاز است همانطور که در نماز فرض به آن نیاز است.

اما جماعتی از علما از جمله ابن سیرین و قتاده و عطاء و برخی از علمای شافعیه بر این هستند که نماز سنت سجدهی سهو ندارد، اما قول راجح، رأی جمهور است. چنانکه امام بخاری رحمه الله در صحیح خود بابی را با عنوان «سهو در نماز فرض و سنت» آورده است. و ابن عباس رحمه الله بعد از نماز وتر خود دو سجدهی سهو بردند. حافظ ابن حجر رحمه الله در «فتح الباری» در مورد این اثر ابن عباس می‌گوید: «ابن ابی شیبہ آن را با اسناد صحیح روایت کرده است». و می‌دانیم که نماز وتر واجب نبوده و اینکه ابن عباس در وتر خود سجدهی سهو برده دلیلی است بر اینکه سجدهی سهو هم در فرائض است و هم در نوافل.

و شیخ ابن عثیمین می‌گوید: «سجدهی سهو دو سجده است که هم در نماز فرض و هم در سنت مادامیکه سهوی صورت گیرد مشروع است»^۲.

البته سجدهی سهو در نمازی مشروع است که دارای رکوع و سجود باشد، بر این اساس نماز جنازه سجدهی سهو ندارد زیرا نمازی است که ذاتا دارای رکوع و سجده نیست^۳.

۱- مسلم: ۴۰۲.

۲- مجموع فتاوی ابن عثیمین: ۶۸/۱۴.

۳- نگاه کنید به کتاب «سجود السهو فی ضوء الكتاب والسنة الموطَّرة» تالیف: شیخ عبد الله الطیار.

کسی که مرتکب چندین سهو شد، چند بار سجده‌ی سهو انجام دهد؟

از جناب شیخ سوال شد: درباره‌ی کسی که مکرراً مرتکب سهو شود، مثلاً ذکر «سبحان ربی العظیم» را در رکوع ترک کند، و خواندن تشهد اول را ترک کند، و نیز ذکر «سبحان ربی الأعلی» را در سجده نخواند، او چند بار سجده‌ی سهو انجام دهد؟

جواب دادند: هرگاه شخصی چند بار سهوی مرتکب شد، به او می‌گوییم که انجام دو سجده‌ی سهو برای کفایت، زیرا (اعمال) واجب از یک جنس هستند^۱ و بعضی در دیگری داخل می‌شوند، همانطور کسی که به دلیل ادرار یا قضای حاجت یا خارج شدن باد و خوردن گوشت شتر بی‌وضو می‌شود و یک وضو برای او کفایت، و بر او لازم نیست تا برای هر یک از (آن) اسباب، وضویی جداگانه بگیرد.^۲

سوال: محل سجده‌ی سهو کجاست؟

علما در مورد محل سجده‌ی سهو اختلاف دارند، و اختلاف آنها ناشی از احادیث مختلفی است که از پیامبر ﷺ وارد شده است.

۱- بعضی از علما گفته‌اند که محل آن همیشه قبل از سلام است. و این مذهب زهری و مکحول و سعید ابن مسیب و اوزاعی و مذهب جدید شافعی است.

۲- بعضی دیگر گفته‌اند که محل آن همیشه بعد از سلام است. و این رأی ابن مسعود و ابن عباس و حسن بصری و ثوری و ابوحنیفه است.

۳- و بعضی از علما (شافعی و مالک و ابو ثور) محل سجده‌ی سهو را در سه مکان می‌دانند:

الف) اگر بدلیل زیادتی در نماز بود، محل سجده‌ی سهو بعد از سلام است.

۱- خواندن تشهد و اذکار «سبحان ربی العظیم» در رکوع و «سبحان ربی الأعلی» در سجده همگی جزو اعمال واجب در نماز هستند.

۲- شماره سؤال: ۷۰۳.

ب) اگر بدلیل نقصی در نماز بود، محل آن قبل از سلام است.

ج) اگر بدلیل ایجاد شک در نماز بود، دو حالت دارد:

۱- اگر نمازگزار یکی از دو امر مورد شک را ترجیح داد، محل سجدهی سهو بعد از سلام است.

۲- اگر نمازگزار نتوانست یکی را ترجیح دهد و مبنا را بر یقین (یعنی کمترین حالت) قرار داد، محل سجده قبل از سلام است.

و در میان اقوال سه گانه‌ی فوق، قول اخیر ترجیح داده می‌شود.^۱

چه وقت سجدهی سهو بعد از سلام خواهد بود؟

از جناب شیخ سوال شد: چه وقت سجدهی سهو بعد از سلام خواهد بود؟^۲
جواب دادند: هرگاه سبب سهو به دلیل زیادتى (در نماز) بود، یا شکی باشد که نمازگزار بتواند (یکی از دو امر را) ترجیح دهد، مثلاً شک کنی که آیا سه رکعت خوانده‌ای یا چهار؟ و بعد ترجیح دهی که سه رکعت بوده است و بعد رکعت چهارم را بخوانی و باید در اینحالت بعد از سلام سجدهی سهو بجای آوری.^۳

هرگاه امام بعد از سلام سجده سهو ببرد درحالیکه محل آن قبل از سلام باشد، مسبوق چه کند؟

از جناب شیخ سوال شد: اگر امام بعد از سلام سجدهی سهو ببرد در حالیکه محل آن

۱- منبع: «فقه السنة للنساء» ص ۲۰۲-۲۰۴ با اختصار، علامه محمد بن صالح العثیمین رحمته الله تعالی، و «صحیح فقه السنة» ج ۱ ص ۴۶۴.

۲- شماره سؤال: ۷۳۰.

۳- پس اگر سهو در نماز به دلیل نقصانی در نماز باشد و یا نمازگزار شکی داشته باشد و نتواند چیزی را ترجیح دهد -که در اینحالت باید بنا را بر یقین که همان حداقل است قرار دهد- سجدهی سهو قبل از سلام خواهد بود.

قبل از سلام باشد، فرد مسبوق^۱ در این حالت چکار کند؟

جواب دادند: اهل علم در این مسئله اختلاف رأی دارند، رأی مشهور در مذهب حنابله اینست که آنها (یعنی مسبوقین) از امام (در سجده‌ی سهو) بعد از سلام پیروی کنند ولی سلام ندهند، زیرا نمازشان هنوز تمام نشده و سپس که (امام) از سجده‌ی سهو سلام داد، بلند شوند تا باقی مانده‌ی نمازشان را بخوانند.

و بعضی از اهل علم می‌گویند: مسبوقین نباید در سجده‌ی سهو بعد از سلام (نماز) از امام پیروی کنند، چونکه پیروی کردن (در اینحالت) مقدور نیست، زیرا پیروی کردن از امام (در این حالت) بایستی با سلام باشد که همراه آن سلام اول قبل از سجده‌ی سهو خواهد بود، و این به نسبت کسی که هنوز قسمتی از نمازش باقی مانده مقدور نیست (که با امام سلام دهد)، بر این اساس بایستی بلند شوند بدون آنکه از امام پیروی کنند، سپس که برخاستند و نمازشان را کامل کردند و چنانچه سهو امام در قسمتی از نماز باشد که مسبوقین در آن قسمت همراه وی بودند، بایستی بعد از سلام نماز سجده‌ی سهو ببرند، و اگر سهو امام در قسمتی از نماز بوده باشد که آنها در آن قسمت همراه امام نبودند، در این حالت بر آنها لازم نیست تا سجده‌ی سهو نیز بجای آورند، و این رأی، قول راجح نزد من است، زیرا پیروی کردن از امام و سجده‌ی سهو بعد از سلام در این حالت امری غیر مقدور (برای مسبوق) است.^۲

آیا مأموم می‌تواند جداگانه سجده‌ی سهو ببرد؟

از جناب شیخ سوال شد: آیا برای مأموم جایز است که هرگاه (در نماز خود) سهوی انجام داد بعد از آنکه امام سلام داد او سجده‌ی سهو انجام دهد؟ یا آنکه باید با امام سلام

۱- توجه شود که گفته شد: فرد مسبوق نه مأموم، و همانطور که می‌دانیم مأموم کسی است که در ابتدای نماز همراه جماعت و امام بوده، ولی مسبوق کسیست که در ابتدای نماز با امام نبوده و بعدا به جماعت ملحق می‌گردد، یعنی وقتی که نماز تمام شد او بایستی با سلام امام بلند شود و مابقی نمازش را بخواند.

۲- شماره سؤال: ۷۴۱.

دهد؟

جواب دادند: بر طبق ظاهر سوال، این مأوم بایستی از ابتدای نماز با امام بوده باشد. پس اگر اینگونه باشد سجدهی سهو بر او لازم نیست، زیرا امام سهو او را متحمل خواهد شد. اما چنانچه فرض شود که مأوم مرتکب سهوی شده باشد که یکی از رکعات بواسطه‌ی آن سهو باطل شده باشد، در اینجا لازمست تا هرگاه امام سلام داد او بلند شود و رکعتی را که بخاطر انجام سهو باطل شده بود جبران کند، سپس تشهد بخواند و بعد از سلام سجدهی سهو بجای آورد.^۱

سوال: اذکار سجدهی سهو و جلوس بین آنها چیست؟

جواب: سجدهی سهو بمانند سجدهی نماز صورت می‌گیرد و هیچ تفاوتی با هم ندارند و لذا بایستی بر هفت عضو بدن تکیه داده شود.

دلیل آن حدیث ابن عباس رضی الله عنه است که گفت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «أُمِرْتُ أَنْ أَسْجُدَ عَلَى سَبْعَةِ أَعْظُمٍ عَلَى الْجَبْهَةِ - وَأَشَارَ بِيَدِهِ عَلَى أَنْفِهِ - وَالْيَدَيْنِ، وَالرُّكْبَتَيْنِ وَأَطْرَافِ الْقَدَمَيْنِ».^۲

یعنی: «به من امر شده است تا بر هفت عضو سجده برم: بر پیشانی و با دستش به بینی‌اش اشاره کرد، دو دست، دو زانو و سرپنجه‌های پاها».

و نیز از ابن عباس روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا يُصِيبُ أَنْفَهُ مِنَ الْأَرْضِ مَا يُصِيبُ جَبِينَهُ».^۳

یعنی: «کسی که بینی‌اش همراه با پیشانی‌اش بر زمین قرار ندهد نمازش صحیح نیست». و اذکار سجدهی سهو نیز بمانند ذکر سجدهی معمولی در نماز است، یعنی ذکر (سبحان ربی الاعلی) و در بین دو سجده (رب اغفر لی رب اغفر لی)، بنابراین همانطور که

۱- شماره سؤال: ۷۳۱.

۲- بخاری: ۸۱۲، مسلم: ۴۹۰.

۳- البانی در «صفة الصلاة» ص ۱۲۳، آورده است.

اهل علم گفته‌اند ذکر خاصی برای سجده‌ی سهو در سنت نبوی وارد نشده است. امام نووی رحمته الله علیه می‌گوید: «سجده‌ی سهو دو بار است که بین آنها نشستنی وجود دارد، و اذکار و اعضای سجده در آن بمانند سجده‌ی نماز است»^۱.

البته برخی از علما گفته‌اند که مستحب است در سجده‌ی سهو گفته شود: «سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنَامُ وَلَا يَسْهُو». اما هیچ دلیلی برای اثبات این ذکر وجود ندارد چنانکه حافظ ابن حجر رحمته الله علیه می‌گوید: «اصلی برای آن نیافتم»^۲.

آیا واجب است تا بعد از انجام سجده‌ی سهو دوباره تشهد خواند؟

سوال: آیا واجب است تا بعد از انجام سجده‌ی سهو دوباره تشهد خواند؟
جواب: بعد از انجام سجده‌ی سهو تشهد خوانده نمی‌شود، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نکرده‌اند چنانکه احادیث صحیح بر این امر دلالت می‌کنند، و اگر انجام می‌دادند قطعاً آن را به اصحابش رضی الله عنهم بیان می‌کردند، درحالیکه می‌فرمایند: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي»^۳. «همانگونه که می‌بینید من نماز می‌خوانم، شما نیز نماز بخوانید».

هرگاه امام به سجده‌ی تلاوت رود ولی مأموم اشتباهاً به رکوع برود

از جناب شیخ سوال شد: هرگاه امام (در نماز و حین قرائت سوره) سجده‌ی تلاوت برود و مأموم گمان کند که امام (با گفتن تکبیر) به رکوع رفته و لذا او نیز رکوع کند، حکم این مسئله چیست؟

جواب دادند: هرگاه امام سجده‌ی تلاوت انجام داد و مأموم گمان کرد که امام رکوع برده است و او نیز بنا به این که امام به رکوع رفته، به رکوع برود، خارج از دو حالت زیر نیست:

۱- المجموع: ۷۲/۴.

۲- التلخیص: ۱۲/۲.

۳- بخاری و مسلم.

اول: مأوم هنگامی که در رکوع است می‌داند که امام به سجده رفته است، در این حالت بر او واجب است تا به جهت پیروی از امام به سجده برود.

دوم: او تا بعد از برخاستن امام از سجده احساس نمی‌کند که امام به سجده رفته است، در این حالت به مأومی که رکوع برده می‌گوییم اکنون از رکوع برخیزد و از امام پیروی کند و با او به رکوع برو و ادامه بده، و سجده‌ی تلاوت در این حالت از تو ساقط شده، زیرا سجده‌ی تلاوت رکنی در نماز نیست تا آنکه بعد از امام آنرا انجام دهی، و فقط بر تو واجب است تا از امامت پیروی کنی، و پیروی در اینجا (سجده‌ی تلاوت) تمام شده و آن سنتی بود که محل انجامش تمام شده و لذا به نمازت ادامه بده.^۱

هرگاه دو نفر با گفتن «سبحان الله» امام را مطلع کنند، ولی در دو منظور متفاوت!

از جناب شیخ سوال شد: درباره‌ی امامی که (در حین نماز)، مردی با گفتن سبحان الله وی را متوجه می‌کند که زیادتى در نمازش انجام داده، و مرد دیگری نیز (بعد از او) با گفتن سبحان الله امام را متوجه می‌کند که زیادتى در نمازش نیافزوده.. حکم چیست؟

جواب دادند: حکم در این حالت اینست که (اعتبار هر دو تذکر) ساقط می‌شوند، پس اگر یکی از آنها هنگام بلند شدن امام بگوید «سبحان الله» و نفر دوم بگوید: «سبحان الله» بنابراین نزد او (یعنی امام) دو قول متعارض وجود خواهد داشت، که هر یک دیگری را (از اعتبار) ساقط می‌کند، و (امام بایستی) به آنچه که نزد خود صحیح می‌داند بازگشته و بنا را بر آن بگذارد.^۲

آیا هرگاه امام مرتکب اشتباهی شد می‌توان وی را با سخنی آگاه کرد؟

۱- شماره سؤال: ۶۵۵.

۲- شماره سؤال: ۷۰۷.

از جناب شیخ سوال شد: هرگاه برای مصلحت نماز، سخنی گفته شود، مثلاً امام قرائت فاتحه را فراموش کند به او بگوییم «فاتحه بخوان»، و هرگاه فراموش کرد رکوع و سجده انجام دهد و به وی سبحان الله گفته شد ولی متوجه خطای خود نشد پس به او بگوییم «رکوع نبردی» و.. آیا این (سخن مصلحتی) نماز را باطل می‌کند؟

جواب دادند: آری، سخن (گفتن) نماز را باطل می‌کند. و منظورم از سخن، سخنان آدم‌ها (در نماز) است، و دلیل آن نیز ماجرای معاویه بن حکم رضی الله عنه است، او هنگامی رسید که پیامبر صلی الله علیه و آله با اصحابش نماز می‌خواند، (او نیز به جماعت ملحق شد) مردی عطسه کرد و گفت: «الحمد لله» معاویه نیز (در جواب عطسه کننده) گفت: «یرحمک الله»، مردم نیز با چشم‌هایشان به وی خیره شدند، معاویه گفت: وای بر من! مادرم به عزایم بنشیند (چه شده که اینگونه نگاهم می‌کنید؟) بقیه نیز با دست بر رانهایشان زدند و خواستند وی را بفهمانند تا ساکت شود، او نیز ساکت شد، هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله نمازش را تمام کرد معاویه را فراخواند، معاویه گفت: پدر و مادرم فدایش باد، هیچ معلمی را بهتر و نیکوتر از او ندیدم که اینگونه تعلیم دهد، به خدا سوگند نه با خشم به من نگاه کرد و نه سرزنشم کرد! و بلکه فرمود: «إِنَّ هَذِهِ الصَّلَاةَ لَا يَصْلُحُ فِيهَا شَيْءٌ مِنْ كَلَامِ النَّاسِ، إِنَّمَا هِيَ التَّسْبِيحُ وَالتَّكْبِيرُ، وَقِرَاءَةُ الْقُرْآنِ»^۱. «در این نماز هیچ چیز از سخنان مردم شایسته گفتن نیست، بلکه نماز محل تسبیح و تکبیر و قرائت قرآن است». شاهد (برای گفته‌ی ما) این فرموده‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله است: «إِنَّ هَذِهِ الصَّلَاةَ لَا يَصْلُحُ فِيهَا شَيْءٌ مِنْ كَلَامِ النَّاسِ» در این نماز هیچ چیز از سخنان مردم شایسته گفتن نیست. و این عام است، چرا که لفظ «شیء» در حدیث، نکره در سیاق نفی است و لذا فایده‌ی عموم را می‌رساند حال چه برای مصلحت نماز باشد و چه مصلحتی نداشته باشد، و بر این اساس برای ما جایز نیست که امام را بوسیله‌ی سخن متوجه (اشتباهش) کنیم، هرگاه در غیر محل سجده امام سجده کرد می‌گوییم سبحان الله و هرگاه در غیر محل قیام، بلند شد می‌گوییم سبحان الله و به

۱- روایت امام مسلم.

وی نمی‌گوییم بنشین! زیرا اگر بگویی بنشین تو کلام آدمی را گفته‌ای، و نمازت را باطل می‌کند.

اما هرگاه یکی از نمازگزاران از روی نا آگاهی سخن گفت لازم نیست نمازش را تکرار کند، و لذا پیامبر ﷺ معاویه را امر نکرد تا نمازش را تکرار کند در حالیکه او دوبار (در داخل نمازش) سخن گفت، یکبار در جواب عطسه کننده گفت: «یرحمک الله» و بار دیگر (در برابر عکس العمل دیگران) گفت: «مادرم به عزایم بنشیند»، و پیامبر ﷺ وی را به تکرار نماز امر ننمود.^۱

اما اگر امام در نماز جهریه فراموش کرد که قرائت را جهری بخواند و ما به وی گفتیم سبحان الله و او متوجه نشد، پس چگونه وی را آگاه کنیم؟
جواب: یکی از نمازگزاران فاتحه را با صدای بلند بخواند تا امام متوجه شود.^۲

۱- نکته‌ای که از حدیث مورد استناد برداشت می‌شود اینست که، اگر کسی در داخل نماز عطسه کرد برایش جایز است تا لفظ «الحمد لله» را بر زبان جاری کند، ولی دیگران نایستی جواب وی را بدهند، زیرا می‌بینیم که در پایان نماز پیامبر ﷺ شخص عطسه کننده را نصیحت نمود که بار دیگر گفتن «الحمد لله» را تکرار نکند، ولی جواب دهنده به عطسه‌ی وی (یعنی معاویه بن حکم) را نصیحت نمود که در نمازش سخن نگوید. حدیث رفاعه نیز بر این امر دلالت دارد؛ چنانکه از رفاعه بن رافع روایت است: «صَلَّيْتُ خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَعَطَسْتُ فَقُلْتُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ مُبَارَكًا عَلَيْهِ كَمَا يُحِبُّ رَبُّنَا وَيَرْضَى. فَلَمَّا صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ انْصَرَفَ فَقَالَ: مِنَ الْمُتَكَلِّمِ فِي الصَّلَاةِ... فَقَالَ رِفَاعَةُ بْنُ رَافِعٍ ابْنِ عَفْرَاءَ أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ... فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ ابْتَدَرَهَا بِضَعَةٍ وَتَلَاثُونَ مَلَكًا أَيُّهُمْ يَضَعُ بِهَا». «پشت سر پیامبر ﷺ نماز می‌گزاردم که عطسه کردم و گفتم: «الحمد لله حمداً كثيراً طيباً مباركاً فيه مباركاً عليه كما يحب ربنا ويرضى» چون پیامبر ﷺ نماز را پایان برد، فرمود: «چه کسی بود که در نماز سخن گفت؟» (کسی حرف نزد، سپس بار دوم نیز سوال را تکرار نمود و کسی جواب نداد، سپس بار سوم آن را تکرار کرد) رفاعه گفت: من بودم ای رسول خدا، پیامبر ﷺ فرمود: «سوگند بدانکس که جان محمد در دست اوست سی واندی فرشته از هم پیشی می‌گرفتند، که کدامیک آن (ذکر) را به آسمان ببرند». [ترمذی: ۴۰۴، نسایی: ۲/۲۴۵، در بخاری: ۷۹۹، ولی در آن ذکری از عطسه نشده است].

۲- شماره سؤال: ۷۰۱.

سوال: ارکان و واجبات و سنت‌های نماز کدامند؟

جواب: الحمدلله،

الف: ارکان نماز عبارتند از، اقوال و افعالی که حقیقت و ماهیت نماز بر آنها استوار است، و چنانچه از یکی از ارکان تخلف شود نماز محقق نخواهد شد و شرعاً نماز محسوب نمی‌شود و فرد بریء الذمه نخواهد شد و با سجده‌ی سهو نیز جبران نمی‌شود.

هر کس رکنی از نماز خود را ترک کند، خالی از دو حالت زیر نیست:

اول) یا رکن را عمداً ترک کرده که به اتفاق علما نماز او باطل است.

دوم) یا رکن را سهواً و یا از روی جهل ترک گفته، که در اینصورت اگر ممکن بود که رکن ترک شده را جبران نماید، پس به اتفاق علما جبران آن بر وی واجب می‌شود، و اگر جبران آن ممکن نبود در آنصورت بر اساس مذهب حنفیه نمازش فاسد می‌شود^۱، ولی بر طبق رأی جمهور که راجح است، فقط رکعتی که در آن رکنی ترک شده ملغی می‌شود، مگر آنکه آن رکن ترک شده گفتن تکبیره الاحرام آغازین نماز باشد، زیرا ترک تکبیره الاحرام چه سهواً باشد و یا عمدی ترک شود، باعث ابطال نماز است و باید از نو نمازش را بخواند.

ب: واجبات نماز عبارتند از، آنچه که انجام یا گفتن آن در نماز واجب باشد. و اگر سهواً ترک شود با سجده‌ی سهو جبران می‌شود، اما اگر عمدی ترک شود نماز باطل می‌گردد. و این تعریف نزد حنفیه و حنابله است، بجز اینکه حنفیه معتقد نیستند که ترک عمدی واجبات باعث باطل شدن نماز باشد بلکه ترک عمدی آنها موجب عقاب و فسق نمازگزار می‌شود. اما نزد مالکیه و شافعیه چیزی بنام واجبات نماز تعریف نشده است بلکه آنها معتقد به وجود ارکان و سنن نماز هستند.

ج: سنت‌های نماز عبارتند از، اقوال و افعالی که بجا آوردن آنها در نماز مستحب است و انجام دهنده‌ی آنها پاداش می‌گیرد ولی با ترک آنها نماز باطل نمی‌شوند چه عمدی

۱- یعنی به سبب ترک آن مرتکب حرام شده ولی بریء الذمه خواهد شد و تکرار نماز واجب نیست.

باشد و چه سهواً ترک شوند. و برخی گفته اند که مراد از سنتهای نماز عبارتند از هر آنچه که جزو ارکان یا واجبات نماز نباشند.

اما فرق بین رکن و واجب و سنن نماز: همانطور که اشاره شد، رکن نباید نه عمداً و نه سهواً ترک شوند در غیر اینصورت نماز باطل است و با سجده‌ی سهو جبران نمی‌شوند، اما ترک واجبات از روی فراموشی باعث ابطال نماز نیست و با سجده‌ی سهو جبران می‌شود. و ترک سنن نماز چه عمدی باشد و چه سهواً صورت گیرد، موجب ابطال نماز نیست و سجده‌ی سهو نیز واجب نمی‌باشد ولی جایز است. در اینجا به معرفی ارکان و واجبات و برخی از سنتهای نماز می‌پردازیم:

اول: ارکان نماز که چهارده رکن هستند:

- ۱- قیام (ایستادن) برای نمازهای فرض، برای کسی که بر انجام آن توانا باشد.
- ۲- تکبیرة الإحرام، یعنی: گفتن الله اکبر در آغاز نماز.
- ۳- قرائت فاتحه^۱.
- ۴- رکوع، که حداقل آن انحنای پشت به اندازه‌ای است که شخص بتواند با کف دست‌هایش زانوی خود را بگیرد، و اكمل آن حالتیست که کمر تماماً کشیده شده و سرش را در راستای پشتش قرار دهد.
- ۵- برخاستن از رکوع.
- ۶- قیام بعد از رکوع.
- ۷- سجده، که کامل‌ترین حالت آن قرار دادن کامل اعضای وضو یعنی، پیشانی، بینی، دو کف دست، زانوهاش، و انگشتان پا در محل سجده است، و حداقل آن قرار گرفتن جزئی اعضای وضو بر محل سجده است.

۱- البته برخی از علما مانند احناف قرائت فاتحه را برای ماموم در هیچ رکعتی جایز نمی‌دانند، و برخی دیگر گفته اند که قرائت آن در دو رکعت اول نمازهای جهری برای مأموم صحیح نیست، ولی رأی راجح (نزد مترجم) اینست که قرائت فاتحه در تمامی نمازها و رکعت‌های آن برای ماموم و امام واجب است، والله اعلم.

- ۸- برخواستن از سجده .
- ۹- نشستن بین دو سجده، و سنت آنست که به حالت افتراش در بین دو سجده بنشینند.^۱
- ۱۰- آرامش و سکون در تمامی ارکان فعلی نماز.
- ۱۱- تشهد آخر.
- ۱۲- نشستن برای تشهد و سلام دادن.
- ۱۳- دو بار سلام دادن و گفتن: «السلام علیکم ورحمة الله» که در نماز سنت و جنازه گفتن یکبار آن کافیست.
- ۱۴- ترتیب ارکان به صورت فوق، یعنی اگر کسی عمداً قبل از رکوع سجده ببرد نمازش باطل است ولی اگر سهواً باشد باید به محل رکوع بازگردد و رکوع نماید و از آنجا نمازش را ادامه دهد.

دوم: واجبات نماز که هشت مورد هستند:

- ۱- تمامی تکبیر گفتن‌ها در منتقل شدن بین ارکان.
- ۲- گفتن: «سمع الله لمن حمده» برای امام و منفرد.
- ۳- گفتن: «ربنا ولك الحمد».
- ۴- گفتن: «سبحان ربی العظیم» حداقل یکبار در رکوع.
- ۵- گفتن: «سبحان ربی الاعلی» حداقل یکبار در سجده.
- ۶- گفتن دعای: «رب اغفر لی» بین دو سجده .
- ۷- تشهد اول.

۱- از ابن عمر روایت است: «مِنْ سُنَّةِ الصَّلَاةِ أَنْ تَنْصِبَ الْقَدَمَ الْيُمْنَى وَاسْتَقْبَالَهُ بِأَصَابِعِهَا الْقِبْلَةَ وَالْجُلُوسَ عَلَى الْيُسْرَى». «نصب نمودن پای راست و رو به قبله نمودن انگشتان آن و نشستن بر پای چپ از سنت‌های نماز است». [نسایی: ۲۳۶].

۸- نشستن برای خواندن تشهد اول.

سوم: سنت‌های نماز:

سنت‌های نماز بسیارند، که برخی از آنها قولی و برخی دیگر فعلی هستند. بعضی از فقها سنت‌های قولی را نزدیک به هفده سنت و سنتهای فعلی را تا پنجاه و پنج سنت شمرده‌اند.

سنت‌های قولی نماز که یازده مورد هستند:

۱- دعای افتتاح^۱.

۲- استعاذه، یعنی: «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» قبل قرائت فاتحه و سوره در تمامی رکعت‌ها.

۳- بسمله.

۴- گفتن آمین با انتهای قرائت فاتحه.

۵- خواندن سوره‌ی بعد از فاتحه در رکعت اول و دوم.

۶- جهری خواندن قرائت فاتحه و سوره در دو رکعت اول نمازهای صبح و مغرب و عشاء توسط امام.

۷- گفتن «مِلْءَ السَّمَاوَاتِ وَمِلْءَ الْأَرْضِ وَمِلْءَ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ» بعد از «رَبَّنَا

۱- دعای افتتاح دعایی است که بعد از گفتن تکبیر الحرام و قبل از قرائت فاتحه خوانده می‌شود، و الفاظ مختلفی دارد که مشهورترین آنها دعایی است که ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده و گفته است: پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی در نماز تکبیر (احرام) می‌گفت قبل از خواندن فاتحه لحظه‌ای سکوت می‌کرد، گفتم ای رسول خدا، پدر و مادرم فدایت، در سکوتی که بین تکبیر و قرائت می‌کنی چه می‌گویی؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود می‌گویم: «اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ اللَّهُمَّ نَقِّنِي مِنْ خَطَايَايَ كَمَا يُنَقَّى الْقَوْبُ الْأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي مِنَ خَطَايَايَ بِالْمَاءِ وَالْبَرْدِ» «خداوندا! بین من و خطاهایم فاصله بینداز همچنانکه بین مشرق و مغرب فاصله انداختنی، خداوندا! مرا از گناهانم پاک کن همچنانکه لباس سفید از چرک و آلودگی پاک می‌شود، خداوندا! مرا از خطاهایم با برف و آب و تگرگ بشوی». [متفق علیه].

وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ».

۸- سه بار خواندن تسبیح در رکوع.

۹- سه بار خواندن تسبیح در سجده.

۱۰- اضافه خواندن بر «رب اغفر لی» در جلوس بین دو سجده.

۱۱- صلوات در تشهد آخر بر آل بیت پیامبر ﷺ و دعای بعد از آن.

سنت‌های فعلی یا هیئات نماز:

۱- بالا بردن دست‌ها در هنگام تکبیرة الاحرام آغازین نماز.

۲- بالا بردن دست‌ها در هنگام رفتن به رکوع.

۳- بالا بردن دست‌ها در هنگام برخاستن از رکوع.

۴- قرار دادن دست راست بر روی دست چپ روی سینه^۱.

۵- نگاه کردن به محل سجده.

۶- فاصله انداختن بین دو پا هنگام قیام.

۷- گرفتن زانوها با کف دست‌ها هنگام رکوع.

۸- تمکین اعضای سجود بر زمین.

۹- فاصله انداختن بازوها از پهلوی و شکم از رانها، و رانها از ساق پا، و نوک انگشتان

دست و پا رو به قبله، و چسپاندن پاشنه‌ی پاها به هم و بلند کردن آرنجها از زمین، و قرار

دادن سر بین دو کف دست.

۱- البته علما در محل بستن دست‌ها اختلاف نظر دارند؛ حنفیه می‌گویند باید زیر ناف باشد، و شافعیه می‌گویند

بالای ناف و زیر سینه باشد، و حنابله می‌گویند که باید بر روی سینه باشد. دلایلی که احناف به آن استناد

می‌کنند احادیث ضعیفی هستند که هیچیک از روایت‌های مورد استناد آنها صحیح نیست، ولی حدیثی که در

این مورد به صحت رسیده است، روایت ابن خزیمه از وائل بن حجر^۲ است که گفت: «صلیت مع رسول

الله ﷺ و وضع یدیه الیمنی علی یدیه الیسری علی صدره» [ابن خزیمه: ۴۷۹].

یعنی: «با پیامبر ﷺ نماز خواندم درحالی‌که ایشان کف دست راست خویش را بر روی کف دست چپ گذاشته

و بر روی سینه‌ی خود قرار داده بود».

- ۱۰- افتراش^۱ در جلوس بین دو سجده، و در تشهد اول، و تورک^۲ در تشهد دوم.
- ۱۱- گذاشتن دست‌ها بر روی رانها در جلوس بین دو سجده، و در تشهد علاوه بر آن باید تمام انگشتان دست راست را ببندد فقط انگشت اشاره را باز می‌کند.
- ۱۲- بالا بردن دست‌ها در هنگام برخاستن از تشهد اول.
- ۱۳- رو کردن به طرف راست و چپ هنگام سلام دادن.
- البته در برخی از موارد ذکر شده‌ی فوق مابین علما اختلاف وجود دارد، چنانکه فعلی نزد برخی واجب ولی نزد دیگری سنت است و بلعس، که در کتاب‌های فقهی مبسوط است. والله أعلم.

۱- نصب نمودن پای راست و رو به قبله نمودن انگشتان آن و نشستن بر پای چپ.

۲- دراز کشیدن پای چپ زیر پای راست و نهادن نشیمنگاه بر زمین، و نصب کردن پای راست و رو به قبله نمودن انگشتان آن.

سخن آخر،

تا اینجا ترجمه‌ی این رساله‌ی کوتاه و فتاوی‌ی مربوطه در مورد احکام سجده‌ی سهو پایان رسید، از خداوند عز و جل در آنچه خوشنودی اوست توفیق می‌طلبم، و اینکه دانش در دین و ثبات و استقامت بر حق عنایت فرماید، براستی که او شنوای اجابت‌کننده است. و از شما خواننده عزیز آرزوی دعای خیر داریم.

وصلی الله وسلم وبارک علی نبینا محمد وعلی آله وأصحابه اجمعین.

منابعی که جهت تکمیل این کتاب ترجمه و بکار برده شده‌ند:

الف: برای بخش مقدمه:

۱- «۳۳ سبباً للخشوع فی الصلاة»، تالیف: محمد صالح منجد.

۲- «الخشوع فی الصلاة حقیقته واسبابه»، تالیف: أبو عبد الله خطیب.

۳- «الخشوع فی الصلاة»، تالیف: عبد الله بن جار الله آل جار الله.

۱- ب: بخش فتاوی‌ی در مورد سجده‌ی سهو:

۱- مجموع فتاوی و رسائل علامه ابن عثیمین، جلد چهاردهم، باب سجود سهو.

۲- «فقه السنة للنساء»، تالیف: شیخ محمد بن صالح العثیمین.

۳- «صحیح فقه السنة وادلته»، تالیف: ابومالک کمال بن السید سالم.

۴- سایت عربی «الإسلام سوال جواب»، متعلق به: شیخ محمد صالح منجد.